



اسناد مربوط به روابط تاریخی

ایران و جمهوری ونیز

از دوره ایلخانان تا عصر صفوی



(فهرست نمایشگاه)

جمع آوری شده به وسیله

بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچانا

این نمایشگاه با همکاری کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران،

IsMEO مؤسسه ایتالیائی برای روابط فرهنگی با خاورمیانه و دور

و مؤسسه فرهنگی ایتالیا در تهران

بر گذار می شود.

از انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

تهران - ۱۳۵۲

**Collection of Prof. Muhammad Iqbal Mujaddidi
Preserved in Punjab University Library.**

پروفیسر محمد اقبال مجددی کا مجموعہ
پنجاب یونیورسٹی لائبریری میں محفوظ شدہ



138054

این رساله با همکاری ایرج انور و قدرت‌الله روشنی زعفرانیلو
ترجمه و تحریر شده است .
طرح جلد از مرتضی ممیز
بها درایران ۶۰ ریال
تهران - چاپخانه بهمن - فروردین ۱۳۵۲

مقدمه

نمایشگاهی که از اسناد مربوط به روابط تاریخی پادشاهان و مردم ایران با جمهوری و نیز در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران تنظیم شده است گویای ارتباط دیرین و پر دامنه‌ای است از عصر ایلیخانان و پس از آن، در زمان حکومت اوزون حسن و مخصوصاً دوره پرشکوه صفوی که میان کشور ایران و جمهوری و نیز برقرار بود.

درین نمایشگاه جلوه‌های مختلفی از این روابط عرضه شده است و مخصوصاً از این لحاظ برای محققان ما مفید است که اطلاعات قدیمی و منحصری که در خزائن اسناد و کتابخانه‌های ایتالیا محفوظ است به آسانی درین نمایشگاه به معرض استفاده‌دانش پژوهان گذاشته شده است.

آثار معرفی شده متضمن اطلاعات بسیار مفیدی در خصوص جغرافیای تاریخی ایران، جنگهای میان ایران و عثمانی، روابط تجاری ایران با اروپا، هدایای ارسالی از ایران (که اغلب اشیاء هنری است)، وضع ارتباطات سیاسی بین شرق و اروپا، و نکته‌های مفیدی جزینهاست.

دانشگاه تهران از مقامات ایتالیائی که باعلاقه‌مندی و همکاری موجبات برگزاری این نمایشگاه را فراهم ساختند اظهار امتنان می‌کند. خوشوقت است که همزمان با این نمایشگاه مجموعه‌ای هم از تصاویر گراوری قرن هجدهم که نمایشگر وضع تاریخی شهر و نیزست به معرض تماشای دوستداران هنر و تاریخ قرار می‌گیرد. این تصاویر زیبا و با ارزش نیز به اهتمام رایزنی فرهنگی ایتالیا در ایران به نمایشگاه آورده شده است.

دانشگاه تهران

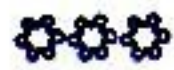
توضیح

این رساله که به مناسبت تشکیل نمایشگاه اسناد تاریخی روابط ایران و جمهوری و نیز منتشر می شود حاوی متن ایتالیایی فهرست آثار و کتب و اسناد و ترجمه ملخص آن به زبان فارسی است .

ترجمه فارسی این فهرست با همکاری پروفیسور کاروزو رایزن فرهنگی محترم ایتالیا در ایران و آقایان قدرت الله روشنی زعفرانلو و ایرج انور انجام شده است . سعی آنان بر آن بوده است که مضمون توضیحات مربوط به معرفی هراتر را از متن کامل ایتالیایی به فارسی نقل کنند .



در متن ایتالیایی ، در هر مورد که فرمان و نامه و اثری قبلا در مراجع و کتب دیگر مورد معرفی و استناد قرار گرفته بوده است معرفی و آن مراجع و منابع به تفصیل نشان داده شده است ، ولی در متن فارسی از بازگفتن آن موارد خودداری شده . طبعاً علاقه مندان و محققان می توانند از لحاظ اطلاع بیشتر به متن اصلی مراجعه فرمایند .



نکته دیگر اینکه در ترجمه فهرست آثار ، از نقل اسماء به حروف لاتین و به صورت ایتالیایی آنها خودداری شده است .



کتابخانه مرکزی از همکاری آقای پروفیسور کاروزو رایزن فرهنگی ایتالیا و آقای ایرج انور عضو محترم رایزن فرهنگی ایتالیا و آقای قدرت الله روشنی زعفرانلو که این خدمت را با علاقه مندی به انجام رسانیده اند سپاسگزار است .

پیشگفتار

پروفسور نوچی

در سال ۱۹۴۲ کتابی بنام «ایتالیا و شرق» نوشتم. اعتقاد دارم که گذشت این مدت از ارزش نکاسته است و هنوز قابل استفاده است. در این کتاب مفصلاً راجع به روابط قدیم و جدید با ایران سخن گفته‌ام. اگر در مورد دوران امپراطوری روم که روابط دو طرف گهگاه دوستانه و گهگاه خشونت آمیز بود سکوت اختیار کنیم (گو اینکه در جنگها، ملتهای مختلف میتوانند با یکدیگر آشنا شوند) پس از بوجود آمدن جمهوری‌های دریائی ایتالیا، چون ایران در سر راه هندوستان قراردادهاست روابط دائمی دوستانه با ایتالیا برقرار کرد.

در دوره ایلخانان شخصی بنام بوسکارلو Buscarello از بندر ژن (جنوا) که تاجری از خانواده گیزولفی Ghisulfi بود همراه اشخاص دیگری که نامشان در آثار ما باقی مانده در ایران مقیم شد و بارها از طرف مقامات ایرانی بعنوان سفیر یا مأمور به اروپا اعزام گردید. مهاجران جنوائی که شاید بوسکارلو مهمترین شخصیت بین آنان بود در تحت حمایت ایلخانان بر احتی و خوشی روزگار میگذرانند و باندازه‌ای بحمايت ارغون اطمینان داشتند که بوسکارلو تصمیم داشت دستگاه تجاری در هر مز تشکیل دهد و تجارت اروپا و ایتالیا را تحت نظر خود بگیرد. ولی این کار بمناسبت مرگ ارغون و اختلاف جانشینان او تحقق نیافت. ارغون با قدرتهای اروپا روابط مختلفی را پایه گذاری کرد تا از پرداخت رسوم گمرکی به سلطان مصر معاف شود. پاپ نیکولای چهارم دوراهب فرانسیسکان، بنام گو گلیلمو Guglielmo و ماتئو Matteo را که هر دو اهل کیه تی Chieti بودند بنمایندگی از طرف خود، با سفارشنامه‌ای برای پسران ارغون و اسقف Bar Sauma فرستاد. اولجايتو همان سیاست ارغون را دنبال کرد و توماسو ایدولکی Tommaso Idulchi اهل سی‌ینا را به نزد کلمان پنجم گسیل داشت. او بعد به انگلستان نیز سفر کرد.

ولی مهمترین و دوستانه‌ترین روابط بین ایران و ایتالیا در عهد شاه عباس بزرگ ایجاد شد. در همان زمان بود که پیترو دلاواله Pietro della Valle به اصفهان رسید و اثر چشمگیر خود را نوشت. این کتاب از طرف ایسمئو (I.S.M.E.O.) همراه با توضیحات پروفسور لو کهارت L. Lockhart چاپ شده و توسط آقای شماع‌الدین شفا بفارسی ترجمه شده است. او فرزند یکی از اشرافی‌ترین خانواده‌های رم بود. ترکی و فارسی را بخوبی میدانست

و کمی هم عربی. در علم و شمشیر هر دو دید طولانی داشت. شاعر و موسیقیدان بود. او در جنگها و تاخت و تازهای شاه عباس شرکت داشت. بیشتر از هر چیز به سیاست شاه عباس توجه داشت. زیرا او مثل قسمت اعظم صاحبان قدرت دنیای غرب در فکر یافتن راهی برای تضعیف امپراطوری عثمانی بود، همانطور که در دوره مغول و ایلخانان اوائل اتفاق افتاده بود تنها متحدی که می توانست دشمن را از پشت تضعیف کند، شاه عباس، یعنی ایران بود. مسافران آن زمان از وکیتی Vecchietti تا وینچنسوماریادی سانتا کاترینا Vincenzo Maria di Santa Caterina و سفیران و نیز برای دریافتن قدرت نظامی ایرانیان مطالعه زیادی کرده اند. نوشته دلاواله به نام

«موقعیت شاه عباس، شاه ایران» Delle condizioni di Abbas re di Persia

از همین قضیه الهام گرفته است. کتاب او بکار دینال باربرینی Barerini تقدیم شده و در سال ۱۶۲۸ در ونیز به چاپ رسیده است. در میان کشمکش قدرتهای مخالف، و نیز ناگهان تنها، ماند. زیرا حسادت و بی اعتمادی رقبای آن دولت چه در ایتالیا و چه در ممالک دیگر اروپا، باعث شد که دنیای غرب در مقابل ترکها دست به مقاومت اساسی نزنند. هر چه قدرت دولت عثمانی فزونی میگرفت جمهوری و نیز سعی بیشتری برای جلب دوستی ایران مبذول می داشت. در طول دو قرن سفیران زیادی بین دولت و نیز و ایران دائماً در رفت و آمد بود و همیشه سعیشان این بود که در جنگ با ترکان متحد شوند. البته هیچگاه نتوانستند با هماهنگی و توافق فوری و کامل دست به عملیاتی بزنند. چه از لحاظ بعد مسافت و چه از لحاظ مقدور نبودن برقراری تماس فوری و تصمیم گرفتن برای موقعیت های پیش بینی نده. در زمان جنگهای اوزون حسن هم که توسط کاترینو زنو Caterino Zeno و خویشاوند سببی او و جوزوفا باربارو تشکیل شده بود و نیز در زمان شاه عباس یا وقتی که لپانتو Lepanto باوج افتخار رسید هیچگاه هماهنگ و همزمان بودن عملیات جنگی مقدور نشد.

گذشته از اشخاص مذکور، آمبروجو کونتارینی Ambrogio Contarini و جوانی داریو Giovanni Dario وینچنسو آلساندری Vincenzo Alessandri و بسیاری از اشخاص دیگر یعنی مردان جسور و استثنائی، سفیران و جنگجویان ماهر در سخن و عمل که همه جا حیثیت و افتخار و نیز را حفظ می کردند، رابطه مداومی را بین ایران و دنیای غرب نگاهداری کردند که علاوه بر ایجاد روابط ناپایدار سیاسی، باعث نزدیکی و همبستگی دو تمدن باستانی و متفاوت شدند. در آن زمان مبادله اشخاص، مدارک و اشیاء در بین ایران و ونیز به وفور معمول بود. گزارش های آن روابط در دفاتر ثبت شده و در هنر نیز گهگاه خاطره آنها زنده نگاه داشته اند، مانند یکی از تابلوهای گابریل ایکالاری Gabriele Icallari که رسیدن و پذیرائی گروهی از ایرانیان را بسرپرستی فتحی بیک نشان میدهد.

اخبار وقایع ایران، تقریباً هر روز به ونیز میرسیده و افتخارات و شرح احوال مردانی که آفریننده آن وقایع بودند ثبت میشده است. برای يك دوره طولانی که سالهای بین ۱۴۹۶

تا ۱۵۳۳ را دربرمیگیرد جوانی بنام مارین سانودنو Marin Sanudo هر روز این اخبار را در دفتر خاطرات خود که آینه‌ای از طرز دید و نیز آنروز بدنیا است یادداشت میکرده و عقیده خود را درباره آن نوشته است . بایبنگر Babinger در مطالعه استادانه خود ثابت کرده که با استفاده از این منابع میتوان قسمتهای ناشناخته و مبهم روی کار آمدن سلسله صفوی را مشخص و روشن ساخت . درست بهمین دلیل سالهاست که قصد دارم فهرست کاملی برای این اثر تاریخی فراهم آورم . بهر حال دلیل نمایان روابط ایران و ونیز نمایشگاهی است که هم اکنون فهرست آن در دست شما است . باید خاطر نشان کرد که در اینجا فقط قسمتهایی از مدارك با ارزش و پرمعنی به معرض نمایش گذاشته شده . من امید فراوان دارم که در اینباره دیگران تحقیقات و کشفیات عمیق‌تر و مفصل‌تر خواهند کرد . این مدارك که ناآگاهانه یا تصادفاً بدست انسان و زمان حفظ شده‌اند همه گواه بر این است که رشته‌های دوستی و مودت عمیق و با ارزش بین ایران و ایتالیا ، تاریخ طولانی دارد . تاریخی که ما وظیفه داریم حتی کوچکترین جزئیات آن را بازسازی کنیم . اما برای پایان دادن باین صحبت طولانی واجب است که قبل از هر چیز از همه کسانی که دربرگزاری این نمایشگاه همکاری داشته‌اند و پیامی از احترام و دوستی است تشکر کنم . نخست از دکتر لوئیجی لانفرانکی Dott. Luigi Lanfranchi مدیر آرشیو دولتی ونیز ، زیرا فکر برگزاری این نمایشگاه و سازمان دادن و اجرای طرح آن از ایشان است . همکاری ذیقیمت دکتر س . ماریا فرانچیسکاتیه پولو Dott. ssa Maria Francesca Tiepolo که همچنین متن پرارزش علمی این فهرست را تهیه کرده‌اند نیز فراموش نخواهد شد .

خصوصاً میل دارم از صمیم قلب از جناب آقای هوشنگ نهاوندی رئیس محترم دانشگاه تهران که باشوق مخصوص مردان دانش ، اجازه دادند مراسم آشنائی دو باره ایران و ونیز در دانشگاه پراگ تهران برگزار شود و نیز از آقای ایرج افشار مدیر کتابخانه مرکزی دانشگاه که در تشکیل نمایشگاه اقدام کردند مراتب امتنان خود را ابراز می‌کنم .

مقدمه

ماریا فرانچسکا تیه پولو

در گنبد Pentecoste در کلیسای سن مارکو، تصاویر مادها و پارتها که نمایشگر مردم ایران باستان است دیده میشود. در روی سرستونهای کاخ دوک نشین و نیز صورت يك ایرانی باستان و تصویر داریوش در لباس يك شاه قرن سیزدهم اروپا نقش بسته است. این موضوع میرساند که و نیز بیش از هر کشور دیگری از سرزمینهای خاوری با ایران رابطه دوستانه و تجاری داشته، زیرا ایران در مسیر راه رسیدن به چین و هندوستان از راه زمین و از راه بندر هرمز بوده. نخستین ارتباط تجاری و هنری بیزانس از راه سوریه و دریای سیاه برقرار شد. این نقاط مرکز کاروانهای حامل کالاهای ذیقیمت ابریشم، جواهر و ادویه بود. آبخوری خشایار شاه، شاه بزرگ و چهار شیئی لعابکاری کوچک که از هنر ایرانی الهام گرفته تنها اشیاء غیر مذهبی در پالادور (Pala d' Oro) هستند. اشیاء دیگری که در گنجینه سن مارکو موجود است نمونه ای از آن کالاهای شمار میرود. تازمانی که امپراطوری یونان و لاتین خاوری برپا بود و نیزیها بخاطر موقعیت ممتاز خود در آن سرزمینها احتیاجی به نفوذ در ممالک مرکزی آسیا نداشتند. قبل از ایشان تجار شهرها و ممالک دیگر بخصوص تجار اهل بندر ژن دست باین کارزده بودند. ولی بعد از معاهدات نینفو (Ninfeo)، زمانی که این موقعیت رو به انحطاط رفت و نیزیها هم مجبور شدند وارد مسیرهای کاروانی شوند. در ابتدا اشخاصی بنا بر ابتکار شخصی و بخاطر ماجراجویی و بدست آوردن ثروت دست باینکار زدند. بعد دولت و نیز دست با اقدامات لازم زد و با وجود آوردن مراکز سیاسی و تجاری به نتایج مثبتی رسید. کمی پیش از بحران، مافئو (Maffeo) و نیکولو پولو (Nicolo Polo) باین ماجرا جوئی بزرگ دست میزدند و نزد تاتارهای جغتائی اقامت میکنند. در سال ۱۶۲۳ پیترو ویلیونه (Pietro Viglione) واقوامش شاید تنها و نیزهای مقیم تبریز بوده اند. در وصیت نامه طوری نشان داده شده که گوئی در وطن خود بوده و فرنگیهای دیگری نیز در اطرافش بوده اند و برایش طبیعی بوده که اموالش را بوسیله نزدیکترین مقامات و نیزی یعنی سفیر آگری به و نیز ارسال کند. با تشویق و تبلیغ مبلغین مذهبی و تجار، پادشاه ایلخانی در ایران جریان تجاری اروپا را می پذیرد. قرار بود که برادران پولو، عروس یا عروسهایی از دربار چین برای ارغون بیاورند. دو و نیزی دیگر هم بنام های لورنسو ویدرو (Lorenzo Videro) و سیمونه آونتورادو (Simone Aventurado) می آیند و يك قطعه بلور پیشکش می آورند. این نوع اشیاء و کالاهای غربی و و نیزی همیشه مورد علاقه دربارهای خاور زمین

بوده. ولی آنطور که شرکای آنها در وطن انتظار داشتند چیزی در مقابل بدست نمیآوردند و کار آنها به دادگاه و نیز کشیده میشود (۱۲۸۹). این محاکمه هر قدر هم که برای طرفین دعوا باعث ناراحتی بود برای ما بسیار نافع و قابل استفاده است. چون طبق مدارک قضائی بجا مانده میتوانیم قسمت کوچکی از این ماجرای قدیمی را بازسازی کنیم و در نتیجه به قسمتی از وقایع تاریک تاریخی آن زمان دست بیابیم. همچنین شخصی بنام پیترو لونگو (Pietro Longo) پسر لوقا (Luca) که در سال ۱۲۹۱ همراه جیوانی (Giovanni) اهل مونته کوروینو (Monte Corvino) از تبریز به پکن نقل مکان کرده با احتمال قوی ونیزی بوده است.

ارغون، دوست باختر زمین و وارث او چون به سواحل مدیترانه نظر داشتند. لذا به پاپ و شاه فرانسه و شاه انگلستان نامه مینویسند و آنان را تشویق به آزاد کردن اماکن مقدسه میکنند. بدین ترتیب کوششهای بی نتیجه همکاری نظامی بین اروپا و ایران شروع میشود که بعدها بر علیه ترکها ادامه یافت. ونیزیها بدقت پیشرفت های مغولها را بر علیه ترکها زیر نظر داشتند.

در اوایل قرن سیزدهم مارینو سانودو تورسلو (Marino Sanudo Torsello) در حال مطالعه راهی برای تحریم کردن مصر و برگرداندن رفت و آمد تجارتهای هندوستان از راه ایران در طول رود فرات بطرف سواحل سوریه است. منظور او این است که مصریها را برفع ونیزیها به گرفتاری بکشد. طرز تفکر تاجرانۀ زیاد در جنگهای صلیبی دست بدست هم میدهد و از اینجاست که علل اصلی اقتصادی، سیاسی و نظامی روابط ایران و ونیز بچشم میخورد. در سال ۱۳۰۶ الجایتو درباره امتیازی به تجار ونیزی اشاره میکند و در دنباله آن معاهده دقیقی است که در سال ۱۳۲۰ بین میکله دولفین (Michele Dolfin) و سلطان ابوسعید بسته شد و درباره آن بحث میشود. پس تعداد ونیزیهای مقیم تبریز که تحت فرمان قنصل ونیز هستند بزودی زیاد میشود. از ترا بوزان و تاناتجارت در جهت ایران و آسیای مرکزی رشد مییابد، تا وقتی که در اثر پیشروی عثمانیها از بین میرود.

سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ در اروپا ترس بزرگی ایجاد کرد و پیشنهادهای بی- نتیجه ای برای جنگ مذهبی شد، از طرف اروپائیها سعی میشود که متحدینی در شرق برای خود دست و پا کنند تا جبهه دومی در آسیا بوجود آید. این خواست با کشتی که اوزون حسن ترکمن باروپا دارد منطبق میشود. مالی پیرو (Mali Piero) در باره او میگوید: بسیار شجاع و دانا، بابدنی بسیار کشیده، آزادمنش، مودب و خیر خواه است. او کسی است که قسمت اعظم ایران را متحد کرده است. مسأله جنگ با عثمانی در روابط ایران و ونیز در درجه اول قرار دارد. زیرا جمهوری ونیز در این مبارزه (۱۴۷۹ - ۱۴۶۱) بعد از دست دادن نگر و پونته (Negro ponte) تنهاست، ولی پیغامهای زیادی رد و بدل میشود. پیغامهای کاترینوزنو برادرزاده شاهزاده خانم ترا بوزان، جیوزوفا باربارو و آمبروجیو کونتارینی بخاطر شرح مسافرت هاشان

مشهور هستند. بنظر میآید که مبارزه دریائی وزمینی در Cilicia در بهار سال ۱۴۷۳ به پیروزی انجامید و بطرف بسفر ادامه یافت. ولی این خیال با شکست ازون حسن درماه اوت همان سال در Tarjan در ساحل فرات از بین رفت.

با اینکه از نظر جنگی این روابط استواری کافی نداشت ولی ارزش سیاسی آن کم نبود و در قسطنطنیه نگرانیهای برانگیخت. باین ترتیب نقشه اتحاد ایران و ونیز در جنگ با ترکان عثمانی سرابی بود که مرتب در هر تجاوز عثمانیها به متصرفات ونیزیها به نظر میرسید. دفعات دیگر این درخواست از طرف شاه ایران هم تکرار میشود. جمهوری ونیز برای بخطر نیفتادن صلح با عثمانیها که هم مرز ورقیب جمهوری در دریا و خشکی است طفره میبرد. منافع مشترک ایران و ونیز ایجاب میکرد که برای مبارزه با دولت عثمانی دست بدست هم بدهند، ولی به علت بعد مسافت بین دو کشور، هماهنگی و توافق در عملیات جنگی مقدور نبود.

باین ترتیب دولت ونیز در سالهای ۱۵۰۹ - ۱۵۱۰ به پیشنهاد شاه اسماعیل درباره اتحاد دو کشور وقتی نمی گذارد. این پیشنهاد در بحرانی ترین لحظات تاریخ ونیز داده شد، باین معنی که جمهوری ونیز از طرف حکومت های دیگر ایتالیا در معرض تهدید بود پس ترجیح میدهد در شرق مشکلی ایجاد نشود. ولی بهر حال بر خوردهائی با مصر پیش میآید. در سال ۱۵۳۵ پس از اعلام پیروزی های سال قبل سلیمان در ایران، سنای ونیز با نامه های متعدد اظهار خوشوقتی میکند و اظهار میکند که میخواهد با آن دولت دوست واقعی و همیشگی باشد. جریان سالهای ۱۵۳۹ - ۱۵۴۰ قابل توجه است، یعنی زمانی که شاه طهماسب در اثر تشویق و تحریک میشل ممبره (M. Membre) آماده آغاز جنگ به همراه ونیز بر علیه ترکهاست. ولی جمهوری ونیز با دولت عثمانی معاهده صلح امضاء میکند.

تازمان پیروزی عثمانی در سال ۱۵۱۷، ونیز نمی تواند روابط خود را با سلطان مصر، حاکم سرزمینهای سوریه مرکز مهم تجارت ونیز تیره کند. کشف راه دریائی هند که طولانی و خطرناک و ترس آور بود بهیچوجه باعث تنزل فوری بازارهای مدیترانه نمی شود. بازار مدیترانه پس از یک دوره کوتاه کساد دوباره از موقعیت تجارتی خوبی برخوردار شد. زیرا صاحبان کالاها به تدریج راه های جدید را به راه های کاروانی قدیمی که هزاران سال مورد استفاده بود ترجیح میدهند.

در این موقعیت هر بار که برخوردی بین ایران و عثمانی پیش میآید، بگفته مینادوی (Minadoi) برای جمهوری عیسوی ونیز بسیار بجا و نافع است. زیرا باین ترتیب فشار قوای عثمانی روی مرزهای غربی کاهش مییابد. ولی از طرف دیگر نگرانی هم ایجاد میکند. زیرا بعلت عملیات جنگی از حرکت کاروانها جلوگیری میشود. همه اخبار مربوط باین جنگها بوسیله عمال ونیز (سفرا، نمایندگان، قنسول ها وغیره) جمع آوری میشود و باروپا فرستاده میشود. سفرا در باره روابط سیاسی کشورهای ایران و عثمانی مرتباً اطلاعاتی به سنای ونیز

میفرستند. در آخرین گزارش‌ها، بعلت موقعیت بین‌المللی آن زمان همیشه صحبت از ایران است و هنگامیکه شبه جزیره هندوستان صحنه رقابتهای اروپائیان میشود اهمیت ایران بیشتر می‌شود.

مهمترین مراکزی که موقعیت سیاسی شرق را زیر نظر داشتند. دوشهر قسطنطنیه و حلب، مراکز قنسولگری و نیز در سوریه بود. این سمت همیشه برای اشراف زادگان درجه اول محفوظ بود. اخبار جنگهای شاهان صفوی بطور رسمی و غیر رسمی از این مراکز به جمهوری و نیز میرسید. در نامه‌ای که زوانه موروزینی (Zuane Morosini) در سال ۱۵۰۷ از دمشق به پدر خود مینویسد درباره شاه اسماعیل صفوی میگوید: «بعد از کوروش و داریوش هر گز شاه ایران تا این حد مورد پرستش و احترام مردم نبوده و هیچ شاهی با اندازه او جنگجو و شجاع نبوده و همچنین کثرت سپاهیان او بی نظیر است و بخت هم با او یاراست». در رساندن اطلاعات و خبرها تجار نیز همکاری دارند. منظور آنان پیش بینی‌های اقتصادی است و از طرفی علاقه‌ای انسانی که به دانش دارند.

در دوره سلطنت پرافتخار شاه عباس بزرگ رشته روابط با ملتهای اروپا و نیز دیگر بار اتصال مییابد. هدف شاه عباس این است که پس از متحد ساختن قسمت‌های مختلف ایران بضرع شمشیر، با باز کردن بازارهای غرب از راه سوریه و هرمز و بنادر دیگر خلیج فارس موقعیت مثبتی از نظر اقتصادی برای ایران بوجود بیاورد. در عین حال محصولات غرب را از قبیل تفنگ و وسائل دفاعی و آینه و پرده نقاشی جزء واردات ایران نماید، مسافران آن زمان درباره کاخ آینه کاری بسیار زیبای شاه عباس که زیباترین قسمت قصر اصفهان است و با آینه‌های و نیز پوشیده شده بسیار توصیف و تمجید کرده‌اند. سفرای زیادی که اغلب از ارامنه هستند از جانب ایران با مقاصد اقتصادی و سیاسی به و نیز میروند. اینان تجاری هستند که تجارت خارجی ایران را در دست دارند و مأموریت فروش پارچه‌های ابریشمی در انحصار دولت با آنها است. آنان هدایای ذقیمت از طرف شاه به مقامات و نیز میدهند که در عین حال راه درستی برای تبلیغات و معرفی صنایع دستی ایران در اروپا است. کارشناسان تجاری مشغول مطالعه هستند که چگونه بازار پارچه‌های ابریشمی ایران را گرم نگاه دارند و برای دفاع از مسیرهای قدیمی مدیترانه در مقابل رقابت راه‌های جدید دریائی آنها را از مالیات گمرکی معاف میکنند و شرایط مناسب‌تری برایشان قائل میشوند.

این روابط اهمیت و نیز را در شرق بالامی برد. توماس روهه (Th. Rohe) درباره سفیری که در سال ۱۶۱۶ یک قطعه مخمل با تصاویر شاه و ملکه و نیز برای امپراطور مغول هدیه برده است بحث کرده. در این دوره سکه‌های طلای و نیز در تمام بازارهای شرق رواج داشته و معروف به طلای خالص بوده است. در هندوستان نیز شبیه آن راضرب میکردند. طبق گفته تاورنیه یک فرمانده هلندی ساکن هرمز یک جام با ارزش چینی مملو از دوهزار سکه طلا به شاه عباس هدیه

میکنند . مقامات ایرانی نیز برای نوروژ، چیزی شبیه آن یا لااقل مقداری سکه طلای ونیزی به شاه تقدیم میکنند.

جیو فرانچسکو ساگرو (Gio. Francesco Sagredo) قنصل ونیز در سوریه میگوید: «علیه حضرت چنان به اسم ونیزالتفات دارند که هر کس از هموطنان ما به دربار او برسد، حتی اگر از پست ترین خاندان های ونیز باشد، بقدری دوستانه و با مهربانی از آنان پذیرائی میکنند که باور کردنی نیست.»

از این نوع نمونه ها بسیار است. زیرا ونیزی ها دائماً با ایران در حال تجارت هستند و همراه با فرنگی های دیگر در آنجا براحتی سکنی دارند. آمبروجو کوتارینی میگوید: «ایرانیان مردان بسیار با ادب و مهربان هستند». اسپاندو جینو (Spandugino) که شاهد غیر مستقیم بوده اضافه میکند که: «بیگانگان همانند فرشتگان خدا پذیرائی میشوند». همه جغرافی دانان و مسافران از مهربانی و مهمان نوازی ایرانیان تمجید و تعریف کرده اند.

ونیز در زمان جنگ ۱۶۶۹ - ۱۶۴۵ سبی دارد بوسیله اتحاد با ایران دشمن را از پشت سر مشغول کند. در این زمان دیگر ونیز سفیر و نماینده نمی فرستد، بلکه فرستادگان مختلف از قبیل مردان مذهبی، اشخاص ناشناس و اغلب کسانی که حتی ونیزی نیستند این وظیفه را بعهده دارند. همین کافی است که در قسطنطنیه نگرانی بوجود بیاورد. ولی نتیجه مثبتی حاصل نمیشود. زیرا ایران بر اساس معاهده ۱۶۳۹ با عثمانی در صلح بسر می برد و زمانی که وقت معاهده ایران و عثمانی به پایان میرسد، یعنی وقتی شاه ایران قادر است به کمک جمهوری ونیز بشتابد، جزیره کرت از دست رفته است.

جنگ باعث خرابی روابط تجارتهی از راه سوریه با ایران و هند میشود. این امر به نفع راه دریائی اقیانوس اطلس تمام میشود. در عوض سعی میشود که راههای دیگری از طریق روسیه و راه دریای خزر رودر بند به حاجی طرخان از مسیر رودولگا باز شود. در اواسط قرن هیجدهم مساله اقتصادی، مهمترین دلیل روابط ایران و ونیز است. پس از اتمام جنگ تورم از بین میرود و تجارت بشدت سابق از راه بنادر سوریه آغاز میشود. در این زمان ونیز و عثمانی در حال صلح بسر می برند. آشفتگی داخلی ایران نیز بخاطر مبارزات شاهزادگان پایان یافته. پس از يك دوره طولانی که قنصلگری ونیز فقط در قبرس وجود داشت، دیگر بار قنصل های ونیز در حلب، سوریه و فلسطین تعیین میشوند. ولی این بار با تغییراتی است که حاکی از عوض شدن طرز فکر دولت ونیز است، بدین معنی که این سمت دیگر مخصوص اشرافزادگان نیست، بلکه این سمت در اختیار يك تاجر با تجربه و ماهر قرار میگیرد که حتی واجب نیست تبعه ونیز باشد. مؤسسات یهودی در این زمان بسیار است. رقابت تجار فرانسوی و انگلیسی وهلندی وآلمانی بسیار شدید می شود، سعی قنصل ها برای تشویق تجار ونیزی به تجارت مستقیم بی نتیجه است.

هنوز بازار تجارت گرم است و کاروانهای بصره و بغداد که هر کدام بیش از ده هزار

شتر در اختیاردارند کالا های ایران و هندوستان را به بصره حمل میکنند و در بازگشت اجناس و نیز از قبیل آینه، پارچه، کاغذ و آهن می برند. ولی بهر حال تازه ترین تحقیقات تاریخی ثابت میکند که در این زمان دوره انحطاط جمهوری و نیز لااقل از نقطه نظر اقتصادی، تشکیلاتی و مالی شروع شده. زیرا با اینکه هنوز بازارهای مدیترانه در درجه اول اعتبار قرار دارد ولی موقعیت کنونی با قدرت و عظمت تجارته گذشته قابل مقایسه نیست. این موقعیت را آخرین قنصل و نیز جیو آنتونیوماریا مورونا (Gio. Antonio Marin Movrona) که بعد از سال ۱۷۹۷ نماینده اطریش شد بوضوح شرح داده است.

نمایشگاه کنونی ادامه ای است از نمایشگاه کوچکتري که بمناسبت دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی کوروش بزرگ در اکتبر سال ۱۹۷۱ در مرکز آرشیو دولتی و نیز برپا شد. برگزار کردن این نمایشگاه که از نمایشگاه سال ۱۹۷۱ بسیار وسیع تر و جامع تر است بدون هم بستگی و کمک دوستانه مؤسسات دیگر و نیزی ممکن نبود.

دروهله اول کتابخانه ملی مارچانا (Marciana) که بانسخه های خطی لاتینی و ایتالیایی و شرقی کمک قابل توجهی بیا کرد و از موزه کرد (Correr) ممنونیم که بجا اجازه داد از نسخه های خطی و اشیاء هنری و چیزهای دیگر آن عکس برداری کنیم. از موسسه نظارت بر آثار تاریخی قصر دوک نشین، بنیاد جورجوجینی و موسسه یونانی مطالعات دوره بیزانس و قبل از بیزانس، که عکس تابلوها، مینیاتورها و اشیاء دیگر را در اختیارمان گذاشتند سپاسگزاریم. امیدواریم که پدر مقدس مکتیاریستی سن لازارو بخاطر اجازه عکس برداشتن از دست نوشته های ذقیمت مذهب کتابخانه و اشیاء موزه تشکر صمیمانه ما را بپذیرند گذشته از مدارک و اشیاء موجود در این نمایشگاه، شهر و نیز قادر است مدارک و اسناد بسیار دیگری در دسترس محققان این رشته قرار دهد.

تحقیق درباره این رشته تازه نیست، بلکه گولیلمو برشه (G. Berchet) بیش از یک قرن پیش در این رشته مطالعات اساسی کرد و قسمت اعظم مدارک و اسناد موجود در این نمایشگاه را در دسترس عموم قرار داد و بعضی از آنها قبلا در نمایشگاه های دیگری نیز به معرض نمایش گذاشته شد. ماراهی را که قدما پیش از مارفته اند باروش جدید و تحقیقات دیگری طی کردیم و نگاهی به روابط چند صدساله ایران و ونیز انداختیم. باید اقرار کرد که این روابط تأثیر زیادی در تاریخ هر دو کشور و رابطه ونیز و شرق و ایران و اروپا داشته است.

این فهرست بطور خلاصه و ساده شرحی است درباره قطعات موجود در نمایشگاه که سعی شده از نظر زمانی مرتب شود و یکی از پس دیگری قرار گیرد.

گذشته از منظور علمی و تحقیقی که در برپا کردن این نمایشگاه موجود است باید گفت که افراد بیشتری از طبقات و باطرز فکرهای مختلف میتوانند از زیبایی مینیاتورها، فرمانها،

نقشه‌های قدیمی ، منظره‌ها و تصاویر لذت ببرند و بارزش آنها واقف شوند. این کار هدیه‌ای است به کشور دوست ما ایران .

باید از بین کسانی که در این کار بمن کمک کردند لاقلاً اسمی از همکاران و دوستان خود ببرم و آنها عبارتند از دکتر جوستینیانا کولازانتی و دکتر ایرما پائولاتاشینی عضو آرشیو دولتی ونیز، فرانکو ماریو کولازانتی عضو کتابخانه ملی مارچانا و همچنین میکله‌داریو عضو قسمت عکاسی و مرمت آرشیو دولتی که با علاقه زیادی با من همکاری کردند و نیز از پروفیسور آنجلو . ام . پیه مونسنه عضو «ایسمئو» که با استفاده از عکس‌ها اصالت فرمانهای ایرانی را تصدیق کردند تشکر و از يك يك آنها تشکر میکنم .

غیر از عکسهای رنگی و عکسهای تهیه شده در موزه کرر که به مؤسسه فروزی (Ferruzzi) واگذار شده بود تمام عکسها توسط قسمت عکاسی و مرمت آرشیو دولتی ونیز تهیه شده است .

ماریا فرانچسکا تیه پولو

ونیز ، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲

فهرست آثاری که به نمایش گذاشته شده

قسمت اول : سز زمین و معرفی جغرافیائی آن

- ۱- نقشه منظره عمومی ونیز به وسیله Jacopo' debar Bari ، چاپ ونیز سال ۱۵۰۰ میلادی - با تصویرهای خدایانی که نگاهبانان تجارتی و دریا بودند .
- ۲ - شیر San Marco نقاشی شده بوسیله ویتوره کارپچیو (V. Carpaccio) در پایه عمارت دولتی در مرکز شهر . شکل شیر بالدار علامت ونیز بود . اما ایرانیها آن را تصویر علی میدانستند و نشانه‌ای از دوستی برای هر دو کشور بود . چون نزد ونیزیها نیز محترم بود .
- ۳ - گزارش میشل ممبره (Michele Membré) نماینده مخصوص حکومت ونیز در ایران مورخ ۵ ژوئیه ۱۵۴۲ . او در آن اشاره‌ای به شیر سان مارکو میکند که در نزد ایرانیان ونیزیها محترم بوده است .
- ۴ - نقشه اروپا به وسیله ابراهیم ارتلیوس چاپ انورس سال ۱۵۷۰ . ونیز ، کتابخانه ملی مارچانا . در این نقشه ونیز مرکز تجارت دنیا بوده است .
- ۵ - نقشه آسیا که ایران مرکز سه تمدن آسیای مرکزی ، اروپا ، و هند بوده است .
- ۶ - نقشه ایران بوسیله ابراهیم ارتلیوس . نکته قابل توجه آنکه مقیاس آن فرسخ ایرانی است .
- ۷ - تصویرهای اشکانیان و مادها در گنبد کلیسای پننه کوسته در کلیسای سان مارکو در ونیز .
- ۸ - تصویر داریوش پادشاه ایران روی یکی از سرستون های عمارت دولتی ونیز .
- ۹ - تصویری شبیه به یک ایرانی در همان سرستون .
- ۱۰ - تصویر شیر سان مارکو روی یکی از ستونها در میدان که پهلوی کلیسای سان مارکو است .
- ۱۱ - آنجوری اردشیر در خزانه سان مارکو ، به احتمال متعلق به اردشیر اول پادشاه هخامنشی است . (۴۲۵-۴۶۵ ق) .
این کوزه کتیبه‌ای دارد به چهار زبان فارسی باستانی ، ایلامی ، بابلی ، مصری قدیم .
- ۱۲ - بشقاب بلور اثر ایرانی یامصری ولی تحت تأثیر هنر ایرانی ، متعلق به قرن دهم میلادی . ونیز . خزانه سان مارکو .

قسمت دوم - روابط تجارتي از قرن سیزدهم تا پانزدهم

۱۳ - نقشه ایران چاپ آمستردام سال ۱۶۳۵ میلادی.

۱۴ - وصیت نامه پیترو ویلیونه، این وصیت نامه در سال ۱۲۶۳ در تبریز نوشته شده است. اولین مدرکی است که در باره ونیزیهای مقیم ایران در دست داریم. در این وصیت نامه اشاره به جواهرات و اشیاء بلوری می شود که از ونیز و سایر کشورهای اروپائی به ایران آورده شده است. ونیز، آرشیو ملی.

۱۵ - چند صفحه از سفرنامه مارکوپولو، جمع آوری شده بوسیله رموسیا در کتاب سفرهای دریائی. چاپ ونیز. ۱۵۵۹. نسخه خطی اصلی در کتابخانه ملی ونیز مارچانا نگهداری میشود. در این سفرنامه که شرحی جغرافیائی است مارکوپولو اشاره به سفر پدر و عمویش میکنند که باتفاق سفیری از ایران به چین میروند تا هلاکوخان را ببینند.

۱۶ - یکی از قدیمی ترین چاپهای ونیزی از کتاب مارکوپولو. در این کتاب اشاره به آبادی و ثروتمندی کشور ایران که از قدیم مورد توجه بوده است میکند. ونیز، آرشیو ملی.

۱۷ - نقشه ایران و شرح سفرهای مارکوپولو که مطابق توصیف او ترسیم شده است. ونیز، آرشیو ملی.

۱۸ - تصویر مارکوپولو در حال پوشیدن لباس تاتاری، نقاشی شده بوسیله گرونبروک هلندی. نمونه ای از لباسهای قرن هیجدهم را نشان میدهد. ونیز، موزه کورر.

۱۹ - پیام رسمی حاکم ونیز (پیترو گراده نیکو) به پاپ بونی فاجوی هشتم با اطلاعاتی درباره روابط ایران و ونیز. از یک نسخه خطی متعلق به قرن پانزدهم میلادی است. در این پیام به اتحاد بین غازان خان پادشاه ایلخانی ایران با پادشاه ارمنستان و جورجیا که بر علیه سلطان مصر تشکیل میدهند اشاره شده است. در جنگی که در دمشق اتفاق می افتد سلطان مصر شکست می خورد و دستگیر میشود و در ارمنستان زندانی میشود. غازان خان قصد حمله به مصر را نیز داشته است. این يك موفقیت خوبی برای کشورهای اروپائی بوده است که با پادشاه مغول باب دوستی بکشایند تا در آزاد ساختن شامات به مسیحیان کمک کنند. پس از این جنگ، جمهوری ونیز تصمیم میگیرد که سفیری بدربار غازان خان بفرستد. این نامه در نوزدهم مارس سال ۱۳۰۰ نوشته شده است. ونیز، کتابخانه ملی.

۲۰ - کتابی به زبان لاتینی بنام وضع سرزمین مقدس (فلسطین) تألیف مارین سانود و ترسلو. هم چنین در این کتاب اشاره به آزادی شامات می شود که باید مصر را محاصره اقتصادی بکنند. نیز درباره راه های تجاری است که از ایران و بغداد و مصر عبور میکند. هدف کشورهای اروپائی این است که کالائی که از هندوستان می آید از ایران عبور کند و راه تجارت مصر را ببندند و کالاها مستقیماً به بنادر مدیترانه برده شود. نکته قابل توجه این است که امپراطوری

ایران آزادی تجارت به تجار مسیحی اروپائی داده بود تا کالای خود را از ایران عبور دهند، در حالیکه سلطان مصر با عبور کالای تجار مسیحی از خاک مصر مخالفت کرده بود. نسخه خطی اصلی متعلق به قرن چهاردهم سال ۱۳۰۶ میلادی. و نیز، کتابخانه ملی.

۲۱ - متن قرارداد منعقد شده در تبریز بین سلطان ابوسعید و سفیر کبیر و نیز که بر طبق آن دولت ایران امتیازاتی به تاجران و نیزی مقیم تبریز داده بود. در متن قرارداد اشاره شده است به باز کردن کنسولگری در ایران و هم چنین ساختن خانه‌هایی برای راهبان مسیحی. نکته قابل توجه اینکه راجع به روش مالیاتی و طرز اداره کشوری زمان مغول و هم چنین راجع به محافظت راههای کاروان رونیز اشاره شده است. نسخه عکس برداری شده. اصل آن در آرشیو ملی و نیز موجود است. تاریخ عقد قرارداد بیست و دوم دسامبر سال ۱۳۲۰ است.

۲۲ - نامه کنسول و نیز در تبریز به حاکم و نیز «جووانی سورانزو»، درباره رفتار تاجران و نیزی مقیم تبریز. در این نامه اشاره به رفتار غیر معقول و نیزیان در ایران میکند که در موقع گرفتاری و مشکلاتی که برایشان پیش می‌آید به کنسولگری مراجعه نمی‌کرده‌اند، بلکه برای رفع دعوی خود به مادر خان مراجعه می‌کردند. عکس برداری شده از نسخه اصلی آرشیو ملی و نیز. تاریخ تحریر این نامه ششم ژوئن سال ۱۳۲۴ است.

۲۳ - موافقت نامه و نیز بین یک ایرانی بنام حاج سلیمان طیبی و دو تاجر و نیزی با نظارت حاکم. طبق این موافقت نامه تاجر ایرانی میخواست است مالیاتی برای کالای تجار و نیزی که بایران حمل می‌کردند قائل شود و دو تاجر و نیزی درخواست مطالبه پولی می‌کردند که کالای آنها در ارزروم از بین رفته است. عکس برداری شده از سند اصلی که در آرشیو ملی و نیز نگهداری میشود. تاریخ تحریر این موافقت نامه بیستم ژوئن سال ۱۳۳۲ است.

۲۴ - شهادتنامه مارینکو کنتارینی در حضور قضات دادگاه و نیز درباره مرافعه‌ای بین تاجران و نیزی مقیم تبریز. در این شهادت نامه به محکوم شدن یک تاجر و نیزی اشاره شده است که مقروض بوده و دین خود را نپرداخته و فرار میکند و پس از دستگیری با چند تاجر دیگر و نیزی زندانی میشود. عکس برداری شده از نسخه اصلی که در آرشیو ملی و نیز نگهداری می‌شود. تاریخ تحریر این شهادت نامه بیست و هفتم ژانویه ۱۳۳۹ است.

۲۵ - رأی دادگاه و نیز درباره حق حمل و نقل اموال تاجر های و نیزی. عکس - برداری شده از نسخه اصلی در آرشیو ملی و نیز. مورخ نوزدهم ژوئیه سال ۱۳۳۹ است.

۲۶ - قرارداد رسمی بین یک پزشک ایرانی مقیم تبریز که مردم اورا سوریه‌ای میگفتند، چون اهل جزیره کاندیا از متصرفات دولت سوریه بوده است. در این قرارداد اشاره شده است به معالجه مرد و نیزی که مبتلا بدرد گلو بوده و نمی‌توانسته صحبت کند و تعهد کرده که در صورت

معالجه شدن ۵۰ سکه طلا بدهد. این خود نشان میدهد که ایرانیان در فن پزشکی پیشرفت زیادی کرده بودند. تاریخ تحریر این قرارداد سیزدهم و هیجدهم ژوئن ۱۳۵۵ است. اصل قرارداد در آرشیو ملی و نیز ضبط است.

۲۷ - نقشه دریای سیاه با نواحی شمالی و شرق آن از سفرنامه شادرن. این نقشه در آمستردام در سال ۱۷۱۱ بچاپ رسیده است. اصل آن در کتابخانه ملی و نیز ضبط است.

۲۸ - شهادتنامه یک بازرگان و نیزی در دادگاه دربارهٔ روبروشدن دو کاروان تجارتي در راه تانا به اورجند. اورجند شهری بسیار پر جمعیت و مرکز دادوستد و رفت و آمد بود. تاریخ این شهادت سال ۱۳۶۳ میلادی است. نسخه اصلی آن در کتابخانه ملی و نیز ضبط است.

۲۹ - نامه رسمی اویس خان که از تبریز به نماینده و نیز در طرابوزان نوشته شده است و تجار و بازرگانان و نیزی را تشویق به تجارت با ایران کرده است و برای آنها مزایایی قائل شده است، از جمله از معافیت گمرکی و دادن مالیات معاف باشند و یک چندی که امر داد و ستد بر اثر فوت سلطان ابوسعید دچار وقفه شده بود اینک بازرگانان و نیزی میتوانند کالاهای خودشان را بایران بیاورند. هم چنین پاسخ نماینده و نیز به اویس خان است. تا اندازه ای نامه مبهم نوشته شده است. در آن اشاره میکند که ابتدا باید کاروانهای کالاهای ایرانی حرکت نماید و بعد کاروانهای تجارتي و نیزیها حرکت نماید. بعداً با توجه به نامه اویس خان یادآوری میشود که حالاً موقعیت خوبی است که روابط تجارتي ایران و نیز از سر گرفته شود. تاریخ تحریر نامه بیست و دوم اوت و احتمالاً از آن سال ۱۳۷۰ بوده است.

۳۰ - نامه دیگری است به نماینده و نیز در طرابوزان دربارهٔ داد و ستد و رفت و آمد بازرگانان دو کشور. اضافه میکند که دیگر جاده‌ها مطمئن هستند و حادثه آفرینان جاده‌ها بمجازات رسیده‌اند. تاریخ تحریر این نامه احتمالاً سالهای ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳ میلادی بوده است.

۳۱ - وصیت نامه سفیر و نیز در طرابوزان که اهمیت آن از نظر اطلاع دربارهٔ امور تجارتي و روابط بازرگانی بین ایران و و نیز مورد توجه است. در این وصیت نامه سفیر به تصفیه حساب بین دو کاروان که از تبریز به شماخی میرفته‌اند اشاره میکند و میگوید شخصاً امور مالی و دادوستد بین کاروانها را انجام میداده است. این مدرک رفت و آمد کاروانهای بین ایران و طرابوزان را نشان میدهد. تاریخ این وصیت نامه چهاردهم اکتبر سال ۱۴۱۳ است و در طرابوزان نوشته شده است.

۳۲ - نقشه جغرافیائی که بوسیله یک راهب و نیزی بنام فراماتورو ترسیم شده است. این کار مربوط است به قرون وسطی. اطلاعاتی که در این نقشه جغرافیائی مندرج است پاره‌ای با حقیقت منطبق است و قسمتی از آن جنبه تخیلی دارد. این خود نشان میدهد که و نیزیها دربارهٔ دنیای آنروزگار چقدر اطلاع داشته‌اند. سال ترسیم این کره جغرافیائی سال ۱۴۵۹

میلادی است. اصل آن در کتابخانه ملی ونیز است .

۳۳ - قسمتی از يك تابلوی نقاشی معروف به معجزه صلیب کار ویکوره کارپاچو نقاش معروف که در آن پلریالتو دیده میشود . در ماورای آن محلی دیده میشود که قرار بوده است بعدها در آنجا کاروانسراهائی برای آلمانیها و ایرانیها ساخته شود. این تابلو در گالری آکادمی ونیز نگهداری میشود.

قسمت سوم - جنگ با عثمانی در قرن پانزدهم

۳۴ - منظره عمومی ونیز کار ارهارد رویویج هلندی که در کتاب زیارت تربت حضرت عیسی تألیف بیکن هاردفن بریدن باخ چاپ شده است . خود نقاش از زواری بوده است که به ونیز رفته. کار او تا اندازه ای جنبه واقعی دارد و تا حدودی هم تخیلی است . کتاب به زبان لاتینی است و در سال ۱۴۸۶ در شهر مایننز چاپ شده است.

۳۵ - فرمان سنای ونیز در باره حرکت محمد پاشا سفیر ایران در ونیز که همراه با يك نامه رسمی برای حسن فرستاده شده است . درین نامه اوزون حسن را برای جنگ با امپراطوری عثمانی تشویق مینمایند . اصل فرمان و نامه در آرشیو ملی ونیز ضبط است و تاریخ آن بیست و ششم سپتامبر سال ۱۴۶۴ میلادی است. نسخه عکس برداری شده آن به نمایشگاه آورده شده است .

۳۶ - کاسه یا جامی است که تصاویر خرگوشهای وحشی بر روی آن کنده شده است. قبلاً تصور می شد که از جنس فیروزه اصل است ، در صورتیکه جنس آن از خمیر شیشه و فیروزه ای رنگ است و آنرا هدیه اوزون حسن به دولت ونیز میدانستند. بعدها معلوم شد کارهای هنری که بر روی کاسه انجام شده است هنر اسلامی و متعلق به قرن دهم میلادی است و قبل از روی کار آمدن اوزون حسن است . نکته قابل توجه اینکه در زیر کاسه خط کوفی نوشته شده است و کلمه خراسان در آن دیده میشود. خود کاسه بر روی پایه ویا قابی نصب شده است که کار هنری بیزانس و متعلق به قرن دهم میلادی است . اصل کاسه در خزانه سان مارکو نگهداری میشود . نسخه عکس برداری شده آن به نمایشگاه آورده شده است.

۳۷ - جام شیشه ای سبزرنگ که احتمالاً از آثار هنر ایرانی است و متعلق به قرن هشتم یا نهم میلادی است. پایه ای که جام بر روی آن نصب شده است کار هنری بیزانس و مربوط بقرن یازدهم میلادی است. در روی جام تصاویر چند خرگوش وحشی کنده شده است. اصل آن در خزانه سان مارکو ونیز ضبط است. نسخه عکس برداری شده در نمایشگاه است .

۳۸ - دومین فرمان سنای ونیز که به کاترینوزنو داده شده و بعنوان سفیر کبیر بدربار اوزون حسن رفته است تا اوزون حسن را تشویق به متحد شدن با سلاطین اروپایی بکند و جبهه دومی در آسیای صغیر باز شود . علت فرستادن کاترینوزنو باین مأموریت

این بوده است که زن کاترینوزنو دختر عموی حاکم طرابوزان بوده است و نسبتی هم با ازون حسن داشته است . تاریخ تحریر این فرمان دهم سپتامبر سال ۱۴۷۱ است . کاترینوزنو در جنگی که در اوت سال ۱۴۷۳ بین ازون حسن و سلطان عثمانی اتفاق افتاد شرکت داشته است .

۳۹ - گزارش سفر کاترینوزنو بایران که در کتاب نیکو زنو نگارش یافته است . در قسمت اول کتاب شرح جنگ ازون حسن با دولت عثمانی و وقایع تاریخی تا سال ۱۵۵۸ نوشته شده است . در قسمت دوم شرح جنگ ازون حسن با برادرش و هم‌چنین در مورد جانشینان ازون حسن و روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی نوشته شده است . در مقدمه کتاب شرح جالبی راجع بازون حسن نوشته شده است و او را با داریوش کبیر مقایسه می‌کند . کتاب در سال ۱۵۵۸ و در ونیز بطبع رسیده است . اصل آن در کتابخانه ملی ونیز ضبط است .

۴۰ - فرمان سنای ونیز به جوزوفا باربارو تا به همراهی سفیر ایران در ونیز و کشتی‌های جنگی که محمولات آن ادوات جنگی بوده است بطرف ایران حرکت نماید . در این سفر نمایندگان پاپ و پادشاه ناپل جوزوفا باربارو را تا بندر گاه همراهی می‌کردند . هم‌چنین نقشه عملیات جنگی در دریا و خشکی که ترسیم شده بود و همراه باربارو بوده است که منظور آزاد ساختن آناتولی و فتح قسطنطنیه بوده است . جهازات جنگی که بطرف ایران حرکت کرده است مدتی در جزیره قبرس توقف می‌کند . وقتی باربارو بایران می‌رسد که ازون حسن در جنگ با عثمانیها شکست خورده است و باربارو در سالهای ۱۴۷۸ - ۱۴۷۹ به ونیز مراجعت می‌کند . این فرمان در سال ۱۴۷۳ نوشته شده است و اصل آن در آرشیو ملی ونیز ضبط است . نسخه عکس برداری شده آن به نمایشگاه آورده شده است .

۴۱ - وصیت نامه جوزوفا باربارو است و قبل از سفر پرماجرایش بطرف ایران تنظیم شده است . قبل از تنظیم این وصیت نامه ، دستورات دیگری از طرف دولت ونیز به باربارو می‌رسد . از آن جمله اگر ایران بخواهد جدا گانه با دولت عثمانی قرارداد صلح منعقد نماید و یا اگر حمله جدا گانه‌ای به مصر صورت گیرد و بازارهای تجارت ونیز در اسکندریه و سوریه بخطر بیفتد ، باربارو بچه طریقی رفتار نماید . سال تنظیم این وصیت نامه یازدهم فوریه سال ۱۴۷۳ است . اصل آن در آرشیو ملی ونیز ضبط است و نسخه عکس برداری شده آن در نمایشگاه بمرض نمایش گذاشته شده است .

۴۲ - يك صفحه از سفر نامه جوزوفا باربارو که شرح سفر باربارو از ونیز به تاناواز آنجا بایران است . این کتاب خطی است و در قرن شانزدهم نوشته شده است . نسخه‌ای که در نمایشگاه به ممرض نمایش گذاشته شده است متعلق به قرن شانزدهم میلادی است . اصل کتاب در کتابخانه ملی ونیز ضبط است .

۴۳- نامه رسمی حکومت ونیز به سلطان مصر در مورد پیشروی اوزون حسن به طرف دریای مدیترانه . در این نامه یادآوری شده است که علت پیشروی اوزون حسن فقط برای جلوگیری از نفوذ دولت عثمانی است . سلطان مصر از این لحاظ نگرانی نداشته باشد و اگر چنانچه بعدها مشکلاتی برای سلطان پیشامد نماید دولت ونیز مسئول نخواهد بود . تاریخ تحریر این نامه پنجم جولای سال ۱۴۷۳ است . عکس آن به نمایشگاه آورده شده است .

۴۴ - مجموعه چند نامه به شرح زیر :

نامه‌ای که از ارزنجان به جوزوفا باربارو نوشته شده است . این نامه در قرامانیا به باربازو میرسد و درباره جنگی که بین اوزون حسن و سلطان عثمانی اتفاق افتاده است نوشته شده است . خود نویسنده در اردوگاه اوزون حسن بوده است . تاریخ تحریر آن چهاردهم جولای سال ۱۴۷۳ است .

دیگر نامه‌ای است از اوزون حسن که بدولت ونیز و به سفیر پاپ و سفیر پادشاه ناپل و به باربارو نوشته شده است . در این نامه‌ها اوزون حسن میگوید که دولت عثمانی را در جنگ شکست خواهد داد . تاریخ تحریر آنها ژوئن سال ۱۴۷۳ است .

دیگر نامه‌ای است از پیر احمد سلطان بدولت . او نیز مینویسد که قلمرو سلطنتی او بوسیله عثمانی‌ها تصرف شده است و او در اردوگاه اوزون حسن است . تاریخ تحریر این نامه ژوئن ۱۴۷۳ است .

دیگر نامه‌ای است که برادر پیر احمد سلطان از شهر سلیفک به دولت ونیز مینویسد . تاریخ تحریر آن ژوئیه سال ۱۴۷۳ است .

این نامه‌ها بوسیله باربارو به سنای ونیز فرستاده شده است . در این زمان جنگ بین اوزون حسن و سلطان عثمانی در جریان بوده است .

اصل آنها در کتابخانه ملی ونیز ضبط است و نسخه‌های عکس برداری شده از آنها به نمایشگاه آورده شده است .

۴۵ - نامه کاترینوزنو به حاکم ونیز . زنو در این نامه مینویسد که نامه دولت ونیز به اوزون حسن رسیده است و نامه تأثیر زیادی روی اوزون حسن گذاشته است . اوزون حسن که ابتدا قصد داشته است باتاتارها بجنگد فعلاً از این امر منصرف شده است و جنگ را بر علیه عثمانی‌ها شروع خواهد کرد . هم‌چنین زنو یادآور شده است که بزودی جنگ بین ایران و عثمانی‌ها شروع خواهد شد . سپس قدرت نظامی اوزون حسن را تشریح میکند و میگوید اوزون حسن شخصاً مردی شجاع و دلاور است . اصل این نامه در کتابخانه ملی ضبط است و تاریخ تحریر آن بیست و هفتم جولای سال ۱۴۷۳ است . عکس آن به این نمایشگاه آورده شده است .

۴۶ - شرح زندگی اوزون حسن که جوان ماریا آنجللو نوشته است . خود نویسنده اسیری بوده است در اردوگاه نیروهای نظامی عثمانی‌ها و وقایع جنگ اوست سال

۱۴۷۶ را مشاهده نموده است. چنانکه می نویسد ایرانیها در اولین روزهای جنگ فاتح بوده ولی بعد از ده روز در جنگ شکست میخورند. آنجلو در باب علت روی کار آمدن شاه اسماعیل و مرگ او که در سال ۱۵۲۴ اتفاق افتاده است و هم چنین راجع به سلطان سلیم شرحی دارد. اصل کتاب در کتابخانه ملی و نیز ضبط و عکس آن در نمایشگاه است.

۴۷ - کتابی است که بوسیله کوریولانو چی پی کودر عهد سلطنت اوزون حسن نوشته شده است و مربوط به وقایع سالهای ۱۴۷۰ و ۱۴۷۴ است. این کتاب سه قرن بعد بوسیله مورلی در سال ۱۷۹۶ بطبع رسید و انتشار یافت. نویسنده کتاب فرمانده یکی از کشتی های جنگی بوده است که با ناوگان ونیزی عازم ایران، بکمک اوزون حسن فرستاده شده بود، ولی سفر آنها بی نتیجه مانده است. کتاب شرحی دارد راجع به نبرد ارزنجان که عیناً از نامه های کاترینوزنو نقل شده است. علت شکست ایرانیها و فتح عثمانیها را بواسطه توپخانه داشتن عثمانیها میداند. در این جنگ چون اسب های سواران ایرانی از توپخانه عثمانیها بهراس می افتند و شکست در لشکریان اوزون حسن میافتد. در اولین صفحه کتاب تصویری است که نشان دهنده مظهر ونیز است. اصل کتاب در آرشیو ملی و نیز ضبط است و عکس آن در نمایشگاه است.

۴۸ - نامه اوزون حسن به حاکم ونیز که در اوست سال ۱۴۷۳ نوشته شده است. این

نامه بوسیله کریستوفر و دکاله که کنسول ونیز در کافا بوده است بزبان محلی ونیزی ترجمه شده است و بوسیله کاترینوزنو که عنوان سفیر اوزون حسن را در کشورهای اروپایی داشته است آورده شده است. اوزون حسن در این نامه علت شکست خود را شرح داده و یادآوری نموده است که در آینده باز بر علیه عثمانیها وارد جنگ خواهد شد. اصل نامه در آرشیو ملی ونیز ضبط است و عکس آن در نمایشگاه است. تاریخ ترجمه نامه شانزدهم اکتبر سال ۱۴۷۳ است.

۴۹ - فرمانی است از طرف دولت ونیز مبنی بر عزیمت امیر اجیو کنتارینی، که به عنوان سفیر بدر بار اوزون حسن میرفت. چندین فرمان محرمانه نیز همراه کنتارینی بوده است. سفر کنتارینی موفقیت آمیز نبوده است. زیرا وقتی بایران میرسد اوزون حسن از عثمانیها شکست خورده بود. تاریخ تحریر این فرمان ۱۴۷۴ بوده است. اصل آن در آرشیو ملی ونیز ضبط است و عکس آن در نمایشگاه است.

۵۰ - گزارش سفر امیر اجیو کنتارینی است که در سفر نامه ای که بهمین عنوان دارد درج شده است. اصل کتاب متعلق است به کتابخانه ملی ونیز و به نمایشگاه آورده شده است. سال چاپ کتاب ۱۵۴۵ است.

۵۱ - چاپ دیگری از سفر نامه امیر اجیو کنتارینی است که تصاویری چند از اوزون حسن را در بردارد. اصل آن به نمایشگاه آورده شده است.

۵۲ - فرمان سنای ونیز درباره جوزوفا باربارو که در راه ونیز بایران مورد حمله

راهزنان واقع میشود. در این سفر، سفیر اوزون حسن و سه نفر از یاران باربارو بقتل میرسند و تمام اموال و هزار عدد سکه پول نقد او غارت میشود. باربارو مسئول این حوادث نیست. این فرمان در ژانویه سال ۱۴۸۰ نوشته شده است و اصل آن در کتابخانه ملی و نیز ضبط است. نسخه عکسی آن به نمایشگاه آورده شده است.

۵۳ - نامه‌ای است از امپراتور جیو کنتارینی که به بنیدتو سرانسون نوشته شده و در آن کتاب سفرنامه خودش را که بطور امانت نزد اوست درخواست میکند. این نامه در تاریخ هشتم نوامبر سال ۱۴۸۱ نوشته شده است. اصل آن در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده است.

۵۴ - نامه‌ای است از پیتر و بیمبو نماینده دولت و نیز در اسلامبول که به حاکم و نیز نوشته شده. در مورد امکان صلح و اتحاد بین دولت ایران و عثمانی است. یادآور میشود که چنانچه چنین اتحاد بین دو کشور عملی شود و بر علیه دولت مصر باشد. اقتصاد و تجارت و نیز در مصر و سوریه بخطر میافتد. هم چنین اشاره میکند به سفیری که از طرف اوزون حسن به ادرنه رفته است تا امکان ازدواج بین دو خانواده سلطنتی را عملی سازد. این نامه در بیست و سوم اکتبر سال ۱۴۸۴ نوشته شده است. اصل آن در آرشیو ملی و نیز ضبط است.

۵۵ - کتابی است که فیلیپ بونا کرسی تألیف کرده. در مورد اتحاد بین ایران و نیز نوشته شده است. بعد از آنکه استامبول زیر سلطه عثمانیها واقع میشود دولت ایتالیا ابتدا از این امر بسیار ناراحت میشود ولی بعدها توجهی باین کار نمی کند و فقط دولت و نیز است که در اروپا و آسیا دنبال متحدینی میگردد تا بر علیه دولت عثمانی وارد جنگ شود. چون در اروپا موفق به کسب دوستانی نمی شود ناچار بشرق رومیاورد و با کشور ایران و تاتارها متحد میشود. نسخه اصلی کتاب خطی که در قرن پانزدهم نوشته شده است در این نمایشگاه ب معرض نمایش گذاشته شده است.

قسمت چهارم - تجارت و جنگ با دولت عثمانی در قرن شانزدهم

۵۶ - نقشه آسیا که قسمتی از آن نقشه ایران است و بوسیله جاکومو گاستالدی کشیده شده است و حدود کشور شاهنشاهی صفویه و دولت عثمانی را نشان میدهد. این نقشه در سال ۱۵۶۹ ترسیم شده است. اصل آن در موزه ملی و نیز ضبط است و عکس آن به نمایشگاه آورده شده است.

۵۷ - نقشه امپراطوری عثمانی و معرفی راه تجارتنی که از ایران به سوریه و دریای سیاه و دریای خزر میرفته است. موقعیت ایران و کشور عثمانی بخوبی در این نقشه نشان داده شده است. اصل نقشه در کتابخانه ملی و نیز ضبط است و عکس آن در نمایشگاه است.

۵۸ - گزارش از کوستانتین لسکاریس است راجع بیک هیأت سیاسی که از طرف

دولت و نیز به قرامانیا رفته است و اطلاعاتی راجع به شاه اسماعیل صفوی به دست میدهد که در این گزارش منعکس شده است. این گزارش در شانزدهم اکتبر سال ۱۵۰۲ نوشته شده است. اصل آن در کتابخانه ملی و نیز است و نسخه عکسی آن در نمایشگاه است.

۵۹ - کتاب راهنمایی برای تجار که در آن وزن‌ها و مقیاس‌های طول و عرض نوشته شده است. شرحی راجع به بازار شهر حلب در سوریه دارد. هم‌چنین راجع به کالاهای تجارتي از قبیل ادویه و ابریشم و مروارید که از ایران میامده است شرحی در آن نوشته شده است. نسخه اصلی کتاب در نمایشگاه است.

۶۰ - شرح سفر يك تاجر و نیزی که مدت سیزده سال از ۱۵۰۷ تا ۱۵۲۰ در شهر تبریز میزیسته و شهر تبریز را توصیف کرده است. راجع به اوزون حسن و شاه اسماعیل صفوی دارای مطالب جالبی است. اصل کتاب در نمایشگاه است.

۶۱ - کتاب تصاویر سفرا و کنسولهای و نیز در کشورهای مشرق که بوسیله چزاره و چلیونقاشی شده است. او برادر نقاش معروف ایتالیائی تیت زیانو است. این کتاب در سال ۱۵۹۸ چاپ شده است. لباسهائی که نقاش در کتاب خود نقاشی کرده است قدیمتر از عهد خود نقاش است. اصل کتاب در کتابخانه ملی و نیز ضبط است و نسخه عکسی آن به نمایشگاه آورده شده است.

۶۲ - فرمانی است از شاه اسماعیل صفوی که در فوریه سال ۱۵۰۸ نوشته شده است. این فرمان همراه نامه رسمی بوده است که پیتروزنو کنسول و نیز در سوریه به حاکم و نیز می نویسد. اصل فرمان بخطی بسیار زیبا و با جملاتی ادیبانه نوشته شده است. او در نامه خواستار اتحاد دولت و نیز با ایران بر علیه امپراطوری عثمانی شده است. پیتروزنو شرح جالبی راجع به شاه اسماعیل صفوی دارد و مینویسد که تازه بغداد را فتح کرده است و خود را آماده حمله به امپراطوری عثمانی میکند. شاه اسماعیل از حکومت و نیز درخواست توپخانه و متخصص برای توپخانه میکند، چونکه فاقد توپخانه است. درخواست شاه اسماعیل صفوی مورد موافقت دولت و نیز قرار نمی گیرد. زیرا و نیز در این زمان گرفتار جنگهای داخلی در اروپاست. ولی جوابی بسیار محترمانه برای شاه اسماعیل صفوی می فرستد. در همین ایام یکی از نامه های شاه اسماعیل که از طریق شامات و مصر به و نیز فرستاده میشده است بدست سلطان مصر میافتد. چون مفاد نامه اتحاد بر علیه سلطان مصر بوده است سلطان سخت ناراحت میشود. پس کنسول و نیز در دمشق و اسکندریه را بزندان میاندازد و تجارت و نیز برای مدتی دچار وقفه میشود.

۶۳ - صفحه ای است از کتاب تاریخ عصر معاصر تألیف پالوس یوویی. در این کتاب شرحی راجع بیک هیئت ایرانی است که به و نیز رفته اند تا کمک دولت و نیز را جلب کنند. چون در این زمان و نیزها گرفتار مشکلات داخلی و جنگهای اروپائی بوده اند و در ضمن

با دولت عثمانی معاهده صلح در سال ۱۵۵۳ بسته بودند از کمک بدولت صفوی خودداری می‌کنند. اصل کتاب در کتابخانه ملی و نیز ضبط است و عکس آن به نمایشگاه آورده شده است. ۶۴ - نامه‌ای است از کنسول و نیز در جزیره قبرس. در آن اطلاعاتی که از سفیر دولت مصر در اسلامبول بدست آورده است نقل قول شده است. میگوید سفرای دولت ایران و تاتارهای خراسان در اسلامبول هستند و سلطان سلیم سفیر شاه اسماعیل را بزندان انداخته است، چونکه سفیر خبر اعلان جنگ را از ایران آورده است. نسخه اصلی در نمایشگاه است.

۶۵ - گزارش سفرهای الویزه رونچینوتو است. این سیاح و نیز می‌سافرت خود را از سال ۱۵۲۹ شروع کرده است. دوبار از ایران دیدار کرده و تا هند شرقی نیز رفته است. اصل گزارش در کتابخانه ملی و نیز ضبط است و عکس آن به نمایشگاه آورده شده است.

۶۶ - کتابی است حاوی گزارشی از سلطان سلیمان قانونی که در سال ۱۵۳۴ تصرف تبریز را بدولت و نیز اطلاع داده است. هم‌چنین نامه‌ای است در باب این که سال بعد شهر تبریز به تصرف شاه طهماسب صفوی درآمده است. در صفحه اول کتاب تصویری است خیالی که از شهر تبریز کشیده شده است و در اطراف شهر تصویر چند کشتی دیده میشود! نسخه اصلی کتاب در نمایشگاه است.

۶۷ - نامه یکی از شخصیت‌های و نیز می‌مقیم نیکوزیاست که در سال ۱۵۳۸ به حکومت و نیز نوشته است. در این نامه یادآوری شده است که بچه طرزی نامه حکومت و نیز را برای شاه طهماسب صفوی بفرستد. بعداً یادآوری شده است یک نفر ارمنی بنام اوانس که چند بار بایران رفته است و چندین زبان میدانند حاضر شده است که باین مأموریت برود. قاصد از عثمانی نمی‌تواند عبور کند و نامه به شاه طهماسب صفوی نمیرسد. این شخصیت و نیز از قول قاصد ارمنی نقل می‌کند که در سفرهای قبلی که بایران رفته آبی برای دفع آفت ملخ آورده است.

۶۸ - گزارش سفر جوزوفا باربارو بایران است. باربارو در این سفر از تانا عبور کرده و بایران آمده و در سفرنامه خود راجع بآب معدنی‌ای گفتگو میکند که در ایران است و شفا دهنده مرض جذام و برطرف کننده ملخ است. اصل سفرنامه باربارو در کتابخانه ملی و نیز ضبط است. نسخه عکس برداری شده آن در نمایشگاه است.

۶۹ - شرح زندگی شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی به قلم تئودور واسپاندوجینو است. نویسنده اطلاعات خود را که از یک ایرانی در سال ۱۵۳۸ بدست آورده نوشته است. ضمن کتاب شرحی است راجع به تاتارهای خراسان و هم‌چنین راجع به راهی که از خراسان به تبریز میرفته است. این کتاب بمنظور سیاسی خاصی نوشته شده است. و بدینوسیله میخواست است دوستی شاه طهماسب را جلب نماید.

۷۰ - گزارش میشل ممبره نماینده ونیز به سنای ونیز. او در سال ۱۵۳۹ به ایران رفته است و مأموریت داشته است که قراردادی بین ایران و دولت ونیز بامضا برساند و از طرف شاه طهماسب صفوی مورد پذیرائی واقع میشود. قرارداد بعلت اخباری که بایران میرسد مبنی بر صلح جداگانه دولت ونیز با امپراطوری عثمانی بی اثر می ماند. مأموریت ممبره بدون نتیجه پایان می یابد زیرا قرارداد صلح بین دولت ونیز و دولت عثمانی در دوم اکتبر سال ۱۵۴۰ منعقد میشود. ممبره در مراجعت به ونیز از راه جزیره هرمز و گوا و لیسبون بر میگردد. نسخه اصلی گزارش به نمایشگاه آورده شده است.

۷۱ - اولین پیام رسمی شاه طهماسب صفوی به سنای ونیز که بوسیله میشل ممبره ارسال شده است. این پیام در اکتبر سال ۱۵۳۹ در ایران به ممبره تسلیم می شود. شاه در این پیام خاطر نشان ساخته است که حاضر است با سلاطین عیسوی اروپا بر علیه کشور عثمانی متحد شود. نسخه اصلی در نمایشگاه است.

۷۲ - دومین پیامی که شاه طهماسب بوسیله میشل ممبره برای دولت ونیز میفرستد. شاه طهماسب بوسیله این پیام ناراحتی و عصبانیت خود را از انعقاد صلحی که بین دولت ونیز و عثمانی به امضاء رسیده است ابراز میدارد. تاریخ تحریر این نامه اوت سال ۱۵۴۰ است.

۷۳ - صفحه ای است از کتاب سفرهای زمینی و دریائی رموسیادرباب این که عده ای از دانشمندان با رموسیا و ممبره ملاقات میکنند و بحث و مذاکره آنها در مورد کشورهای شرقی است. از آن جمله از یک تاجر ایرانی بنام حاجی محمد اسم برده است که کالای ایران را بچین می برده است. او همان راهی را از ایران به چین عبور کرده است که مارکوپولو نیز از همین راه رفته است. عکس آن صفحه کتاب در نمایشگاه و اصل آن در آرشیو ملی ونیز ضبط است.

۷۴ - تصویر نقاشی شده بوسیله ماتئوپا گانو. در قسمتی از این تصویر دسته مذهبی دیده میشوند. در بین آنها عده ای بالباس مردمان مشرق اند که احتمال داده میشود ایرانی باشند. این تصویر مربوط به سالهای ۱۵۵۶-۱۵۶۹ است.

۷۵ - پیام رسمی شارل پنجم به شاه طهماسب صفوی. در این پیام سفارش رعایای عیسوی مقیم ایران به شاه طهماسب شده است. این نامه به شاه طهماسب نمیرسد. نامه بطور غیر مهور که علت آن بر ما مجهول است در کتابخانه ملی ونیز ضبط است. عکس آن در نمایشگاه است.

۷۶ - کتاب جغرافیائی تألیف کلادیو تولومثو. مؤلف شرحی راجع به تمدن قدیم ایران



داده است و درباره صفات جنگجویی و شجاعت مردم ایران بحث کرده است. عکس کتاب در نمایشگاه است و نسخه اصلی آن که در اکتبر سال ۱۵۴۷ بطبع رسیده است در کتابخانه ملی و نیز ضبط است.

۷۷ - گزارش دومینکو تره ویزان سفیر و نیز در قسطنطنیه که در نهم مارس سال ۱۵۵۹ تحریر شده است. اطلاعاتی راجع به جنگ بین ترکها و ایرانیها میدهد. شرحی راجع به مذهب شیعه دارد و این که با سایر مذاهب اسلامی چه فرق دارد. اصل این گزارش در آرشیو ملی و نیز ضبط است و عکس آن به نمایشگاه آورده شده است.

۷۸ - تصویری از تاجران و نیزی مقیم سوریه که وچیلیو نقاشی کرده است. لباس‌هایی که نقاشی شده است متعلق به دوره‌های قدیمتر از عهد نقاش است. اصل این تصویر در نمایشگاه است.

۷۹ - دفتری است که از آن برای ثبت نامه‌ها استفاده میشده است، متعلق به تاجرو نیزی بنام اندریا برنیکو که مقیم شهر حلب از متصرفات دولت شامات بود. در این دفتر مضمون نامه‌هایی از تاریخ هشتم اکتبر تا ۱۸ نوامبر سال ۱۵۵۵ ثبت شده است. معاملات این تاجر تا بصره و ایران و هند بوده است. در جلد این دفتر چه عکس نیم رخ مرد ریش‌داری نقاشی شده است. اصل این دفتر به نمایشگاه آورده شده است.

۸۰ - شرح جنگ‌های سلطان سلیمان قانونی امپراطور عثمانی با ایران که مربوط به سالهای ۱۵۵۳ تا ۱۵۵۵ است. این کتاب احتمالاً تألیف دانیل بارباروست. کتاب در شهر حلب نوشته شده است. این کتاب شرحی است راجع به جنگ‌های بین ترکها و ایرانی‌ها. در این جنگها ایرانی‌ها سپاهیان عثمانی‌ها را به صحرا بی‌آب و علف میکشند و سپاهیان ترکها بخطر میافتند و از چند طرف مورد حمله ایرانیها قرار میگیرند. بدون آنکه جنگی واقعی اتفاق افتد ترکها عقب‌نشینی میکنند و فتح نصیب لشکریان ایران می‌شود. سپس شرحی است راجع به عقد قرار داد صلح بین ایران و عثمانی است و این که دنیای مسیحیت آنروز از این امر بوحشت میافتد. اصل این کتاب در آرشیو ملی و نیز ضبط است و نسخه عکسی آن به نمایشگاه آورده شده است.

۸۱ - کتاب تصاویر ایرانی‌ها که وچیلیو نقاشی کرده است. یکی لباس شاه ایران و دیگری لباس زن طبقه اشرافی ایران است. هم‌چنین در آن لباس مرد اشرافی و لباس زن شوهردار و لباس سرباز و افسر و سرباز پیاده و لباس افسر گارد و سرباز گارد شاهی نقاشی شده است. نسخه خطی به نمایشگاه آورده شده است. (تصویر صفحه قبل)

۸۲ - گزارش چهارم ژوئیه ۱۵۶۱ از لودویکو گالو از و نیز در باره مسافرتش از چیائول هندوستان به حلب. مسیرش از ایران بوده. اطلاعاتی درباره شاه طهماسب میدهد که در آن زمان در قزوین اقامت داشت و اینکه بایزید پسر سلطان سلیمان قانونی و نواده گان

یا برادر زاده‌های سلطان سلیمان که در پناه شاه طهماسب زندگی میکرده‌اند و شاه طهماسب از تحویل دادن آنها به سلطان ترك خودداری میکرده است، چون شاه طهماسب با عثمانی‌ها قصد جنگ داشته است. و نیز. موزه کورر.

یادداشت‌های لورنسو تیپولو کنسول و نیز در سوریه بر اساس گفته گالو که از مستعمره پرتغالی چیائول برای گرفتن برگ عبور از ترک‌ها برای خودش و يك ونیری دیگر بنام جرولامو کورسو که داروساز و کنسول در مصر بوده آمده بود. سفر ایشان شش ماه و نیم طول کشیده بود (از ۱۵ ژانویه تا ۳ ژوئیه). تا جزیره هرمز با کشتی مسافرت کرده و بقیه سفر را از راه زمین ادامه داده بودند. این یادداشت‌ها خطی است و در موزه کورر نگهداری می‌شود و نسخه عکسی آن در نمایشگاه است.

۸۳- گزارش ۲۴ سپتامبر ۱۵۷۲ (و نیز) محضردار وینچنسو الساندرو که در پائیز سال ۱۵۷۰ از طرف شورای ده نفری به ایران فرستاده شد تا خبر پیاده شدن قوای ترك را در قبرس به شاه بدهد و او را تحریک به حمله به ترک‌ها بکند، در حالی که ناوگان مسیحیان در دریا با قوای عثمانی مشغول جنگ بود. در این باره جوابی باو داده نشده. و نیز، آرشیو ملی. ۸۴- گزارش یا کوپو سورانسو در ۸ نوامبر ۱۵۷۶ - و نیز- که از نزد سفیر و نیز در قسطنطنیه بازگشته بود. در آن موقعیت ترک‌ها را در مقابل ایران شرح میدهد و روحیه جنگ آوری شاه اسماعیل دوم و قدرت سپاه او را تمجید میکند. و نیز، آرشیو ملی.

۸۵- نامه اول سپتامبر سال ۱۵۷۷- حلب - از کنسول آندره آنا و اجر و به رؤسای شورای ده نفری که به رمز بوده است و پس از کشف این رمز در دفتر شورای ده نفری معلوم شده مقدراری اطلاعاتی درباره جنگ مابین سلطان مراد سوم و اسماعیل دوم داده است. و نیز، آرشیو ملی. ۸۶- ترجمه فرمان سلطان محمد خدا بنده اول ماه مه ۱۵۸۰- و نیز- که بوسیله حاجی محمد رسیده. این شخص در تبریز با الساندرو آشنا شده بود و چند بار دیگر هم در و نیز بوده است (شاید همان شخص باشد که باراموسیا و دوستانش در مباحثه‌ای که قبلاً ذکر شد شرکت داشته است). این پاسخی بود که بسیار دیر به مأموریت الساندرو داده شد. در این زمان شاه خبر میدهد که با دو بیست هزار نفر بطرف بابل در حرکت است. ۱۳ ژوئیه ۱۵۸۰. و نیز. جواب شورای ده نفری مبهم و روشن نیست، زیرا جمهوری و نیز میل ندارد مابین صلح را با ترک‌ها فسخ کند.

۸۷- گزارش ۸ دسامبر ۱۵۸۴- و نیز- پیتر و میکیل که از طرف کنسول و نیز در سوریه بازگشته. خلاصه جنگ‌های ترک‌ها و ایرانی‌ها را شرح میدهد. و نیز، آرشیو ملی.

۸۸- کتابی است که موضوع آن جنگ بین ایرانی‌ها و ترک‌ها است. نویسنده این کتاب جوتومازو مینادوی و ناشر آن موسکیو و بارتزی است. در آغاز بخش چهارم این کتاب شرحی راجع به جنگ بین ایرانی‌ها و ترک‌ها دارد و این که ایرانی‌ها بسیار خوشحال بودند، چونکه بین ترک‌ها و متحدین آنها اختلاف افتاده و ایرانی‌ها در جنگ پیروز شدند. این کتاب

وقایع سالهای بین ۱۵۷۶ - ۱۵۸۶ را شرح میدهد . نویسنده کتاب طبیب و اهل جزیره رودی بود برای مدت درازی در شامات و قسطنطنیه با کنسولهای و نیز تو داروبالبی و پیتر و میکیل زندگی کرده و موفق شده بود اطلاعات خود را از منابع موثق بدست آورد . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۸۹- گزارش ۱۶ فوریه ۱۵۹۷- و نیز- الساندر و مالی پیرو که از جانب کنسول و نیز در سوریه بازگشته . درباره ثروت و اهمیت بازار حلب سخن می گوید و این که در آنجا از مصر و عربستان و هندوستان و ایران کالا وارد می شود . همچنین از سرزمین قزلباشان و آناتولی و انگلستان و فرانسه و سیسیل و بخصوص از و نیز شرح جالبی دارد .

می گوید در شهر حلب ۱۶ مؤسسه مهم تجار و نیز وجود دارد و در سال پیش از دو میلیون سکه طلا در جریان است . و نیز ، آرشیو ملی .

۹۰- پیکره نقش برجسته يك شتر در نمای يك ساختمان و نیزی در مادونادل اورتو که طبق گفته قدما محل کاروانسرای عربها بوده است . عکس در نمایشگاه است .

۹۱- منظره پل و منطقه اوربیزی در و نیز در محله کانارجو . نام اوربیزی مربوط به پارچه هائی است که از جزیره هرمز وارد می شد و بعدها و نیزی ها شبیه آنها را می یافتند . عکس آن به نمایشگاه آورده شده است .

قسمت پنجم : روابط با شاه عباس کبیر

۹۲- گزارش ۱۲ دسامبر ۱۵۹۹ زورزی امو که از جانب کنسول در سوریه به و نیز بازگشته است و درباره عظمت و ثروت شاه عباس بزرگ داد سخن میدهد ، ازین نوع که شاه ایران را متحد (يك پارچه) کرده و سپاه پر قدرتی در اختیار دارد . گویا قصد آغاز جنگ با ترکها دارد و دلیل آن تشویق کردها و ملت های دیگری است که از ظلم عثمانی ها بستوه آمده اند . اهل این گزارش در نمایشگاه است . و نیز ، آرشیو ملی .

۹۳- گزارش ۸ ژوئن ۱۶۰۰ : اجازه ملاقات از طرف حکومت و نیز به مأمور ایرانی عزت بيك که برای مسائل تجارتي و رساندن فرمان شاه عباس کبیر به و نیز آمده است و پارچه مخملی که تصویر فرشتهای در روی آن نقش بسته است به عنوان هدیه آورده است با ترجمه فرمان که در آن اظهار دوستی شده . و نیز ، آرشیو دولتی . عکس آن در نمایشگاه است .

۹۴- پاسخ ۱۵ ژوئیه ۱۶۰۰ سنا به نامه شاه عباس مبنی بر ازدیاد تجارت با و نیز . بر طبق این پیشنهاد سنا همراه با پاسخی که فرستاده می شود باید مقدار ۲۰۰ سکه طلا هدیه

- برای شاه فرستاده شود. آرشیو دولتی و نیز . نسخه عکسی در کتابخانه است .
- ۹۵- صورت تخیلی سفیر ایران که در سال ۱۷۰۰ توسط گرون بروک ترسیم شده و نامش را عزت بیک گذاشته. اطلاعاتی هم درباره سفیر سال ۱۶۰۳ داده است. و نیز، موزه کورر- عکس در نمایشگاه است .
- ۹۶- گزارش مورخ ۱۷ مه ۱۶۰۲، اجازه شرفیابی در روز دوازدهم برای آنجلو گراده نیکو تاجر و نیزی کلیمی الاصل که از اصفهان برای بردن پارچه، آینه، مینیاتور و بخصوص تصاویر تقدیم مذهبی و اشیاء دیگر این نواحی (که در آنجا بسیار مورد علاقه است) آمده بود . يك دستبند کنده کاری شده به شاه هدیه میکند . و نیز ، آرشیو ملی . عکس در نمایشگاه است .
- از مدارك سال ۱۶۱۰ چنین برمیآید که گراده نیکو مقدار زیادی ابریشم (پارچه ابریشمی) انحصاری شاهی در اختیار داشته ولی بعد از فروش آن پولش را از بین برده و دیگر به ایران بازنگشته است .
- ۹۷- تفنگ قدیمی شرقی که احتمال دارد ایرانی باشد . باش عدد تفنگ دیگر در اسلحه خانه قصر حاکم و نیز نگهداری میشود . عکس در نمایشگاه است .
- ۹۸- تصویر سپر ایرانی از گرون بروک .
- ۹۹- مکتوب اصلی شاه عباس کبیر مورخ ۱۶۰۲ . توسط سفیر فتحی بیک که برای خرید اسلحه آمده است بدست حاکم و نیز رسیده است . و نیز ، آرشیو ملی . فتحی بیک موقع بازگشت به ایران از راه سوریه بدست ترکان که در آن وقت با ایران در جنگ بودند اسیر شده . قسمتی از کالای او که توسط کنسول و نیز نجات پیدا کرد به و نیز پس فرستاده شد . در بین این کالاها تابلوهای مذهبی و صورت زنان نیز بوده است .
- ۱۰۰- ۵ مارس ۱۶۰۳، ترجمه مکتوب قبلی که در آن درخواست دوستی و داشتن روابط تجارتي بیشتری شده است . با صورت هدایای شاه که در بین آن يك قطعه مخمل زردوزی شده وجود دارد . این زردوزی تصویر حضرت عیسی و حضرت مریم است .
- فرمان سنا مورخ مارس ۱۶۰۵ که در آن این اثر را به کلبسای سن مارکو واگذار میکند . و نیز . آرشیو ملی . عکس در نمایشگاه است .
- ۱۰۱- تابلو وراث پائولو ورونزه نشان دهنده شرفیابی فتحی بیک در تالار چهار در قصر حاکم و نیز . قسمتهائی از تابلو نشان دهنده ایرانیان است که در دو طرف حاکم نشسته اند و يك قالی هدیه میکنند . عکس در نمایشگاه است .
- ۱۰۲- قسمتی از قطعه مخمل ایرانی هدیه شاه عباس با تصویر حضرت مریم که مشغول شیردادن بچه است و شخص دیگری نیز حضور دارد . این باید همان مخملی باشد که در سال ۱۶۰۳ بوسیله فتحی بیک به و نیز آورده شده . و نیز ، موزه کورر . عکس در نمایشگاه است .
- ۱۰۳- قالیهای شاه عباس بزرگ که در موزه مارچانو حفظ شده است .

۱۰۴- جام برنجی کنده کاری شده دارای نوشته قرن هیجدهم. این کار از هنر ونیزی تقلید شده. ونیز، موزه کورر. عکس در نمایشگاه است.

۱۰۵- نسخه اصلی نامه شاه عباس بزرگ به جمهوری ونیز مورخ ۱۶۰۹ که توسط خواجه صفر ارمنی فرستاده شده است، برای بازپس گرفتن کالاهای بدست آمده از فتحی بیک. ونیز. آرشیو ملی.

۱۰۶- فرمان سنا مورخ ۳۰ ژانویه ۱۶۱۰ در باره گسیل داشتن خواجه صفر به حضور شاه عباس بزرگ در جواب فرمان قبلی وی با فرمان دیگری از ونیز به سفیر قسطنطنیه در باره مأموریت ایران. ونیز، آرشیو ملی. عکس در نمایشگاه است.

کنسول ونیز در سوریه جیوفرانجسکو ساگردو از خواجه صفر ارمنی پذیرائی شایانی کرد. نامه های شخصی بنام جاکوونه و ناوا به تاجر معروف بارتولومه برتمپلی که نزد خواجه صفر بوده، او بعد به فلورانس ورم و مادرید رفته و حامل نامه هائی بود که تشویق به جنگ با ترکها میکرد. ولی خواجه صفر به ایران بازنگشت، شاید بخاطر نفرتی که از روبرت شرلی نماینده دیگر شاه عباس بزرگ در اروپا داشت. در مدارک ونیز از رابرت شرلی یاد شده است. خواجه صفر در سال ۱۶۱۹ از مستعمره پرتقال در هندوستان گذشت و به سرزمین مغولستان رفت و یک صندوق نوشته از خود بجای گذاشت که بوسیله سفیر اسپانیا در ایران بدست شاه رسانیده شد. پیترو دلاواله که برای ترجمه آنها دعوت شده بود از نامه هائی که در سال ۱۶۱۰ توسط پاپ نوشته شده بود نام برده است. نامه های دیگر متعلق به شاه اسپانیا و شاهزادگان دیگر عیسوی و دوک نشین های ونیز مربوط به قضیه فتحی بیک.

۱۰۷- نامه ۱۸ اوت ۱۶۱۲ جیوفرانجسکو ساگردو به گالیلیو گالیلیئی در فلورانس که در آن اطلاعاتی درباره روابط خود با شاه عباس بزرگ داده، در زمانی که کار کنسولی وی در سوریه شروع شده است. ساگردو از طرف شاه ایران وکیل تام الاختیار در شهر وایالت ونیز شد. یکی دیگر از اعضای خانواده اش آلویزه در سالهای ۱۶۲۹ - ۱۶۲۷ با دربار ایران رابطه داشته است.

۱۰۸- صفحه ۲۰ و ۲۱ کتاب پیترو دلاواله درباره اهمیت شاه عباس بزرگ شاه ایران، ونیز، ۱۶۲۸. در این کتاب اشاره به قضایای لار که در سال ۱۶۱۲ اتفاق افتاده، شده است. ظاهراً باعث آن یک ونیزی بود که از طرف خان آن منطقه مورد تجاوز قرار گرفت و به شاه شکایت کرد. ونیزی دیگری نیز در نزد شاه بود که نویسنده نام برده است. او اولین اروپائی بود که بآن دیار رفته بود و بسیار مورد توجه شاه عباس بود، و در دربار شاه عباس ماندگار شده بود. ونیز، کتابخانه ملی مارچانا. عکس در نمایشگاه است.

۱۰۹- گزارش سال ۱۶۱۲ سیمون کونتارینی که از سفارت قسطنطنیه بازگشته بود.

در آن از شاه عباس بزرگ که ترکان را شکست داده تمجید کرده است و در مورد عدالت و ادب و بزرگواری و شجاعت او داد سخن داده است. می گوید چیزی که بیشتر از شاه ایران به چشم می آید بزرگی روح اوست، زیرا پادشاهی است بسیار عادل، انسان، مودب شجاع و محبوب رعیت که همه او را پیروی و اطاعت میکنند.... بسیار باتدبیر است. بدست خود تفنگها را تعمیر میکند و از سرباز بودن بخود می بالد. و نیز. آرشیو ملی. نسخه اصلی در نمایشگاه است. ۱۱۰ - نسخه اصل فرمان ۱۶۱۲ شاه عباس بزرگ به حاکم و نیز. آن بوسیله دو نفر ایرانی که با کالای ابریشم و الماس از ایران آمده اند تسلیم شده است. شاه حاکم و نیز رادعوت به مبادله اقتصادی و تجارت میکند، چونکه با ترکها معاهده صلح بسته شده است. و نیز، آرشیو ملی.

۱۱۱ - اجازه شرفیابی دو نماینده ایران به حضور حاکم و نیز ۲۸ فوریه ۱۶۱۳. حاکم میل دارد تجارت و تبادل کالا از هر دو طرف زیاد شود. و نیز. آرشیو ملی. عکس در نمایشگاه است. در آن راجع به بازار ابریشم ایرانی از کارشناسان تجارتي سؤال شده است. ۵ مارس ۱۶۱۴. آنها پیشنهاد کرده اند ابریشم ایرانی که از ایران وارد میشود از مالیات و گمرک معاف شود و از راه قسطنطنیه یا سوریه به و نیز آورده شود. تا باین ترتیب در بازار هرمز و لیسبن با پرتغالیها به رقابت پردازند.

۱۱۲ - ترجمه فرمان شاه عباس بزرگ فوریه ۱۶۲۱ به حاکم و نیز که توسط نماینده شاه آورده شده است. او دوباره نماینده تجارتي در و نیز شده است. در بین هدایا يك قالی هندی وجود دارد که توسط شاه مغول هند به شاه عباس هدیه شده بوده ضبط در اطاق تجارتي - و نیز، آرشیو دولتی. عکس در نمایشگاه است.

۱۱۳ - تصاویر خیالی از شاه عباس بزرگ و فرمانده های ایرانی، از آن جمله امام قلی بيك خان شیرازی که در سال ۱۶۲۲ جزیره هرمز را از چنگ پرتغالیها بیرون آورد. نقل از کتاب تمجید کاپینان های بررگ و نیز تألیف لورنسو کراسو، چاپ کومبی ۱۶۸۳. و نیز. کتابخانه ملی مارچانا. عکس در نمایشگاه است.

۱۱۴ - نسخه اصل فرمان شاه صفی سالهای ۱۶۳۳-۱۶۳۴ به حاکم و نیزی که توسط سفیر شاه علی بيك در ماه مه سال ۱۶۳۴ ارسال شده است. در آن اظهار علاقه دوستی به ادامه مبادلات بین دو کشور میکند. در این فرمان مقدار پولی را که در ضرابخانه برای عملیات تجارتي مأموران ایرانی در و نیز در زمان شاه عباس موجود است مطالبه شده تا به سفیر پرداخته شود. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۱۵ - نامه ۲۴ اکتبر ۱۶۳۵ سنای و نیز به شاه صفی در پاسخ فرمان و تصمیم به خرج پانصد سکه برای جواب هدایا و دادن صد سکه برای خرج به علی بيك، با نامه های دیگر سنا به کنسول حلب و به سفیر قسطنطنیه درباره مأموریت برای ایران که در عثمانی حسادت برانگیخته است.

و نیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

۱۱۶ - اصل رسید مورخ اول دسامبر ۱۶۳۵ علی بیگ در مقابل ۲۹۹۰۰ رآل اسپانیایی (پولی که درلوانته رواج فراوان داشته) به نمایندگی از طرف شاه ایران - و نیز آرشیو دولتی .
۱۱۷ - وصیت نامه ۲۹ ماه مه ۱۶۳۹ لاک و مهر شده آلساندرو استودندولی . و نیز آرشیو دولتی .

بیست سال قبل از آن در ژوئن ۱۶۱۹ دلاواله سیاح ایتالیایی ، الساندر واستودندولی تاجر ونیزی گوژپشت را در اصفهان ملاقات کرده بود . در موقع چراغانی برای بازگشت شاه عباس بزرگ به پایتخت یکی از حجره های مهم میدان را در اختیار استودندولی که پر از تابلوهای نقاشی ، آینه و اشیاء دیگر مربوط بممالک اروپا بود گذاردند . شاه لطف زیادی به استودندولی مبذول داشته و او را در آغوش کشیده و حرف های بسیار محبت آمیز زده بود . تاجر ونیزی از این قضیه بسیار خوشحال شده بود .

قسمت ششم : جنگها

۱۱۸ - نقشه ایران کاراولناریوس Olearius . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

۱۱۹ - اصل نامه برادر جیووانی راهب دومینکن به حاکم و سنای ونیز . در این نامه موضوع رفتن نزد تاتارها و به ایران برای گرفتن کمک شده است . او همچنین نمایندگی دولت اسپانیا را بخاطر تجاوز غیر عادلانه ای که به جمهوری ونیز شده بود داشته است . او شرح سفر خود را میدهد و از تدارک قشون عثمانی ها صحبت می کند . و نیز ، آرشیو دولتی .

۱۲۰ - نامه ۲ دسامبر ۱۶۴۵ سنای ونیز به شاه عباس دوم برای تشویق او تا هرچه زودتر با ترکها وارد جنگ بشود . رساندن این نامه بعهده سفیر ونیز در لهستان و اگذار شده . برادر آنتونیودی فیاندرا راهب دومینکن باتفاق سفیر لهستانی که در اصفهان مرد بایران رفتند . در اصفهان از آنها بخوبی پذیرائی شد . ولی مأموریت آنها به نتیجه نرسید . زیرا شاه باتفاق تاتارها بر علیه پسران پادشاه متوفای مغول برای بازگرفتن قندهار دست بجنگ زده بود .

۱۲۱ - اصل فرمان نوامبر ۱۶۴۷ شاه عباس دوم به حاکم ونیز که در ماه مارس سال ۱۶۴۹ توسط برادر آنتونیودی فیاندرا برده شد . (و نیز ، آرشیو دولتی .

۱۲۲ - ترجمه فرمان ۲۴ مارس ۱۶۴۹ شاه عباس دوم - و نیز - که متضمن اظهارات مؤدبانه و دوستانه است . در این فرمان به معاهده صلح سی ساله عثمانی و ایران اشاره شده است . و نیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

۱۲۳- ترجمه فرمان ۲۸ مارس ۱۶۵۰- مشابه فرمان شاه عباس دوم به حاکم ونیز . حامل این فرمان فردیناندو جیووریدا بوده است . گزارش سفر او در ایران هم موجود است . ونیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

جیووریدا کشیش کاتولیک ایرانی بود . شاید یکی از اعضای خانواده مانی جوریدا باشد که همسر سوری پیترو و دلاواله بود . عده زیادی از افراد این خانواده بعدها به ایران نقل مکان کرده بودند . دولت ونیز او را در آخر سال ۱۶۴۷ به وطنش ایران فرستاد تا شاه ایران را به بازگرفتن سرزمین‌هایی که از طرف ترکها اشغال شده بود تشویق کند . وقتی او به ونیز بازگشت سپاه ایران در قندهار بود . ترکها می‌توسیدند سپاه ایران به بین‌النهرین حمله کند .

۱۲۴- گزارش دومینکوسانتی در حدود سال ۱۶۵۰ که حامل نامه‌های حاکم ونیز و نامه‌های پاپ و پادشاه لهستان و گرانندوک توسکان به شاه عباس دوم بود . منظور این نامه‌ها بازم تشویق شاه به جنگ با ترکها بوده . ونیز ، آرشیو دولتی .

سانتی در تابستان سال ۱۶۴۶ از ونیز حرکت کرد و در ایران با پذیرائی خوب ولی بی‌نتیجه‌ای از لحاظ مأموریت روبرو شد . در ایران آنتونیودی‌فیاندر را ملاقات کرد . همچنین سفیر لهستان و تجار فرانسوی و انگلیسی و هلندی و روحانیون مذاهب مختلف را دید . او در منزل پیترو پانتالئو ونیزی اقامت کرد . چون موفق نشد از راه روسیه به وطن بازگردد از گوآ برای رفتن به لیسبن سوار کشتی شد . یک فرانسوی بنام ژان باپتیست ورنیه که از حلب تا اصفهان با او همسفر بود . از این مأموریت به بدی یاد کرده و تاریخ آنرا نیز دو سال اشتباه کرده است . در کتابش سفر به ترکیه و ایران و هند نوشته ژان باپتیست تا ورنیه اشاره شده است که پیترو پانتالئو در بازگشت به ونیز بعلت موفق نشدن در مأموریت خود با سردی پذیرفته شد . چیزی نمانده بود که سنا او را تنبیه و مجازات کند . در واقع هیچ مدرک یا دلیلی بر اینکه او را به خوبی پذیرفته باشند وجود ندارد .

۱۲۵- صورت حساب مخارج حدود سال ۱۶۵۰ مسافرت سانتی که ضمناً نشان‌دهنده مسیر پیچیده ایست که طی کرده ، یعنی از ونیز به ایران ، از ایران به مسکو ، بعد دوباره از مسکو به ایران و از ایران به کران ماگور - از کران ماگور به هندوستان و از هندوستان به لیسبن و از لیسبن به ونیز . ونیز آرشیو ، دولتی .

۱۲۶- اصل فرمان مورخ ۱۶۴۷ شاه عباس دوم به حاکم ونیز که حامل آن دومینکوسانتی بود . در این فرمان دوباره اظهار دوستی و یگانگی بین دو کشور شده است .

۱۲۷- کتاب نیکولائومانوچی نویسنده تاریخ امپراطوری منول و هند شرقی . این کتاب شرحی در باره جلفا ، محله‌ای از اصفهان ، دارد . در قسمت دیگر در باره روش حکومت ایران و تمجید شاه عباس دوم و ایرانیان شرحی نوشته است . کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

بعد از مارکو پولو، مانوچی، ماجراجوترین جهانگرد و نیزی است، او در سالهای ۱۶۵۵
۱۶۵۴ که بسیار جوان بود در ایران میزیست. بعد به هندوستان رفت و باقی عمر را در آنجا
به طبابت گذراند. در اواخر عمر کتاب تاریخ مغول را به زبانهای ایتالیائی و فرانسوی و
پرتغالی دیکته کرد و بوسیله سفیر ونیز در فرانسه آنرا به سنای ونیز فرستاد تا چاپ شود.
ولی درخواست او مورد قبول قرار نگرفت. مگر خلاصه متن ایتالیائی که توسط کاردیرا انجام
گرفت.

۱۲۸- تصویر واقعی نیکولوما نوچی در هند بالباس مغولها، در حالیکه نبض مریضی را
در دست دارد. ونیز. آرشیو دولتی.

۱۲۹- نامه های رسمی ۲۲ ژانویه ۱۶۶۱ سنا به شاه ایران و گراندوک مسکو. در آن
نامه ها ذکر شده که چگونه دولت ونیز با تمام قوا در مقابل ترکها مقاومت کرد. همچنین
در باره نقشه سد کردن داردانل اشاره شده است. در این نامه ها شاهان ایران و روسیه به جنگ
بر علیه ترکها دعوت می شوند. چون در اروپا معاهده پیرنه ۱۶۵۹ انجام گرفته بود و صلح
برقرار بود بنابراین تمام دولتهای اروپا میتوانند متحد شوند و بر علیه ترکها وارد جنگ
شوند. ونیز، آرشیو دولتی. عکس در نمایشگاه است.

۱۳۰- نامه ۱۰ اوت ۱۶۷۰ اسقف اعظم ماتئو آروانیزه از دومینکنها به سنای ونیز
بهمراه فرمان شاه سلیمان صفوی که توسط دو راهب که از راه مسکو میرفته اند فرستاده شده
است. این دو راهب سه سال در راه بودند و گزارش سفر خود را از اروپا بایران و بالعکس
شرح داده اند. مأموریت آنها نزد شاه ایران عبارت از خواستن کمک برای جمهوری ونیز
بوده است. خبر شکست و تسلیم کاندیا خشم شاه را برانگیخته است و خواهان جنگ با ترکها
بوده، چونکه دوره صلح سی ساله با عثمانیها به پایان رسیده بود. اسقف با کمک ونیزیها موفق
شد حمایت و امتیاز برای صومعه های فرقه مذهبی خود و بطور کلی برای کاتولیکها بدست
آورد. ونیز، آرشیو دولتی. عکس در نمایشگاه است.

۱۳۱- نامه ۲۰ ژوئیه ۱۶۷۳ که در آن مسیر راه ایران توسط رهبانان دومینکن
که حامل فرمان شاه سلیمان صفوی بودند شرح داده شده. آنها از راه آلمان، لهستان، مسکو و دریای
خزر، در بند، شماخی تا اصفهان آمده بودند. راه دیگر از طریق اسپالواتوادرنه، قسطنطنیه،
بورسه و توقات و ارزنجان، و ایروان و اصفهان بوده است. ونیز، آرشیو دولتی. عکس در
نمایشگاه است.

۱۳۲- نقشه مسکو و یا روسیه بزرگ از نیکولائوس ویسشر. و در آن منازل مسیر راه
بایران را از طریق آلمان، لهستان، روسیه نشان می دهد. راه دیگری نیز برای رساندن

کالای ایران به و نیز پیشنهاد شده است . باین ترتیب که از راه رودخانه ولگا بطرف شمال بروند و در حاجی طراخان سوار کشتی شوند . و نیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

۱۳۳ - نقشه مصب رود ولگا و منظره حاجی طراخان از الثاریوس . و نیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

قسمت هفتم : مطالعات دانشمندان

۱۳۴ - تحقیقی است درباره برخی از دانشمندان و نیز یکی که معروفیت چندانی ندارند تألیف یا کوپومورلی . در آغاز فصلی است درباره آمبروجوبمبو صفحات (۷۹ - ۵۰) که در سالهای ۱۶۷۴ - ۱۶۷۳ از حلب حرکت و ایران و هند را دیدن کرده است . خاطرات سفر او که امروز مفقود شده پر از تصویرهای جوجوزپه گرلوت بود که با ژان شاردن بایران سفر کرد و در بازگشت بمبو از اصفهان با او همراه بوده است . برخی از یادداشت‌های بمبو با نوشته‌های کتاب سفرنامه شاردن منطبق می‌شود . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۳۵ - سفرنامه شاردن بایران و مناطق دیگر مشرق زمین . این سفرنامه دارای تصاویر متعددی است ، از آنجمله خرابه‌های تخت جمشید و تصویر مقبره داریوش . هر دو تصویر دقیقاً با شرح منطبق است . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

۱۳۶ - سفرنامه جوزوفا باربارو بایران ، از و نیز به تانا و از آنجا بایران آمده است . شرح خرابه‌های تخت جمشید ، نقش‌های برجسته نقش رستم و مقبره کوروش که بمادر سلیمان مشهورست در این کتابهاست . باربارو اولین کسی است از اروپائیان که درباره مقبره کوروش شرحی نوشته است . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

۱۳۷ - سفرنامه شاردن . عکس لباسهای مردانه و زنانه ، عکس قزلباش یعنی قوی‌ترین سرباز سوار ایرانی و عکس زن دهقان گبر . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است . تصاویر لباسهای ایرانی آن مشابه همانهایی است که گرلوت برای بمبو ترسیم کرده است .

۱۳۸ - سفرنامه آنجلو لگرنزی طبیب و جراح و نیز یکی که حاوی شرح و اطلاعاتی درباره دولت عثمانی و شاه ایران و سایر ملل داده است . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

لگرنزی در سال ۱۶۷۱ با مارکو بمبو قنصل و نیز در سوریه به مشرق زمین مسافرت کرده و در سال ۱۶۷۸ ایران را دیده و شرح خرابه‌های تخت جمشید را نوشته

است. به هند رفته و در اورنگ آباد با نیکولومانوچی ملاقات کرده و در سال ۱۶۹۴ به وطن بازگشته است. در سال ۱۷۰۲ وصیت نامه اش را نوشته و پس از آن به مسافرت های طولانی و معکل پرداخته است.

قسمت هشتم: مسائل مذهبی و احترامات سیاسی بین دو کشور

۱۳۹- نامه رسمی- سنمورخ ۲۶ ژوئیه ۱۶۹۲ به شاه سلیمان اول برای سفارش درباره اسقف اعظم جدید و صومعه های دومینکن ها در قلمرو سلطنتی او در ارمنستان. و نیز. آرشو، دولتی. عکس در نمایشگاه است.

۱۴۰- اصل فرمان ۱۶۹۶ شاه سلطان حسین به حاکم و نیز در پاسخ تبریک او برای جنگ با ترکها. و نیز. آرشو دولتی.

۱۴۱- اصل فرمان ۱۶۹۶ شاه سلطان حسین. به حاکم و نیز. و نیز، آرشو دولتی.

۱۴۲- نسخه ای از یک فرمان ۱۷۰۲ شاه سلطان حسین درباره روحانیون کاپوچینو

و رعایای کاتولیک. این فرمان در آرشو سفیر و نیز در قسطنطنیه بین اسناد سال ۱۷۶۱ محفوظ مانده. در فرمان چنین نوشته، شده است: هر کس میل دارد میتواند خود را کاتولیک معرفی کند، امتیازات دیگری نیز بایشان داده شده. و نیز، آرشو دولتی.

نسخه فرمانی دیگر که شاه ایران، شاه سلطان حسین به رهبانان کاپوچینو در تفلیس، گنجه و تبریز نوشته درین باب که رعایای کاتولیک حق دارند در کمال آزادی زندگی کنند و همه جا رفت و آمد کنند و هر کس بخواهد میتواند خود را فرنگی یا کاتولیک معرفی کند. امتیازات دیگر این فرمان بخاطر جلب رضایت پاپ و جمهوری و نیز است و نیز، آرشو دولتی.

۱۴۳- نامه رسمی ۲۳ دسامبر ۱۷۱۸ سنا به شاه سلطان حسین درباره جلوگیری از

اغتشاشاتی که از طرف حکمران ارمنی بر علیه مسیونرهای کاپوچینو و ارمنی های کاتولیک مذهب در تفلیس و گرجستان بعمل آمده است. و نیز. آرشو دولتی. عکس در نمایشگاه است.

۱۴۴- از قرن هفدهم، و نیز. القایی که در فرمان های شاهی ایران درباره جمهوری و نیز

وجود دارد. و نیز. آرشو دولتی.

در ژانویه ۱۶۱۰، خواجه صفر جعبه درازی پوشیده از پارچه و پیچیده در یک دستمال

محرمات همراه داشت. در جعبه یک نامه بود و دو پاکت درون هم قرار داشت. یکی از پاکتها از جنس Raso (شاید حریر) و آلبالوئی رنگ و دیگری از مخمل سبز بود. این دو پاکت در یک دستمال دیگر پیچیده شده بود.

۱۴۵- قرن هفدهم، و نیز. القایی که از طرف جمهوری و نیز در نامه های به شاه ایران

بکار برده میشود. برای دولت عثمانی نیز همین القاب بکار برده میشود است.

دومینکوساتی در سال ۱۶۴۷ نامه بامهر طلا و مذهب به شاه ایران تقدیم کرده است . نامه های امپراطور اطریش و شاه لهستان لاک و مهر شده و مذهب است. اما برای نامه پاپ ارزش قائل نبودند. چون تذهیب نداشت و مهرش از سرب بود .

۱۴۶- القایی که در نامه های قرن هفدهم و نیز نوشته شده و توسط جمهوری و نیز برای امپراطور عثمانی بکار برده میشد. نام گیرنده با طلا و حروف بزرگ در یک خط نوشته می شد و در اطرافش تذهیب گل و بوته بکار برده میشد و لاک و مهرش طلا بوده است و رشته ای از ابریشم و طلا بان متصل بوده و در کیف طلا قرار داشته . ولی نامه های صدراعظم به زیبایی نامه امپراطور نبوده است. و نیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

قسمت نهم : تجارت در قرن هیجدهم

۱۴۷- نقشه و نیز از آن ۱۷۲۲-۱۷۰۹ با تصاویر حکام و نیز . بوسیله جوانی آنتونی منتشر شده است . و نیز . آرشیو دولتی .

۱۴۸- کمدی ها و تراژدی های منظوم نوشته گارلو گولدونی با اسامی زاتا - عروس ایرانی - و غیره در اصفهان. و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

۱۴۹- نقشه ایران از آلفونسولا زور که برای ورا رافائل ساونارولا از روی یک نقشه عالی ترسیم شده است . و نیز ، آرشیو دولتی . عکس در نمایشگاه است .

۱۵۰- مضمون نامه ۵ اوت ۱۷۵۷ از طرف یک ناشناس از بغداد به جرولامو بریکاردی کنسول و نیز در حلب . کنسول مضمون نامه را با اطلاع کارشناسان تجاری رسانیده (نامه مورخ ۱۶ سپتامبر) . در این نامه راجع به جنگهای داخلی ایران و از بین رفتن سلسله صفوی صحبت و نوشته شده کسی که از همه مقتدرتر است حسین خان است . امید میرود یک دوره صلح در پیش باشد و بتوان مبادله تجارتي را دوباره شروع کرد . فراری ها در حال بازگشت بوطن هستند و بسیاری از تجار مشغول خریدن انواع مختلف کالا که ایران سالها از داشتن آنها محروم بود هستند . و نیز ، آرشیو دولتی .

۱۵۱- گزارش از حلب درباره تجارت بصره به کنسول بریکاردی در سپتامبر ۱۷۵۷ ، از طرف دو تاجر و نیزی که یکسال در آنجا ساکن بودند . این گزارش در تاریخ شانزدهم سپتامبر به اطلاع کارشناسان بازارهای تجارتي ایران ، هند شرقی ، مکه ، ساحل عربستان و حلب رسیده است . از ایران ادویه و پارچه های ابریشمی و پشمی صادر میشود و در عوض پارچه

و صنایع دستی اروپائی از قبیل کهربا، و مرجان، شیشه رنگی و مروارید مصنوعی و نیزی وارد میشود. و نیز، آرشو دولتی.

۱۵۲ - فوریه ۱۷۶۱، حلب - شرحی در باره تجارت حلب که از طرف کنسول بریکاردی با اطلاع کارشناسان تجارتی رسیده و درباره علت بالا رفتن مقدار مبادلات تجارتی و باز شدن راه تجارت با ایران تا آنجا که مبارزات مقناوب شاهزادگان ایرانی و اجازه عبور پاشای عراق عرب به کاروانها برای حلب و دمشق ممکن میسازد گفتگو شده. ولی و نیزیها باید بجای واسطه قرار دادن دلالهای انگلیسی، فرانسوی و توسکانی خودشان شخصاً معاملات را انجام دهند. و نیز، آرشو دولتی.

۱۵۳ - حلب. نامه ۲۹ دسامبر ۱۷۷۳ کنسول و نیز، دومینکو سریولی، به کارشناسان تجارتی درباره تورم تجارت و شیوع بیماری طاعون در بصره و بغداد و برخورد های ایرانیها و انگلیسها در خلیج فارس و متوقف شدن کشتی رانی انگلستان بوسیله کریم خان زند پادشاه کنونی ایران. او میخواهد شرکت هند را که مرکزش در بمبئی است مجبور کند یک شعبه تأسیس کند. ولی کنسول انگلیس در بصره با این امر مخالف است. و نیز، آرشو دولتی.

۱۵۴ - حلب. نامه ۲۳ فوریه ۱۷۷۴ از طرف کنسول سریولی به کارشناسان تجارتی درباره اینکه شرکت هند در حال مذاکره با کریم خان است تا تجارت با بصره دوباره شروع شده است. ناوگان ایرانی در مقابل مسقط در سواحل عربستان موضع گرفته اند که آنجا را تسخیر کنند و حکمران یمن را خراج گذار دولت ایران سازند. از حلب کاروانی با مقدار زیادی کالای و نیز و کالای آلمان که از و نیز رسیده بطرف بصره حرکت کرده است و کاروان دیگری از بغداد رسیده است.

۱۵۵ و ۱۵۶ - سپتامبر ۱۷۷۴، حلب. صورت کالا و امتعه تجارتی که توسط کاروان بصره در تاریخ دوم اوت به حلب رسیده است. هم چنین صورت دیگری مربوط به یک کاروان کوچک که روز ۲۹ اوت از بغداد آمده است. متن هر دو خبر با نامه مورخ سوم سپتامبر کنسول سریولی با اطلاع کارشناسان تجارتی رسیده است و درین باب است که تنباکوی ایرانی، چپق و ادویه ایرانی در بین این کالاها دیده می شود. و نیز، آرشو دولتی.

۱۵۷ - نامه ۳۰ اوت ۱۷۷۵ کنسول سریولی از حلب به کارشناسان تجارتی راجع به شکست مذاکرات صلح بین ایران و عثمانی و محاصره بصره و این که در ماه آوریل همان سال به ایرانیان تسلیم شد، ضمناً می گوید جنگ راههای کاروانهای بغداد را قطع کرده و تجارت حلب را به خطر انداخته. در این نامه خواستار شده است که جنگ بین ایران و سلطان عثمانی تمام شود تا به منفعت همه کشورها تمام شود. و نیز، آرشو دولتی.

۱۵۸- حلب. نامه ۸ اوت ۱۷۷۶ استغنانو پوپولانی نماینده و نیز در حلب به کارشناسان تجارتی که در آن به اثرات منفی فتح بصره بوسیله ایران و تهدید بغداد اشاره شده است. میگوید کاروانهای حلب هنوز متوقف هستند و صادرات برای هند ممکن نیست. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۵۹- نامه ۴ مارس ۱۷۷۸ کنسول ونیز، دومینکو سریولی از حلب به کارشناسان تجارتی. در این نامه به معاهده صلح که قرار است بین ایران و عثمانی امضا شود اشاره شده است. پیش بینی شده است که اگر بصره تحت اختیار ایران باقی بماند این موضوع در حلب باعث خوشوقتی است. زیرا صلح باعث می شود که مبادلات تجارتی از سر گرفته شود، بخصوص برای ونیز- تا دوباره شیشه های رنگی مصنوعی برای هند فرستاده شوند. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۶۰- نامه ۱۰ ماه مه ۱۷۸۷ کنسول ونیز سالزیوریزینی از حلب به کارشناسان تجارتی درباره گرفتاری تجارت ونیز در هند از راه بصره که باعث آن جنگهای محلی و رقابت چینی ها در مورد مرجان مصنوعی در بنگال است. کالاهای دیگر، بخصوص در ایران از راه بغداد متوقف می شود. کاغذ هم باید از جنس مرغوب باشد. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۶۱- ماه مه ۱۷۸۷، حلب. صورت کالاهائی که از بازارهای ونیز در سالهای ۱۷۸۶ و ۱۷۸۵ رسیده است. این صورت جوف نامه کنسول ریزینی به کارشناسان تجارتی و مورخ ۱۰ ماه مه بوده. قریب پنجاه نوع کالا وجود دارد که قسمت اعظم آن در ایران مصرف خواهد شد. مقدار معاملات را می توان از مقدار واردات و قیمت متوسط پرداخته شده با پیاستر بعد از کسر عوارض کنسول گری در بازار حلب مطلع شد. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۶۲- حلب. نامه ۳۰ آوریل ۱۷۹۵ آخرین کنسول ونیز جو آنتونیو ماریا مورانا به کارشناسان تجارتی که رسیدن کاروان بصره و بغداد را که بیش از ۶۰۰۰ (شش هزار) شتر داشته است و انواع کالا حمل می کرده و بیشتر کالای هندی بوده اطلاع می دهد. بنابراین تقریباً می توان آن را کاروان هند نامید. ارزش این کالاها حداقل به هفت میلیون پیاستر بالغ میشود. بین این کالا مرواریدهای خلیج فارس نیز هست ولی کوچک و ناصاف و کج است. در بازگشت بیشتر کالای ونیزی حمل خواهند کرد. ولی امسال عملیات بخاطر بر خوردهای گمرکی اسکندریه متوقف است. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۶۳- گزارش تجارت حلب و بازارهای دیگر سوریه و فلسطین بوسیله جو آنتونیو مورانا. مورانا بعد از بین رفتن جمهوری ونیز کنسول اطریش شد و در آن شرح کالاهائی را که از ونیز از راه دریا به حلب میرود میدهد. با اینکه تجارت این دوره بخوبی زمان عظمت جمهوری ونیز نیست ولی باز هم قابل توجه است و منافع بسیار دارد. و نیز، آرشیو دولتی.

۱۶۴-۱۷۸۲ ، و نیز ، علامت تابلوئی است که بر سر درب مغازه مروارید فروشها که محصولاتشان به خاور نزدیک و خاور دور صادر می شده نصب شده بوده است . و نیز ، آرشیو دولتی .

قسمت دهم : ایرانیان و آرامنه ایران در و نیز

۱۶۵- منظره کاروانسرای عثمانیها که در داخل آن مسجدی نیز وجود دارد و از سال ۱۶۶۲ ایرانیهای مسلمان نیز در آن ساکن بودند. و نیز، کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است .

۱۶۶- و نیز . وصیت نامه ۳۱ مارس ۱۵۷۰ جرجیس اکسوس ارمنی ساکن سنزولیان. در این وصیت نامه از ارمنیهای ایرانی دیگری یاد کرده است . و نیز، آرشیو دولتی .

۱۶۷- و نیز- وصیت نامه ۴ مارس ۱۵۷۴ لاک و مهر شده يك ارمنی دیگر بنام شاولات که قبلانامش کوبات و اهل جلفای اصفهان بوده و در و نیز تجارت می کرده است. و نیز، آرشیو دولتی .

۱۶۸- و نیز - وصیت نامه ۵ ژوئن ۱۶۷۵ مراد اوسام ارمنی ایرانی که در سنزولیان و نیز تجارت می کرده است . و نیز، آرشیو دولتی .

۱۶۹- تصویر تاجر ارمنی ثروتمند کار و چلیو. و نیز. کتابخانه ملی مارچانا . عکس در نمایشگاه است.

این طرح در سال ۱۷۰۰ توسط گروپ بروک بعنوان لباس قدیمی تکرار شده است. گرون بروگ شرحی درباره دو نوع تجارت دیگر آرامنه داده است . یکی تجارت جزئی بوسیله فروشندگان سیار در میدانها و دیگری تجارت کلی . تاجر ارمنی حق دارند که در میدان سن مارکو اجناس و کالای خود را بفروش برسانند . این طریق يك رسم بسیار قدیمی است که معلوم نیست از چه وقت شروع شده. ولی تاجر ارمنی دیگری هستند که تجارت مهمتری در دست دارند بخصوص کسانی که از ازمیر کالا وارد میکنند. این تصویر آب رنگ مربوط به يك تاجر ایرانی در و نیز است بنام استفانو جیرا کوس که سالها در و نیز مقیم و از مزایا و موقعیت خاصی برخوردار بوده است .

۱۷۰- منظره میدان سن مارکو- کار آنتونیو ویزنتینی . در قسمت جلوی تابلو بساط فروشندگان ارمنی در محل مخصوص خود دیده میشود . و نیز، کتابخانه ملی مارچانا ، عکس در نمایشگاه است .

۱۷۱- تصویر تاجر ارمنی در لباس قرن هیجدهم کار گرون بروک. این تصویر شرح موقعیت مخصوص آرامنه را در و نیز بیاد می آورد. آنها در کمال آزادی می توانستند مراسم مذهبی خود را

در کلیسای کوچک سانتا کروچه و در جزیره سن لازارو اجرا کنند. تجار ایرانی از آرامش و امنیت برخوردار بودند. این نقاشی به فلوریانو بوگالادی که سالها به تجار ارمنی زبان ایتالیائی می‌آموخته تقدیم شده است. ونیز، موزه کورر. عکس در نمایشگاه موجود است. ۱۷۲- تصویر فروشنده‌های سیار ارمنی، پارچه‌های ارزان قیمت، کارگرون بروک. ارمنی هائی که قدرت تجارت با سرمایه زیاد ندارند خرده فروشی میکنند. آنها کالا را بطور نسیه از هم وطن‌های سرمایه دار خود میگیرند و هر شش ماه یکبار بدهی خود را می‌پردازند و برای صرفه جوئی از گرفتن حجره خودداری میکنند. بعضی دیگر فروشنده کهربا، مرجان، و اشیاء کوچک و ظریف‌اند و یا اینکه خیاط لباسهای ارامنه. این طرح به سینیور جورجور ریزی ملقب به کاراکاس دلال جواهر و مترجم زبان فارسی در ونیز تقدیم شده. طبق وصیت نامه او دخترانش ماریا و دومینکا هم مشغول تجارت بوده‌اند. ونیز، موزه کورر. عکس در این نمایشگاه است.

۱۷۳- قرن نوزدهم. طرح کلیسای سانتا کروچه ارامنه در سن زولیان مربوط به قرن دوازدهم. امروزه مراسم مذهبی ارامنه در آن اجرا می‌شود. بوسیله حووانی پی وی دور تهیه شده است. ونیز، موزه کورر. عکس در نمایشگاه است.

۱۷۴- جزایر ونیز کار آنتونیو ونقینی. لوحه یازده جزیره سن لازارو متعلق به ارامنه که در سال ۱۷۱۷ توسط جمهوری ونیز به روحانیون ارمنی اهدا شد و آنان آن محل را مرکز عبادت و مطالعه خود قرار دادند. اما بستگی و رابطه ملی خود را با ایران فراموش نکردند. ونیز، کتابخانه ملی مارچانا.

۱۷۵- ونیز. تقاضا نامه مارس ۱۷۷۹. برادران شریمن برای ملحق شدن به خاندان های اشرافی که بزرگان آنها از ایران به اروپا نقل مکان کردند و ونیز را وطن جدید خود قراردادند. ونیز، آرشیو ملی.

این تقاضا از طرف مقامات مربوط قبول شد. ولی در سنا و شورای بزرگ درباره آن صحبت نشد و معوق ماند، شاید بععل سیاسی و روابط آن خانواده باشاهان بیگانه بود.

۱۷۶- علامت خانوادگی که از طرف امپراطور لئوپولدوی اول در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۶۹۹ همراه با لقب کنت‌های دربار مجارستان به خانواده شریمن اهدا شد. ونیز، آرشیو دولتی.

۱۷۷- قصر کنتارینی که در سال ۱۷۲۶ توسط شریمن ها خریداری شد. عکس در نمایشگاه است.

۱۷۸- نقشه شهر ونیز از سال ۱۷۹۹-۱۷۹۷، یعنی زمانی که پایتخت جمهوری ونیزی تحت حکومت اطریش بود. این نقشه از روی نقشه ماتئومریان که در سال ۱۶۳۵ تهیه شده بود

بطور کاملتر تهیه شده . نقشه جدید در اواخر قرن هیجدهم توسط مارکوس باستیانو جان پیکولی منتشر شد . این نقشه به کنت آنتونیو سارات تقدیم شده و در شرح آن مدح خانواده او ذکر شده است . و نیز ، موزه کورر . عکس در نمایشگاه است .

قسمت یازدهم : نسخه های خطی قدیمی و اشیاء شرقی

۱۷۹- کتاب دستور زبان فارسی و عناصر اولیه زبان فارسی ، که ابتدا توسط شخصی ناشناس به زبان عربی نشر شده و بعد توسط جیوانی باتیستارا یموند در سال ۱۵۱۴ به زبان لاتین ترجمه شد . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۰- کتاب جامی - لغت فارسی - دست نویس لطف الله ابن ابی یوسف حلیمی - که در سال ۹۱۹ هجری (۱۵۱۳-۱۵۱۴) پایان رسیده . و نیز - کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۱- کتاب لغت ترکی بفارسی به نظم . و نیز . کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۲- تألیفی از منصور بن محمد در مطالب طبی . تألیف شده در سال ۹۹۰ هجری (۱۵۸۲) . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۳- طب و مفردات محمد ابراهیم الحسین - . اصل دست نویس در سال ۱۱۰۵ هجری (۱۶۹۳-۱۶۹۴) تألیف شده . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۴- قرآن با جلد ایرانی . نوشته شده در سال ۹۴۳ هجری (۱۵۳۶-۱۵۳۷) . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۵- کتاب کلامی متعلق به شاهزاده حسن پسر شاه محمد . دست نویس در سال ۸۸۵ هجری مطابق (۱۴۸۰-۱۴۸۱) میلادی . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۶- اصول دین عیسوی نوشته کاردینال روبرتو بلارمینو و ترجمه شده بفارسی . دست نویس قرن هفدهم . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۷- گلستان سعدی - دست نویس سال ۹۶۳ هجری مطابق ۱۵۵۵/۱۵۵۶ . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۸۸- گلستان سعدی . و نیز ، کتابخانه ملی پدران ارمنی سن لازارو . عکس در نمایشگاه است .

۱۸۹- دیوان حافظ . و نیز ، کتابخانه ملی مارچانا .

۱۹۰- شاهنامه فردوسی . و نیز . کتابخانه پدران ارمنی سن لازارو - عکس در نمایشگاه است .

۱۹۱- شاهنامه فردوسی . و نیز ، کتابخانه پدران ارمنی سن لازارو . عکس در نمایشگاه است .

- ۱۹۲ - اسکندر نامه نظامی . دست نویس قرن شانزدهم . ونیز ، کتابخانه ملی
مارچانا .
- ۱۹۳ - شاهنامه فردوسی ، دست نویس قرن هفدهم ، ونیز ، کتابخانه پدران ارمنی
سن لازارو .
- ۱۹۴ - یوسف وزلیخای جامی - يك قطعه از دست نویس قرن شانزدهم . ونیز . کتابخانه
ملی مارچانا .
- ۱۹۵ - لوحه منقوش ایرانی . ونیز ، موزه پدران ارمنی سن لازارو . عکس در
نمایشگاه است .
- ۱۹۶ - تخت سلطان هند که توسط پادشاه ایران به ایران آورده شده است و سپس توسط
شخصی ناشناس از ایران خارج شده و به موزه اهدا شده است . ونیز ، موزه پدران ارمنی سن
لازارو . عکس در نمایشگاه است .

شرح تصویر روبرو

تصویر خیالی شهر تبریز (شماره ۶۶)
(No. 66)

صورت داریوش بر سرستون یکی از عمارات شہرو نیز (شماره ۸) (No.8)



LA GRAN ROTTA DE LO EXER-
cito del. S. Turcho, fatta da le Gēte del Sophy, in Persia.
Il numero de la gente morta, & presa, & la mentione de
tutti, li Bassà, & gl'huomini de conto.
E' la presa del Thesoro del Turcho, con le damiselle del suo
scraglio, dr̄cto alla nobil' Città de Thauris, in Persia.



نظامی شکر و ایثار و الشکر و الابواب والعدالة والبسالة والعز والابواب
قال في انعم في الامور والاشياء

خواب والانصاب لطف و سوک و پناه ابر و نصف کتکاه عدل و سبالت سبانه برین سبالت صابکن

عن خواقین عدالت آیین سید پادشاه عالیجاه عظیم الشان بی بی حسرت عوایب معروفه و ما را

تحت عطیما ت عطف آیات محبت سر و هدایای کریمات طاعت صامت و مین سبالت

مکمل و الامم چه اعتدنا بتظام احوال و التیام اسباب شوکت و جلال آن بخشیر بر جاده جلال مصر و

مراج قبال مقرون ضمای اریه تعالی در ترقی مادی بعد از انهای ای حکم یکد و اد که کتب محبت که در اول او

باعث تجدید معاهد مودت و دوستی گردید اشار در مراتب آنکه لازمه دوستی و اولی بود و ما شدت از آنچه

خلافت مکان و پادشاهان عظیم الشان و کستان فرعون بود پس لوک خواست همواره محرک سبالت

بوده احوال کتاب و مراسلات سبالت و از آنکه زیاد اطمینان
مینه توفیقات ربانی موشید

196. Trono in legno intarsiato di un sovrano indiano, conquistato dallo Sciah di Persia, poi pervenuto in mani private e donato al Museo. (Venezia, Museo dei Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro. Fotoriproduzione).

197. "Romanzo di Alessandro". Codice greco, con miniature bizantine ricche di influssi musulmani (specie persiani e siriaci), forse eseguito a Creta nel sec. XIV, sulla scorta di un archetipo del sec. XIII. (Venezia, Istituto Ellenico di Studi Bizantini e post-Bizantini). Riproduzioni a stampa.

A. XYNGOPOULOS, Les miniatures du Roman d'Alexandre le Grand dans le codex de l'Institut Hellenique de Venise. Athènes - Venise, 1966. (Bibliothèque de l'Institut Hellénique d'Etudes Byzantines et post-Byzantines de Venise, 2.).

189. HĀFIZ, Dīvān, "Canzoniere" (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
 ASSEMANI, op. cit., II, p. 195, n. 88;
 BERCHET, II, p. 62.
190. FIRDUSI, Shāh - nāmeḥ, "Libro dei Re". (Venezia, Biblioteca dei Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro. Fotoriproduzione).
191. FIRDUSI, Shāh - nāmeḥ, "Libro dei Re". Cod. Sec. XVI. (Venezia, Biblioteca dei Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro. Fotoriproduzione).
192. NIZĀMĪ, Iskandar-nāmeḥ, "Romanzo di Alessandro", Cod. sec. XVI. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). Codice originale e fotoriproduzioni.
 ASSEMANI, op. cit., I, pp. 112 - 142, n. 40;
 BERCHET, II, p. 62; MINISTERO DELLA PUBBLICA ISTRUZIONE, Mostra storica nazionale della miniatura, Palazzo di Venezia, Roma. Catalogo, a cura di G. MUZZIOLI, Firenze, 1954, p. 464, n. 746;
 ISMEO, Mostra cit., pag. 289, n. 561.
193. FIRDUSI, Shāh - nāmeḥ, "Libro dei Re". Cod. sec. XVII (Venezia, Biblioteca dei Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro. Fotoriproduzioni).
194. JAMI, Yūsuf va Zulaikhā, "Giuseppe e Zolaika". Frammento. Cod. sec. XVI. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
 BERCHET, II, p. 62; ISMEO, Mostra cit., p. 289, n. 559.
195. Tavolino persiano miniato e laccato con figure, sec. XVII. (Venezia, Museo dei Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro). Fotoriproduzione.

- ASSEMANI, op. cit., II, Padova, 1792, pp.225 - 226, n. 103; BERCHET, II, p.62.
183. MUHAMMAD IBRĀHĪM AL-HUSAIN, Medicina e farmacia. Codice autografo, scritto nel 1105 egira (1693 - 1694). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). ASSEMANI, op. cit., II, p. 242, n.109; BERCHET, II, p. 62.
184. Corano arabo, con rilegatura arabo-persiana. Codice scritto nel 943 egira (1536 - 1537). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
185. Libretto musulmano di devozione, appartenuto al principe Hasan, figlio del re Muhammad. Comprende il "Libro degli statuti degli amanti di Dio" e la "Bilancia della verità". Codice scritto nell'anno 885 egira (1480 - 1481). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). ASSEMANI, op. cit., II, p. 12, n. 73; BERCHET, II, p.62.
186. Catechismo del cardinale Roberto Bellarmino, tradotto in persiano. Codice sec. XVII (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). ASSEMANI, op. cit., II, p. 7, n. 60.
187. SHAIKH SADĪ, Gulistān, "Il Roseto". Codice scritto nel 963 egira (1555 - 1556). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). ASSEMANI, op. cit., II, pp. 192 - 193, n. 80; BERCHET, II, p.62.
188. SHAIKH SADĪ, Gulistān "Il Roseto". (Venezia, Biblioteca dei Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro. Fotoriproduzione).

XI. CODICI E CIMELI ORIENTALI A VENEZIA

179. Grammatica persiana. "Parva rudimenta linguae Persiacaе, arabice primum ab ignoto auctore explicata, novissime a Ioanne Baptista Raimundo Cremonense latine interpretata". 1514. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
- S. ASSEMANI, Catalogo de' codici manoscritti orientali della Biblioteca Naniana, I, Padova, 1787, pp. 2 - 3, n.3. ⁶
180. LUTFALLĀH IBN ABĪ YŪSUF HALĪMĪ, Kitāb-ī Jāmi, Dizionario persiano. Il codice fu finito di scrivere nel 919 egira (1513 - 1514). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
- ASSEMANI, op. cit., I, p. 45, n.6; BERCHET, II, p.62.
181. Dizionario turco-persiano in versi. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
182. MANSŪR IBN MUHAMMAD, Osservazioni e meditazioni mediche. Codice persiano e arabico, scritto nel 990 egira (1582). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

177. Palazzo Contarini, poi Gozzi, ai Gesuiti, acquistato dagli Sceriman nel 1726, che dá nome alla "Salizzata Sceriman". (Fotoriproduzione).
178. 1797 - 1799. Piano elevato dell'inclita città di Venezia capitale delle Venete Austriache Provincie. Nuova edizione aggiornata della pianta prospettica di Matteo Merian (1635), pubblicata alla fine del '700 da Marco Sebastiano Giampiccoli. E' dedicata al conte Antonio Sarat Sceriman e reca nel cartiglio l'elogio della famiglia. (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione). CASSINI, op. cit., pp. 144 - 145, n. 95.

173. Secolo XIX. Giovanni Pividor. Disegno della chiesa di S. Croce degli Armeni a S. Zulian, di origini remote (sec. XIII), ancor oggi officiata in rito armeno. (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).
174. ANTONIO VISENTINI. Isolario Veneto, Teodoro Viero, 1777, tav. XI: Isola di S. Lazzaro degli Armeni, concessa nel 1717 dalla Repubblica ai Padri Armeni Mechitaristi, profughi da Modone, che ne fecero asilo di preghiera e di studio, non dimenticando i legami della loro nazione con la Persia. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
175. 1779, marzo. Venezia. Supplica al doge dei fratelli Sceriman per ottenere l'aggregazione al patriziato; i loro maggiori si trasferirono dalla Persia in Europa, "scegliendo per nuova patria Venezia, sede di sapienza e di libert ". (Venezia, Archivio di Stato).
- La richiesta, accettata dall'Avogaria di Comun, fu lasciata cadere senza esser discussa in Senato e Maggior Consiglio, forse per ragioni politiche, date le relazioni della famiglia con sovrani esteri.
176. Stemma concesso agli Sceriman dall'imperatore Leopoldo I il 23 giugno 1699, unitamente al titolo di Conti del Regno di Ungheria. Disegno. (Venezia, Archivio di Stato). CH. DEDEYAN, Les Dedejan. Leur titres, leur alliances, Venice, 1972, p. 57.

171. "Mercadante Armeno", da GREVEMBROCH, Gli abiti cit., III, c. 53. Costume del secolo XVIII. La didascalia ricorda la favorevole posizione goduta a Venezia dagli Armeni, liberi di seguire il proprio rito nella chiesetta di S. Croce e nella isola di S. Lazzaro: "Li mercadanti di Persia qui godono quieto e pacifico stato". La dedica dice: "Al reverendo signor canonico don Floriano Boccalari si deve questo soggetto, poiché egli per lunghi anni insegnó a leggere e scrivere italiano a molti e molti mercadanti dell'Armenia". (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).
172. "Acutezza persiana". Armeni venditori ambulanti di stoffe a buon mercato; da GREVEMBROCH, Gli abiti cit., Supplimento agli altri tre volumi, c.67. "Bombasine, indiane, fazoletti e cambrade vendono quei Armeni che non hanno possanza di fare un traffico opulente". Prendono a credito la merce da connazionali piú abbienti, saldando il debito ogni sei mesi; per economia rinunciano ad aver bottega. Altri vendono ambre, coralli (conterie) e cose minute, oppure fanno i sarti di vesti armenie. Il disegno é dedicato "Al signor Giorgio Rizzi detto Carracas, sensale da gioie et interprete della persiana lingua in Venezia". Sappiamo dai testamenti che anche le figlie di lui, Maria e Domenica, trafficavano ed erano industrie. (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).

168. 1675, 5 giugno. Venezia. Testamento di Murat d'Ossam, Armeno persiano, mercante a Venezia a S. Zuan. (Venezia, Archivio di Stato).

169. "Armeno mercante", "Armeno di conditione"; dal VECELLIO, op. cit. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzioni).

Il primo disegno venne ripreso nel sec. XVIII dal Grevembroch (Gli abiti cit., III, c. 52, "Mercadante Armeno") come abito antico. La didascalia del Grevembroch accenna a due tipi di commercio armeno, quello minuto delle bancarelle in Piazza e quello ricco: "Nella Piazza di S. Marco godono gli Armeni una precisa situazione onde esitare alcune cose appartenenti a loro, e questo privilegio é sí inveterato, che non si può assicurarsi dell'origine. Li mercadanti però di quella nazione esercitano negozio più importante, di robe che conducono qui per la scala delle Smirne". L'acquerello é dedicato "al merito del signor Steffano Giracus, mercadante persiano, che con onorevolezza dimoró lungo tempo nella veneziana metropoli.

170. Veduta di Piazza S. Marco; da ANTONIO VISENTINI, Urbis Venetiarum prospectus celebriores, ex ANTONII CANAL tabulis XXXVIII aere expressis, Venezia, G.B. Pasquali, 1751. In primo piano, nel sito loro riservato presso gli stendardi, le caratteristiche bancarelle degli Armeni. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

X. PERSIANI ED ARMENI A VENEZIA

165. 1720. Veduta del Fondaco dei Turchi, dotato internamente di moschea, dove separatamente risiedevano dal 1662 anche i Persiani musulmani; dal Gran teatro delle pitture e prospettive di Venezia, Venezia, Lovisa, 1720. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
166. 1570, 31 marzo. Venezia. Testamento di Cherchis Oxus d'Armenia, abitante a S. Zulian; ricorda altri Armeni persiani. Correzioni e postille mostrano lo sforzo del notaio per cogliere la volontà del testatore attraverso la traduzione delle sue parole fatta da compatrioti. (Venezia, Archivio di Stato).
167. 1574, 4 marzo. Venezia. Testamento chiuso dell'armeno Sciavalat "quondam" Cubat da Julfa di Isfahan mercante a Venezia.
(Venezia, Archivio di Stato).

Savi alla Mercanzia. Comunica l'arrivo della carovana di Bassorah e Bagdad con oltre 6000 cammelli; é "ricchissima di varie merci, la maggior parte di provenienza indiana, per cui si potrebbe quasi chiamarla carovana dell'India". Il valore é di almeno 7 milioni di piastre. Vi sono perle del Golfo Persico, "minute e del genere delle così dette scarabazze". Al ritorno si caricano in prevalenza merci veneziane; ma quest'anno l'operazione é impedita da incidenti doganali ad Alessandretta. (Venezia, Archivio di Stato).

163. GIO. ANTONIO MORANA, Relazione del commercio di Aleppo ed altre scale della Siria e Palestina, Venezia, Andreola, 1799, pp. 22 - 23. (Dopo la caduta della Repubblica il Morana divenne console austriaco). Descrizione delle merci che navigano da Venezia ad Aleppo. "Venezia singolarmente sente gli effetti lúcrosi di questo commercio, che, assai diminuito da quello era in quei secoli che primeggiava, conserva tuttavia un'immutabile affluenza". (Venezia, Archivio di Stato).

164. 1782. Venezia. Insegne di Perleri (fabbricanti di conterie) veneziani, i cui prodotti raggiungevano il medio ed estremo Oriente. Incisioni. (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra "Arti e Corporazioni nella Storia d'Italia". Spoleto, 1966. Catalogo, Spoleto, 1966 (Centro Italiano di studi sull'alto medioevo), p. 35.

159. 1778, 4 marzo. Aleppo. Dispaccio del console veneto Domenico Serioli ai Savi alla Mercanzia. Il poscritto accenna all'imminente trattato turco - persiano; la previsione che Bassorah resti alla Persia é gradita in Aleppo, poiché la pace dará nuovo vigore ai traffici, specie veneziani, con riguardo alle conterie, destinate per lo piú alle Indie. (Venezia, Archivio di Stato).
160. 1787, 10 maggio. Aleppo. Dispaccio del console veneto Salesio Rizzini ai Savi alla Mercanzia. Intralci al commercio veneziano nelle Indie, attraverso Bassorah, provocati dalle guerre locali e dalla concorrenza cinese nel Bengala riguardo alle "corniole" (coralli falsi). Le altre merci si esitano specialmente in Persia via Bagdad; quanto alla carta, dev'essere di buona qualità. (Venezia, Archivio di Stato).
161. 1787, maggio. Aleppo. "Nota delle merci venute dalla piazza di Venezia negli anni 1785-1786"; unita al dispaccio del console Rizzini ai Savi alla Mercanzia in data 10 maggio. Si contano una cinquantina di generi, in gran parte destinati al consumo o transito in Persia. Il volume di affari puó desumersi dai quantitativi importati, prezzo medio in piastre sul mercato di Aleppo, diritti consolari riscossi. (Venezia, Archivio di Stato).
162. 1796, 30 aprile. Aleppo. Dispaccio dell'ultimo console veneto, Gio. Antonio Maria Morana, ai

ricca di merci veneziane e tedesche, importate dai Veneziani. Arrivo di una carovana da Bagdad.

155.156. 1774, settembre. Aleppo. Elenco delle merci portate dalla carovana di Bassorah giunta ad Aleppo l'11 agosto. Altro elenco relativo ad una piccola carovana venuta da Bagdad il 29 agosto. Entrambi trasmessi dal console Seriola ai Savi alla Mercanzia con dispaccio del 3 settembre. Si notano il "tombac o sia tabacco da fumo di Persia", le pipe e le spezie di provenienza persiana. (Venezia, Archivio di Stato).

157. 1775, 30 agosto. Aleppo. Dispaccio del console Seriola ai Savi alla Mercanzia. Notizie circa le fallite trattative di pace turco - persiana e l'assedio di Bassorah (arresasi ai Persiani nell'aprile seguente). La guerra interrompe le strade carovaniere per Bagdad, con grave pregiudizio del commercio di Aleppo; "che Iddio faccia che presto accomodar si possano queste nuove turbolenze fra la Persia e la Porta per beneficio di tutti". (Venezia, Archivio di Stato).

158. 1776, 8 agosto. Aleppo. Dispaccio di Stefano Popolani, incaricato veneto ad Aleppo, ai Savi alla Mercanzia. Espone le ripercussioni negative della conquista persiana di Bassorah e minacce su Bagdad, essendo ancora sospese le carovane da Aleppo e troncata l'esportazione verso le Indie; esamina la situazione rispetto alle singole mercanzie veneziane e ponentine. (Venezia, Archivio di Stato).

152. 1761, 7 febbraio (1760 "more veneto"). Aleppo.
"Dettaglio del commercio di Aleppo", del console Brigardi, trasmesso ai Savi alla Mercanzia. Il maggior volume di scambi é dovuto alla riapertura dei traffici con la Persia, per quanto lo consentono le alterne lotte tra principi, e al libero transito concesso dal bassá di Babilonia alle carovane per Aleppo e Damasco. I Veneziani dovrebbero però commerciare di persona, anziché ricorrere al tramite di agenti inglesi, francesi, toscani. (Venezia, Archivio di Stato).
153. 1773, 29 dicembre. Aleppo. Dispaccio del console veneto Domenico Seriola ai Savi alla Mercanzia. L'attuale ristagno del commercio dipende dalla pestilenza a Bassorah e Bagdad e da incidenti anglo - persiani nel Golfo Persico. La navigazione inglese é interrotta da Karīm Khān, "attuale governatore della Persia", che vuol costringere la Compagnia delle Indie, con sede a Bombay, a stabilire un'agenzia in territorio persiano; al progetto si oppone il console inglese di Bassorah. (Venezia, Archivio di Stato).
154. 1774, 23 febbraio. Aleppo. Altro dispaccio del console Seriola ai Savi alla Mercanzia. Riprende il commercio con Bassorah, mentre la Compagnia delle Indie tratta con Karīm Khān. La flotta persiana é davanti a Mascat, sulla costa araba, per conquistarla o rendere tributario il re dello Yemen. Parte da Aleppo una carovana per Bassorah,

scriptorum calamo delineatus, II, Padova, 1713, p. 322. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

150. 1757, settembre. Aleppo. Estratto di una lettera del 5 agosto di anonimo da Bagdad al console veneto in Aleppo, Girolamo Brigardi; trasmesso ai Savi alla Mercanzia con suo dispaccio del 16 settembre. Narra le guerre intestine che travagliano la Persia, estinta la dinastia dei Safavidi. Sui rivali prevale ora Husain Khān; si spera in un periodo di pace e di ripresa dei traffici. I profughi si dispongono a tornare in patria; "e molti mercanti cominciano a comprare diversi generi di mercanzia, de' qualli la Persia dopo tant'anni di desolazione interamente penuria". (Venezia, Archivio di Stato).

151. 1757, settembre. Aleppo. Relazione sul commercio di Bassorah, "scala dell'India", presentata al console Brigardi da due mercanti veneziani che vi soggiornarono un anno; trasmessa ai Savi alla Mercanzia con suo dispaccio del 16 settembre. Il commercio di quella piazza "è principalmente con la Persia, Indie Orientali, Moka, costa dell'Arabia, Babilonia ed Aleppo". Dalla Persia arrivano spezie e panni di seta e lana; si richiedono tessuti e manufatti europei, ambra e coralli, conterie e perle false veneziane. (Venezia, Archivio di Stato).

Et si mette dentro borsa di soprarizzo d'oro, a differenza di quella del primo visir, che si fa di lamá d'oro". (Venezia, Archivio di Stato. Fotoreproduzione).

IX. COMMERCIO NEL SECOLO XVIII

147. (1709 - 1722). Pianta prospettica di Venezia con i ritratti dei dogi fino a Giovanni Corner (1709-1722), pubblicata da Giovanni Antonelli. (Venezia, Archivio di Stato).
CASSINI, op. cit., pp. 108 - 109, n. 64.
148. CARLO GOLDONI, Commedie e tragedie in versi di vario metro, I, Venezia, Zatta, 1792. La sposa persiana, Testatine degli Atti I, II, V;
Ircana in Iulfa, Testatine degli Atti I e III;
Ircana in Ispahan, Testatine degli Atti I e III.
(Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoreproduzione).
149. Carta della Persia: da ALPHONSUS LASOR a VAREA (RAPHAEL SAVONAROLA), Universus terrarum orbis

siani alla Repubblica. (Venezia, Archivio di Stato).

Nel gennaio 1610 Khwāja Safar presentó "una scatola lunga, coperta de panno de Bursia, involta in un fazzoletto vergado (a righe), nella qual era una lettera posta in due buste, una di raso sguardo (vermiglio), l'altra di velluto verde, involta in un altro fazzoletto".

145. Sec. XVII. Venezia. Formulario Cancelleresco dei titoli usati dalla Repubblica scrivendo allo Sciah e caratteri esterni necessari alla ducale, analoghi a quelli adoperati per il Turco: "miniar li tagli con oro, bollar con bollo d'oro et metter le lettere in una borsa d'oro". (Venezia, Archivio di Stato).

Nel 1647 Domenico Santi presentó la ducale munita di bolla aurea, "avec plusieurs enjolivemens de feuillages d'or au papier"; anche le lettere dell'imperatore e re di Polonia avevano sigillo e ornamenti d'oro. Quella del papa fu disprezzata, perché disadorna e con bolla plumbea.

(TAVERNIER, op. cit., I, pp. 209 - 210).

146. Sec. XVII. Venezia. Formulario cancelleresco dei titoli usati dalla Repubblica scrivendo all'imperatore dei Turchi e caratteri esterni necessari alla ducale. L'"inscriptio" sia in maiuscole di oro su una sola riga. "Et intorno un friso miniato di fogliami, et si bolla in bollo d'oro, et cordon di seda e d'oro con peroli et redesello.

sa al trono e alle esortazioni di guerra al Turco. (Venezia, Archivio di Stato).

BERCHET, I, pp. 55 - 56, 246; Mostra 1907, p. 57, n. 216.

141. (1696). Altro firmano originale di Sciah Husain al doge. (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1907, p. 57, n. 215.

142. (1702). Copia di un firmano di Sciah Husain in favore dei religiosi Capuccini e dei sudditi cattolici, conservata nell'archivio del bailo a Costantinopoli, tra i documenti del 1761. L'attergato dice: "Copia del recammo o fermano datto 59 anni sono dal re di Persia sciá sultan Ussen alli padri Capuccini di Tiflis, Gori, Gangia e Tauris, acció con tutta libertá stieno, vadino, fabrichino; e chi vuole si possa dichiarare franco, cioé cattolico, ed altri privilegi. Concesso in grazia del papa e della serenissima Repubblica Veneta".

(Venezia, Archivio di Stato).

143. 1718, 23 dicembre. Venezia. Ducale del Senato allo Sciah Husain, affinché faccia cessare i disordini provocati dal patriarca armeno contro i Missionari Cappuccini e gli Armeni di rito cattolico a Tiflis in Georgia. Originale di Cancelleria.

(Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 56 - 57, 247 - 248, n.67.

144. Sec. XVII. Venezia, Formulario Cancelleresco dei titoli che ricorrono nei firmani imperiali per-

Partito nel 1671 con Marco Bembo, console in Siria, il Legrenzi viaggiò in Levante e nel 1678 visitò la Persia, descrivendo le rovine di Persepoli. Passato in India, incontrò Nicolò Mannucci ad Orangabad nel Moghul. Tornò in patria nel 1694. Fece testamento nel 1707, dovendo nuovamente intraprendere "viaggi lunghi e difficili, ... a solo oggetto di cercar la mia quiete, lontano dalle molte ingiuste mortificationi che patisco contro mio merito".

COGGIOLA, op. cit., pp. 13 - 14.

VIII. QUESTIONI RELIGIOSE⁴, CORTESIE DIPLOMATICHE

139. 1692, 26 luglio. Venezia. Ducale del Senato allo Sciah Solimano (Sulaimān) I, per raccomandargli il nuovo arcivescovo di Naschirvān e i conventi domenicani nel suo impero e in Armenia. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).
140. (1696). Firmano originale di Sciah Husain al doge, in risposta alle congratulazioni per l'asce-

- 1711, tav. 53: veduta delle rovine di Persepoli: tav. 68: Facciata scolpita di una delle così dette "Tombe di Dario". Entrambi i disegni corrispondono puntualmente alla descrizione del Bembo, riportata dal Morelli (op.cit., pp. 55 - 59), che ne vide di analoghi nel codice del Viaggio. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
136. GIOSAFAT BARBARO, Viaggio in Persia in Viaggi fatti da Vinetia alla Tana, cit., cc. 46 v - 47. Descrizione delle rovine di Persepoli, dei bassorilievi di Naqsh-i Rostam e della tomba di Ciro (Attribuita alla Madre di Salomone), che il Barbaro segnaló primo tra gli Europei. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
137. CHARDIN, Voyages cit., IV, tavv. 22-23: costumi maschili e femminili; VI, tav. 29: "Chizilbaschi" ("berretta rossa"), soldato del piú forte corpo di cavalleria persiana; IX, tav. 75: Contadina "Guebra" (Gabr). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
- Disegni di costumi persiani, simili a quelli eseguiti dal Grelot per il Bembo.
138. ANGELO LEGRENZI, Il pellegrino nell'Asia, cioè viaggi del dottor Angelo Legrenzi fisico e chirurgo, cittadino veneto. Con li ragguagli dello stato dell'imperio ottomano, del re di Persia, de Mogori e Gentili, loro legge, vita e costumi. Parte II, Venezia, Domenico Valvasense, 1795. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

VII. CURIOSITA' ERUDITA

134. IACOPO MORELLI, Dissertazione intorno ad alcuni viaggiatori eruditi veneziani poco noti, Venezia, Zatta, 1803 (Nozze Marin - Giovannelli), (ristampato in ID., Operette ora insieme raccolte con opuscoli di antichi scrittori, II, Venezia, Alvisopoli, 1820) pp. 50-51. Inizio del capitolo su Ambrogio Bembo (pp. 50 - 79), giovane patrizio che, movendo da Aleppo, dove si trovava con il console Marco Bembo, suo zio, visitó nel 1673 - 1674 la India e la Persia. Il codice del Viaggio, oggi disperso, era illustrato da numerosi disegni del pittore Gio. Giuseppe Grelot, andato in Persia con Jean Chardin, che seguí il Bembo da Isfahan sulla via del ritorno; essi coincidevano perciò con alcuni di quelli pubblicati nei Voyages del Chardin, come poté riscontrare il Morelli.
(Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
135. JEAN CHARDIN, Voyages de Mr. le Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, IX, Amsterdam

scòvo poté tuttavia ottenere protezione e privilegi per i conventi del suo ordine ed i Cattolici in genere. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 53 - 54, 232 - 234, n. 56.

131. 1673, 20 luglio. Venezia. Itinerari per andare in Persia e possibili strade del commercio veneto-persiano, secondo l'esposizione dei Domenicani latoti della lettera precedente:

- via Germania, Polonia, Mosca, Mar Caspio, Darband, Shamachi, Isfahan.

- via Spalato, Adrianopoli, Costantinopoli, Brussa, Toqat, Erzinjān, Erivan, Isfahan.

Registrazione nelle Esposizioni Principi. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 293 - 294, n. 85.

132. Carta della Moscovia o Grande Russia; da NICOLAUS VISSCHER, Atlas Minor sive totius orbis terrarum contracta delineatio, Amsterdam, s.a., tav. XXXIV n.n. Mostra le regioni percorse dall'itinerario verso la Persia attraverso Germania, Polonia, Russia, e la nuova strada proposta alle merci persiane risalendo il Volga con imbarco ad Astrachan. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

133. Carta della Foce del Volga e veduta di Astrachan, da ADAM OLEARIUS, Vermehrte neue Beschreibung der Muscowitischen und Persischen Reyse, Schleswig, 1656, ristampa anastatica, Tübingen 1971. (Riproduzione anastatica).

128. Ritratto dal vero di Nicoló Manucci in India, in abito mogolese, mentre sente il polso a un malato. Dalla miniatura già esistente nel codice Marciano It. Z. 44, ora nella Biblioteca Nazionale di Parigi, "Cabinet des estampes"; incisione in ZANETTI, op. cit. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). ZANETTI, op. cit., p. 236, n. 44; FRATI-SEGARIZZI op. cit., p. 40, It.Z.44 (=8299).
129. 1661, 22 gennaio (1660 "more veneto"). Venezia. Ducali del Senato allo Sciah di Persia e al granduca di Moscovia. Ricordata la strenua resistenza della Repubblica e il piano di bloccare i Dardanelli, si invitano i due sovrani alle armi contro il Turco, poiché la pace ristabilita in Europa (Trattato dei Pirenei, novembre 1659) é auspicio di unione e vittoria. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione). BERCHET, I, pp. 52, 229, n.52.
130. 1670. 10 agosto, Naschirvan. Lettera dell'arcivescovo, fra Matteo Arvaniense domenicano, al Senato, presentata insieme ad un firmano dello Sciah Sulaimān I da due frati, venuti per via di Moscovia e rimasti in cammino tre anni. Riferisce del suo viaggio dall'Europa in Persia e della missione svolta presso lo Sciah chiedendo soccorsi per la Repubblica. La notizia della resa di Candia mosse a sdegno Sulaimān, che desiderava la guerra al Turco, essendo ormai scaduta la tregua di trent'anni. Grazie all'appoggio veneziano, L'Arcive-

visconte di Bellemont, senza aver parte nelle trattative della Repubblica in occasione della guerra di Candia. Passato in India, vi trascorse la vita, esercitando la arte militare e la medicina. In età matura compose la monumentale Storia del Mogol, dettandola in italiano, francese, portoghese, a seconda degli scrivani disponibili; in essa fornisce pure notizie biografiche e narra le sue peripezie. Nel 1705 la inviò al Senato, tramite l'ambasciatore veneto in Francia, perché fosse pubblicata, ma il suo desiderio non fu esaudito, salvo la riduzione italiana del testo ad opera del Cardeira.

ZANETTI, op. cit., pp. 237 - 238, n.45; N.MANUCCI, Storia do Mogor or Mogul India 1653 - 1708, translated with introduction and notes by W. IRVINE, I, London, 1907 (Royal Asiatic Society, The Indian Texts series, I) pp. XVI - L; G. COGGIOLA, Sulla nuova integrale pubblicazione della "Storia del Mogol" del veneziano Nicoló Manucci, Venezia, 1908 (VI Congresso Geografico Italiano, Venezia, 26 - 31 maggio 1907); R. BIBLIOTECA NAZIONALE DI SAN MARCO IN VENEZIA, Catalogo dei codici marciani italiani, I (Fondo antico. Classi I, II e III), a cura di C. FRATI e A. SEGARIZZI, Modena, 1909, pp. 40 - 41, It. Z. 45 (=4803).

Usi e costumi dell'India dalla "Storia del Mogol" di NICOLO' MANUCCI Veneziano, a cura di T. GASPARRINI LEPORACE, Milano, 1964, pp. 92 - 94.

ID. Venetiaanse Handelsbetrekkingen met Perzië en Indië omstreeks 1600, in "Studia historica Gandensiä, 33, ("Orientalia Gandensia", I) (1964), pp. 1 - 27.

125. 1650 (?). Venezia. Rendiconto delle spese di viaggio del Santi, che mostra il complicato itinerario da lui seguito ("di Venetia in Persia et di Persia in Moscovia, di ritorno in Persia et di lí per Gran Magor, de Gran Magor per India, de lí a Lisbona et di Lisbona a Venezia"). (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1907, p.65, n. 287.

126. (1647). Firmano originale di Abbās II al Doge, portato da Domenico Santi. Rinnova le consuete espressioni di amicizia.

Mostra 1907, p. 56, n. 213.

127. NICOLAO MANUCCI, Istoria dell'Impero de' Mogoli o dell'India Orientale, tradotta in italiano dal conte Stefano a Nivibus Cardeira, portoghese, professore di diritto civile nello Studio di Padova, I, cc. 34 v - 35. Fine del cap. 8; descrizione di Julfa Nova, borgo di Isfahan. Inizio del cap. 9, "Del modo di governare la Persia e di alcuni successi"; Elogio di Abbas II e dei Persiani. Manoscritto sec. XVIII (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

Il Manucci é il piú avventuroso dei viaggiatori veneziani dopo i Polo. Soggiornó giovinetto in Persia nel 1654 - 1655, al seguito di Henry Bard,

Partito nell'estate 1646, il Santi ebbe in Persia nobili ma infruttuose accoglienze. Incontró fra Antonio di Fiandra e l'ambasciatore polacco, mercanti francesi, inglesi, olandesi, religiosi di piú ordini; alloggió in casa del veneziano Pietro Pantaleo (forse della stirpe di Domenico, che nel 1603 va a commerciare in India). Fallito il tentativo di rientrare attraverso la Russia, si imbarcò a Goa per Lisbona.

Jean Baptiste Tavernier, che viaggió con lui da Aleppo ad Isfahan, parla a lungo e con antipatia della missione, anticipandone erroneamente la data al 1644 (J.B. TAVERNIER, Les six voyage en Turquie, en Perse et aux Indes, I, Paris, 1679, pp. 179, 200, 212.) e conclude: "Enfin il se rendit à Venise, ou bien loin d'estre bien receu, il s'en manqua peu que le Senat mal satisfat de sa negotiation n'en fit un chastiment tres-severe" (p. 212). Non si trova infatti alcun cenno di gradimento dell'opera sua. Nel 1674 era nuovamente a Isfahan, sul punto di tornare in Europa; Ambrogio Bembo (Morelli - vedi piú avanti, n. 134)-p. 62) lo dice romano.

BERCHET, I, pp.50, 52, 215-216, 225-228; Mostra 1907, p. 65, n.287. Su Domenico Pantaleo, BRULEZ, Marchands Flamands à Venise, I, (1568-1605), Bruxelles-Roma, 1965 (Institut Historique Belge de Roma). Etudes d'Histoire économique et sociale, 6), pp. 471 - 172, n.1446, pp.623 - 626, n. 26;

del 1639 stabiliva infatti una tregua trentennale tra le due potenze. Registrazione nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, p. 218, n.49.

123. 1650, 28 marzo. Venezia. Traduzione di altro simile firmano di Abbās II al Doge, portato da don Ferdinando Gioverida, e resoconto della sua missione in Persia. Registrazione nelle Esposizioni Principi. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

Il persiano Gioverida, sacerdote cattolico, apparteneva forse alla famiglia di Maani Gioerida, sposa siriana di Pietro della Valle, membri della quale si trasferirono in Persia (DELLA VALLE, Viaggi cit., passim. Il Legrenzi ne incontró a Shiraz nel 1678; L. LEGRENZI, Il Pellegrino nella Asia, cioè Viaggi, parte II, Venezia, 1705, p.164. Fu mandato in Patria alla fine del 1647 per incitare lo Sciah alla riconquista dei territori occupati dal Turco; quando ripartí, l'esercito persiano si trovava sotto Qandahār, ma i Turchi dubitavano che, terminata l'impresa, si volgesse contro Babilonia.

124. 1650 (?). Venezia. Relazione di Domenico Santi, latore di ducali veneziane, lettere del papa, imperatore, re di Polonia e granduca di toscana ad Abbās II, al solito scopo di animarlo alla guerra. (Venezia, Archivio di Stato).

cati in occasione del III Congresso Geografico Internazionale), I, ed. II, Roma, 1882, p.399, che ne precisa il cognome. Nel settembre 1636 Adamo Oleario lo incontró ad Astrachan, mentre rientrava dalla Persia quale ambasciatore del re di Polonia in compagnia di un inviato persiano, l'arcivescovo armeno Agostino "Basecius" (ADAM OLEARIUS, Relation du Voyage en Moscovie, Tartarie et Perse... traduit de l'Allemand par A. DE WICQUEFORT, I, Paris, 1659, p. 324).

120. 1645, 2 dicembre. Venezia. Ducale del Senato ad Abbās II, per sollecitarlo a scendere in guerra contro il Turco. Il recapito é affidato all'Ambasciatore veneto in Polonia.

Andarono in Persia il domenicano fra Antonio di Fiandra e un ambasciatore polacco, morto ad Isfahan. Furono bene accolti, ma senza nulla ottenere, poiché lo Sciah si volse, insieme ai Tartari, contro i figli del defunto imperatore Moghul per recuperare il regno di Qandahār (conquistato nel 1650).

BERCHET, I, pp. 50 - 52, 216, n.47.

121. (1647, novembre). Firmano originale di Abbās II al doge, portato nel marzo 1649 da Fra Antonio di Fiandra. (Venezia, Archivio di Stato).

BERCHET, I, p.51; Mostra 1907, p.56, n. 214.

122. 1649, 24 marzo. Venezia. Traduzione del precedente firmano, con generiche espressioni di benevolenza e di augurio. Il trattato turco - persiano

VI. GUERRA DI CANDIA

118. Carta della Persia; da OLEARIUS, op. cit., I, p. 359, (Venezia, Biblioteca Nazionale Mariana. Fotoreproduzione).
119. 1645, 10 ottobre. Iasi in Moldavia (Iasce in Bogodania). Dispaccio originale al Doge e al Senato di fra Giovanni (Giannotti) da Lucca domenicano, offertosi di andare in Polonia, dai Tartari e in Persia a chiedere aiuto, anche in nome della Spagna, per la Repubblica^e ingiustamente aggredita. Descrive il suo viaggio e parla dei preparativi militari ottomani. (Venezia, Archivio di Stato). Su fra Giovanni, missionario in Circassia, Georgia, Mingrelia, S. CIAMPI, Bibliografia critica delle antiche reciproche corrispondenze... dell'Italia colla Russia, colla Polonia ed altre parti settentrionali, II, Firenze, 1839, pp. 51 - 72; P. AMAT DI S. FILIPPO, Biografia dei viaggiatori italiani colla bibliografia delle loro opere (Società Geografica Italiana. Studi biografici e bibliografici sulla storia della geografia in Italia, pubbli-

(Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzioni).

BERCHET, II, pp. 33 - 34, n.8.

116. 1635, 1 dicembre. Venezia. Ricevuta originale di Alī Bālī per la somma di 29.900 reali spagnoli (moneta di largo corso in Levante), di ragione dello Sciah. (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1907, p. 56, n. 212.

117. 1639, 29 maggio. Venezia. Testamento chiuso di Alessandro Studendoli quondam Paolo Della Parrocchia di S. Geremia. (Venezia, Archivio di Stato). Vent'anni prima (giugno 1619) il Della Valle aveva incontrato ad Isfahan il "gobbetto Alessandro Studendoli, mercante veneziano". In occasione della "luminaria" per il rientro di Abbās il Grande nella capitale, gli venne assegnata una delle principali botteghe del "maidan", che risultò "piena, piú di tutte, di pitture, di specchi e di simili cose curiose di Christianitá. Il re fece molte carezze allo Studendoli, abbracciandolo e dicendogli parole molto cortesi". Per il Veneziano doveva essere come "andar in Sensa" (aver bottega alla fiera dell'Ascensione).

DELLA VALLE, Viaggi cit., II, pp. 10, 29 - 30.

Sciah figura un tappeto indiano, a lui mandato da re Moghul. Registrazione nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 49 - 50; 212 - 215, n. 44, II, pp. 28 - 31.

113. Ritratti immaginari di Abbās il Grande e dei generali persiani Arcomat e Imām Qulī Beg, Khān di Shiraz, che nel 1622 riprese Hormuz ai Portoghesi. Da LORENZO CRASSO, Elogi di Capitani Illustri, Venezia, Combi, 1683. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

114. (1633 - 1634). Firmano originale dello Sciah Safī al doge, portato dall'ambasciatore Alī Bālī nel maggio 1634. Conferma l'amicizia e raccomanda di continuare gli scambi. Richiede sia consegnata all'inviato una somma di sua ragione, giacente in Zecca a seguito di operazioni commerciali di agenti persiani a Venezia^c al tempo di Abbas il Grande. (Venezia, Archivio di Stato).

BERCHET, II, pp. 31-33; Mostra 1907, p. 56, n. 211; MEMBRE', Relazione cit., p. XVI.

115. 1635, 23 ottobre. Venezia. Ducale del Senato allo Sciah Safī in risposta al precedente firmano. Decisione di spendere 500 ducati per ricambiare i doni e 100 in "rinfrescamenti" ad Alī Bālī. Altre ducali al console in Siria e al bailo a Costantinopoli in merito alla missione persiana, che suscitò gelosia nel Turco. Originali di Cancelleria.

Stati europei lette al Senato dagli Ambasciatori veneziani nel secolo decimosettimo, raccolte ed annotate da N. BAROZZI e G. BERCHET, Turchia, volume unico, Venezia, 1871, pp. 125 - 254.

110. (1612). Firmano originale di Abbās il Grande al Doge, portato dai persiani Alredin e Sassuar, venuti con mercanzie di sete e diamanti. Conclusa la pace con il Turco (1612), lo Sciah invita alla ripresa dei traffici. (Venezia, Archivio di Stato).
BERCHET, I, pp. 48 - 49, 210 - 211; Mostra 1907, n. 56, n. 209.
111. 1613, 28 febbraio (1612 "more veneto"). Venezia. Udienza concessa in Collegio ad Alredin e Sassuar; il doge auspica l'incremento del reciproco commercio. Registrazione nelle Esposizioni Principi. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione). Interrogati sul "negozio delle sete persiane", i Savi alla Mercanzia proposero (1614, 5 marzo) l'esenzione da "cottimi" e dazi, per attirarle a Venezia attraverso Spalato (via terra da Costantinopoli) o la Siria e contrastare in tal modo la concorrenza portoghese sulle piazze di Hormuz e Lisbona.
BERCHET, II, pp. 22 - 28.
112. 1622, 1 febbraio (1621 "more veneto"). Venezia. Traduzione di un firmano di Abbās il Grande al doge, portato da Sassuar, nuovamente ambasciatore a Venezia per questioni commerciali. Tra i doni dello

Il Sagredo venne nominato dallo Sciah suo "procuratore generale nella Città e Stato di Venezia"; Altro membro della famiglia, Alvise, nel 1627 - 1629 era in contatto con la Corte persiana.

BERCHET, I, pp. 73, 252 - 259.

108. PIETRO DELLA VALLE, Delle condizioni di Abbas Re di Persia, Venezia, Baba, 1628, pp. 20 - 21. Antefatti dell'impresa di Lar (1612), apparentemente provocata da un Veneziano, offeso del Khān di quel territorio e rivoltosi allo Sciah, presso il quale risiedeva altro Veneziano, che l'autore non nomina, "allhora molto favorito, come il primo Europeo che, capitato colá, s'era trattenuto alla sua Corte". (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, p. 74.

109. 1612. Venezia. Relazione di Simon Contarini, ritornato da bailo a Costantinopoli. Elogio di Abbās il Grande, vittorioso sui Turchi; sua giustizia, cortesia, magnanimitá e valore: "Ma quello che sovra il tutto pare sia il nerbo maggiore del re persiano é la propria virtú dell'animo suo, perché signore giustissimo, humano, cortese, valoroso et amato da' suoi et volentieri seguito et ubbidito da tutti.... Mostra ingegno assai, accomoda di sua mano archibuggi et altre arme, si pregia molto essere tenuto soldato", Originale. (Venezia, Archivio di Stato).

BERCHET, II, pp. 19 - 21, n.4; Le relazioni degli

Stato. Fotoriproduzione).

L'Armeno era stato favorito in Siria dal console Gio. Francesco Sagredo. Portava lettere di tale Giacomo Nava da Saló, fideiussore di Angelo Gradenigo e trattenuto quasi prigioniero in Persia, al mercante Bartolomeo Bontempelli dal Calice. Proseguí per Firenze, Roma, Madrid, latore di firmi che esortavano alla guerra al Turco. Non rientrò tuttavia in Persia, forse per disgusti con l'inglese Roberto Sherley, altro rappresentante di Abbās il Grande in Europa (ricordato nei documenti veneziani); nel 1619 passò dall'India portoghese al territorio Moghul, abbandonando una cassa di scritture che l'ambasciatore spagnolo in Persia fece pervenire allo Sciah. Pietro della Valle, chiamato a collaborare alla traduzione in persiano, enumera le lettere scritte nel 1610 dal papa, re di Spagna e altri principi cristiani, e le ducali veneziane relative all'episodio di Fathi Beg, giunte solo allora a destinazione.

BERCHET, I, pp. 47 - 48, 201 - 206; PIETRO DELLA VALLE, Viaggi, II, Persia, Roma, 1658, pp. 49-51.

107. 1612, 18 agosto, Venezia. Lettera di Gio Francesco Sagredo a Galileo Galilei in Firenze; gli dá notizia dei rapporti con Abbās il Grande, intavolati durante il consolato di Siria, e dei propri studi. Da GALILEO GALILEI, Opere, XI, Carteggio, ed. nazionale, Firenze, 1901, pp. 378 - 379, n. 745. (Venezia, Archivio di Stato).

sonaggio, identificato con quello portato da Fathi Beg nel 1603. (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).

A. SCRINZI, Un dono dello Sciah Abbas il Grande al Doge di Venezia, in "Rivista di Venezia", 9 (1930), pp. 551 - 559; GALLO, Il Tesoro cit., pp. 260 - 265.

103. Tappeti di Abbās il Grande conservati nel Museo Marciano.

Fotoriproduzioni da Il Tesoro cit., II, pp. 123 - 127, nn. 133 - 137, tavv. 109, 112, 114, 115.

104. Ciotola persiana di bronzo intagliato a bulino, con iscrizione sul bordo (sec. XVIII). Questa lavorazione fu imitata dall'arte veneziana. (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).

Agemine e intagli medio - orientali del Museo Correr, in "Bollettino dei Musei Civici Veneziani", 12 (1967), fasc. 3, p. 12.

105. (1609). Firmano originale di Abbās il Grande alla Repubblica, portato dall'armeno Khwāja Safar, venuto a riprendere le robe di Fathi Beg recuperate in Siria. (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1907, p.56, n.207.

106. 1610, 30 gennaio (1609 "more veneto"). Venezia. Decreto del Senato circa l'espedizione di Khwāja Safar (parte finale). Ducale ad Abbās il Grande in risposta al precedente firmano. Altra ducale al bailo a Costantinopoli sulla missione persiana. Originali di Cancelleria. (Venezia, Archivio di

censione meccanica, la cui fabbricazione era sconosciuta in Oriente), corazze a maglia ("zacchi") e latore di sontuosi doni. (Venezia, Archivio di Stato).

Durante il viaggio di ritorno per via di Siria, Fathī Beg venne fermato dai Turchi, allora in guerra con la Persia. Parte delle sue robe, salvate dal console veneziano, furono rispedite a Venezia; vi erano tra l'altro quadri di devozione e ritratti femminili.

Mostra 1907, pp. 55, n. 206.

100.1603, 5 marzo. Venezia. Traduzione del precedente firmano, contenete espressioni di amicizia e l'invito a intensificare il reciproco commercio. Elenco dei doni dello Sciah, tra cui un drappo di velluto tessuto in oro, "con le figure di Cristo et di sua madre Maria".

1603, 6 marzo. Decreto del Senato, che destina il presente alla chiesa di S. Marco. RegISTRAZIONI nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 44 - 47, 196 - 198, nn. 32 - 34.

101. Eredi di Paolo Veronese. Quadro rappresentante l'udienza a Fathi Beg, esistente nella Sala delle Quattro Porte in Palazzo Ducale. (Fotoriproduzione). Particolari con le figure dei Persiani, seduti ai lati del doge e con l'offerta del tappeto. (Fotoriproduzione).

102. Particolare di un velluto persiano con il gruppo della Madonna che allatta il Bambino e altro per-

Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

Risulta dai documenti del 1610 che il Gradenigo aveva in consegna buona quantità di seta di monopolio regio; ma egli, vendutala, sperperò il denaro senza ritornare in Persia.

BERCHET, II, pp. 14 - 17, n.2.

97. Archibugio orientale, probabilmente persiano, con batteria a miccia, conservato con altri sei nella Armeria di Palazzo Ducale. Fotografia.

G. DE LUCIA, La sala d'armi nel Museo dell'Arsenale di Venezia. Catalogo storico, descrittivo, documentato, Roma, 1908, pp. 95 - 97.

98. "Scudo assai vago di cannadindia ricamata, con due circassi ornati di veluto e metallo, dono recato alla Repubblica in nome del re di Persia".

Da GIOVANNI GREVEMBROCH, Varie venete curiosità sacre e profane, I, 1755, c. Manoscritto. (Venezia. Civico Museo Correr. Fotoriproduzione). Lo scudo si conserva ancor oggi in Palazzo Ducale.

F. BERCHET, Le Sale d'armi del Consiglio dei Dieci nel Palazzo Ducale di Venezia, in "Atti del Reale Istituto Veneto di scienze, lettere ed arti", 69 (1899 - 1900), p. II, pp. 145 e 159; G. DE LUCIA, La Sala d'armi nel Museo dell'Arsenale di Venezia. Catalogo storico, descrittivo, documentato, Roma, 1908, pp. 32 - 33, 95 - 97.

99. (1602). Firmano originale di Abbās il Grande al doge, portato dall'oratore Fathi Beg, venuto ad acquistare armi, archibugi a ruota (ossia ad ac-

stioni commerciali e latore di un firmano di Abbās il Grande al doge e di un velluto con le figure dell'angelo e della Vergine.

Traduzione del firmano, contenete espressioni di amicizia. RegISTRAZIONI nelle Esposizioni Principi. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 43 - 44, 192 - 194, nn. 29 - 30.

94. 1600, 15 luglio. Venezia. Risposta del Senato al precedente firmano, favorevole all'incremento degli scambi; la ducale sia accompagnata da "qualche gentilezza" per lo Sciah, del valore di circa 200 ducati. Originale di cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 43 - 44, 195.

95. Ritratto immaginario di ambasciatore persiano, disegnato nel Settecento dal Grevenbroech, che lo chiama Eseth Bey, ma riferendo notizie relative all'ambasciata del 1603. (Venezia, Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).

Dedicato al Conte Diodato Sceriman. Da Grevenbroch, Gli abiti cit., II c. 122.

96. 1602, 17 maggio. Venezia. Udienza concessa il 12 in Collegio ad Angelo Gradenigo, mercante ebreo convertito, venuto da Isfahān a provvedersi di "panni, specchi, pitture et specialmente quadri di devotione, et altre cose di queste parti che di lá sono molto stimate". Presenta un bracciale ("manopola"), lavorato all'agemina, dono dello Sciah. RegISTRAZIONE nelle Esposizioni Principi. (Venezia,

91. Ponte e fundamenta degli Ormesini a Venezia, nel Sestiere di Cannaregio. (Fotografia). Traggono il nome dagli "ormesini" panni di seta originariamente importati da Hormuz, poi imitati dall'industria veneziana.

G. TASSINI, Curiosità veneziane, VI ed., Venezia, 1933, p. 498.

V. RAPPORTI CON ABBĀS IL GRANDE

92. 1599, 12 dicembre. Venezia. Relazione di Zorzi Emo, ritornato da console in Siria, cc. 4v - 5. Esalta la fortuna dello Sciah Abbās il Grande, che ha unificato la Persia e dispone di poderoso esercito. Si ritiene che stia per muover guerra al Turco, sollecitato da Georgiani, Curdi e altri popoli impazienti del giogo ottomano. (Venezia, Archivio di Stato).

BERCHET, Relazioni cit., pp. 100; Mostra 1907, p. 64, n. 265.

93. 1600, 8 giugno. Venezia. Udienza concessa in Collegio allo agente persiano Eseth Bey, venuto per que-

- BERCHET, I, p. 40; ID, Relazioni dei Consoli Veneti nella Siria, Torino, 1866, pp. 65 - 73; Mostra 1907, p. 64, n. 272.
88. GIO. TOMMASO MINADOI, Historia della guerra fra Turchi e Persiani, Venezia, Muschio e Barezzi, 1588, pp. 202 - 203. "Argomento" e inizio del libro VI. Situazione per la conseguita vittoria e per la discordia tra Georgiani e Turchi. L'Historia abbraccia il periodo 1576 - 1586. L'autore, medico rodigino vissuto lungamente in Siria con i consoli Todaro Balbi e Pietro Michiel, e a Costantinopoli, poté attingere informazioni da fonti sicure. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
89. 1597, 16 febbraio (1596 "more veneto"). Venezia. Relazione di Alessandro Malipiero, ritornato da console in Siria. Insiste sulla ricchezza dell'emporio di Aleppo, dove affluiscono merci "di Egitto, di Arrabia, d'India, di Persia, del Paese del Geselbasso che si dimanda delle Berrette Verdi, di Servan, di Natolia, d'Inghilterra, di Francia, di Scicilia et da questa città di Venetia in particolare". Vi sono 16 case principali di mercanti veneziani, con un movimento annuo di oltre due milioni di ducati d'oro. (Venezia, Archivio di Stato). BERCHET, I, pp. 41 - 42; ID, Relazioni cit., pp. 79 - 100; Mostra 1907, p. 64, n. 274.
90. Altorilievo di un cammello sulla facciata di un palazzo veneziano alla Madonna dell'Orto, secondo la tradizione Fondaco degli Arabi. (Fotografia).

li. Espone la situazione del Turco rispetto alla Persia; elogia lo spirito bellicoso dello Sciah Ismāil II e la forza del suo esercito. (Venezia, Archivio di Stato).

ALBERI, s.III, I, Firenze, 1844, pp. 193 - 207;

BERCHET, I, p. 40.

85. 1577, 1 settembre. Aleppo. Dispaccio del console Andrea Navagero ai Capi del Consiglio dei Dieci, in cifra, con decifrazione interlineare di cancelleria. Dá qualche ragguaglio sulla guerra tra Murād III ed Ismāil II. (Venezia, Archivio di Stato).

86. 1580, 1 maggio. Venezia. Traduzione di un firmano dello Sciah Muhammad Khodābandé, portato dal vecchio Hājji Muhammad, che aveva conosciuto a Tabrīz l'Alessandri ed era stato altre volte a Venezia.

(Forse é lo stesso personaggio già a colloquio con il Ramusio ed amici). E' la tardiva risposta alla missione dell'Alessandri; lo Sciah comunica di essere in campo con 200.000 uomini verso Babilonia.

1580, 13 luglio. Venezia. Replica evasiva del Consiglio di Dieci, poiché la Repubblica non desidera romper la pace con il Turco. Registrazioni nelle Esposizioni Principi. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp. 38 - 39, 182 - 191, n.27.

87. 1584, 8 dicembre. Venezia. Relazione di Pietro Michiel, ritornato da console in Siria. Riassume le guerre turco - persiane. (Venezia, Archivio di Stato).

Qazvīn; pressō di lui sono rifugiati un figlio (Sultān Bayāzīt) e un nipote di Solimano il Magnifico ed egli ne rifiuta la consegna ai Turchi, desiderando invece la guerra. Manoscritto del 1590. (Venezia, Civile Museo Correr. Fotoriproduzione). Trattasi di appunti di Lorenzo Tiepolo, console in Siria, in base a quanto esposto dal Gallo, venuto dalla colonia portoghese di Chaul a chieder salvacodotto turco per sé e per un altro veneziano, Gerolamo Corso, già speciale del console in Egitto. Il viaggio era durato sei mesi e mezzo (15 gennaio-3 luglio), per mare fino ad Hormuz, quindi per via di terra.

BERCHET, I, p. 74; LODOVICO GALLO, Relazione del suo viaggio da Chiaul sino in Aleppo dell'anno 1561, a cura di N. BAROZZI, in "Lo spettatore", 1857, 10 maggio, pp. 220 - 222.

83. 1572, 24 settembre. Venezia. Relazione del notaio ducale Vincenzo Alessandri, inviato in Persia nell'autunno 1570 dal Consiglio di Dieci per informare lo Sciah dello sbarco turco a Cipro ed incitarlo alle armi mentre il nemico era impegnato sul mare dalla flotta cristiana. Fu rimandato senza risposta, in attesa del volger degli eventi. Inizio. (Venezia, Archivio di Stato).

ALBERI, s. III, I, Firenze, 1844, pp. 103 - 127;

BERCHET, I, pp. 29 - 38, 158 - 182, n. 26.

84. 1576, 8 novembre. Venezia. Relazione di Iacopo Soranzo, ritornato da ambasciatore a Costantinopo-

(1553 - 1556), a cura di U. TUCCI, Paris, 1957
(Ecole pratique des hautes études, VI section.
Affaires et gens d'affaires, 10).

80. Dopo il 1555. Aleppo. Narrazione della guerra di Solimano il Magnifico contro la Persia nel 1553 - 1555; opera di un mercante veneziano, forse Daniele Barbaro, che sottolinea la minaccia derivante alla Cristianità, e specialmente a Venezia, dalla pace turco - persiana conclusa ad Amasia (1555).
cc. 239 v - 240. Descrizione dell'estenuante marcia turca sulle orme dei Persiani, nell'illusione di raggiungerli e dar battaglia. Come altre volte, lo Sciah riuscì vincitore senza combattere, attirando il nemico in un paese desolato e inospitale. Manoscritto sec. XVI. (Venezia, Archivio di Stato).
ALBERI, s. III, I, Firenze, 1840, pp. 193 - 269;
BERCHET, I, 28.
81. Costumi persiani secondo il VECCELLIO, op. cit.
"Habito del re di Persia". "Donna persiana". "Matrona persiana". "Nobile persiano". "Vergine persiana". "Donzella persiana". "Donna maritata persiana". "Capitano o soldato persiano". "Soldato persiano del re, ma a piedi". (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
82. 1561, 4 luglio. "Relatione di Lodovico Gallo da Venetia del viaggio suo da Chiaul d'India fino in Aleppo", cc. 1 v - 2. Itinerario attraverso la Persia. Notizie su Sciah Tahmāsp, allora residente a

lite di stamparsi, ma altre nuove aggiuntevi di Messer Jacopo Gastaldo Piamontese cosmographo, ridotta in volgare italiano da M. PIETRO ANDREA MATTIOLO Senese, medico eccellentissimo... Venezia, Bascarini, ottobre 1547, "Persia. Nova Tabula". Precede la descrizione "Della Persia moderna", che termina: "le genti di queste regioni sono bellicosi et civili, huomini guerrieri. Non si trova tanta civiltá in tutta l'Asia, quanto é in costoro". (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

77. 1555, 9 marzo. Venezia. Relazione di Domenico Trevisan, ritornato da bailo a Costantinopoli, cc. 33 v - 34. Informa sulla guerra turco-persiana; descrive la religione sciita, sua origine e distacco dall'Islam. (Venezia, Archivio di Stato).

ALBERI, s. III, I, Firenze, 1840, pp. 111 - 192;
BERCHET, I, p.28.

78. "Cittadini o mercianti venetiani in Siria"; dal VECCELLIO, op. cit. Anche questa é una moda "antica" rispetto all'autore. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana, Fotoriproduzione).
79. 1555, 8 ottobre - 18 novembre. Aleppo. Copialettere del mercante veneziano Andrea Berengo, i cui traffici si estendono a Bassorah, la Persia e l'India. Copertina, con il disegno di un profilo barbuto. (Venezia, Archivio di Stato).
Lettres d'un marchand vénitien, Andrea Berengo

(1550 - 1557), Incontro di sapienti nella Venezia cinquecentesca. G.B. Ramusio, Michele Sanmicheli, Tommaso Giunti, Michele Membré convitano nell'isola di Murano il mercante persiano Hājji Mohammad che narra dei suoi viaggi fino a Succuir e Campion (Suh-chow e Kan-chow-fu alle soglie della Cina), compiuti con la carovana che porta al Cataio le merci di Persia. Il Ramusio riconosce nella descrizione l'itinerario di Marco Polo. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
ALMAGIA', op. cit., pp. 54 - 55.

74. (1556 - 1569). Processione della Domenica delle Palme in Piazza San Marco, Venezia, Matteo Pagano, s.a. Corteo dogale; Particolare con la figura del doge. La teoria delle dame affacciate ai balconi é interrotta da alcuni Orientali, forse Persiani, come indicherebbe il tipico turbante a punta. (Venezia, Archivio di Stato, Fotoriproduzione).
75. 1546, 31 maggio. Ratisbona. Lettera originale dell'imperatore Carlo V allo Sciah Tahmāsp per raccomandargli i Cristiani suoi sudditi e quelli delle regioni circonvicine. Non fu recapitata, ma rimase, aperta, per motivi che ci sfuggono, negli archivi della Repubblica. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).
76. CLAUDIO TOLOMEO, PTOLEMEO. La geografia di Claudio Ptolemeo Alessandrino. Con alcuni comentii et aggiunte fattevi da Sebastiano Munstero Alamanno, con le tavole non solamente antiche et moderne so-

Mostra 1907, p.65, n. 285; R. ALMAGIA', A proposito del mappamondo in lingua turca della Biblioteca Marciana, in "Atti dell'Istituto Veneto di Scienze, Lettere ed Arti", Classe di scienze morali e lettere, 18 (1959 - 1960), pp. 56 - 59; G. R. SCARCIA, Un documento persiano del 946/1539 dell'Archivio di Stato di Venezia, in "Annali" del R. Istituto Orientale di Napoli, n.s. 17 (1967), estr. pp.6; MEMBRE', Relazione cit.

71. (1539, settembre). Firmano originale dello Sciah Tahmāsp, consegnato al Membré il 14 settembre. Il sovrano si dichiara disposto ad entrare nella lega cristiana contro il Turco. (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1907, pp. 55, n.203; SCARCIA, op. cit., MEMBRE', Relazione cit., pp. XII - XVIII, XLIII-XLV, 185 - 187, Appendice C.

72. (1540, agosto). Secondo firmano originale dello Sciah Tahmāsp, consegnato al Membré nell'atto di dargli licenza, Il sovrano manifesta il suo sdegno per il mutato atteggiamento della Repubblica. (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1907, pp. 55, n. 204; SCARCIA, op. cit.; MEMBRE', Relazione cit. pp. XII - XVIII, LIX - LXX, 188 - 190, Appendice C.

73. G. B. RAMUSIO, Navigazioni et viaggi, II, Venezia, Giunti, 1583, "Dichiaratione d'alcuni luoghi ne' libri di M. Marco Polo con l'historia del rhu-barbaro", cc. 14 v - 15.

68. GIOSAFAT BARBARO, Viaggio dello istesso messer Josaphat Barbaro in Persia, in Viaggi fatti da Venezia alla Tana cit., cc. 44 v - 45. Notizia della acqua miracolosa di "Chuerch", cui si attribuisce virtú di sanare i lebbrosi e mettere in fuga le cavallette. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
69. THEODORO SPANDUGINO, Vite di Ismail et Thamas Soffi et Re di Persia, cc. n.n. 16 v - 17. Elogio dei Persiani; loro rapporti con i Tartari del Khorāsān; itinerario nel deserto dal Khorāsān a Tabrīz. Biografia dei sovrani Safavidi, scritta con intenti politici dall'umanista greco nell'estate 1538, sulla scorta di notizie avute da un Persiano a Venezia, mentre si cercava l'alleanza di Sciah Tahmāsp; é rivolta al Papa (tramite il cardinale Alessandro Farnese) ed al re di Francia. Manoscritto sec. XVI (Biblioteca Nazionale Marciana). ZORZANELLO, op. cit., p. 143. n. 365 (=5957); MEMBRE', Relazione cit., pp. XXX - XXXi, 143-173, Appendice E.
70. 1542, 5 luglio. Venezia. Relazione al Consiglio dei Dieci del Cipriota Michele Membré, andato in Persia nel 1539 e favorevolmente accolto dallo Sciah. Sul punto di stringer l'intesa, la missione fu però troncata dalle voci di negoziati veneziani di pace con il Turco (conclusa il 2 ottobre 1540). Il Membré giunse a Venezia via Hormuz, Goa, Lisbona. Inizio (Venezia, Archivio di Stato).

66. 1536, 18 febbraio (1535 "more veneto") Costantinopoli. La gran rotta de lo exercito del Signor Turcho fatta da le genti del Sophy in Persia, s.l., s.d. (forse Venezia, 1536). "Avviso" a stampa paragonabile ad un immediato "servizio" giornalistico) circa la riscossa persiana e la riconquista di Tabrīz, occupata nel 1534 da Solimano il Magnifico che ne aveva dato orgogliosamente annuncio alla Repubblica. Nella xilografia del frontespizio la città é fantasiosamente rappresentata sul mare, con galere turche assalite e date alle fiamme, e cinta di mura, su cui sventola ancora la bandiera ottomana. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

MEMBRE', Relazione cit., pp. XXVIII, 115 - 120, Appendice C.

67. 1538, 12 maggio. Nicosia. Dispaccio (parzialmente in cifra con decifrazione cancelleresca) del Reggimento e Provveditor Generale in Cipro e Sindici Inquisitori in Levante ai Capi del Consiglio di Dieci, circa il recapito di lettere allo Sciah Tahmāsp, affinché si unisca alla Repubblica nella guerra ai Turchi. (Venezia, Archivio di Stato). Accetta il rischioso incarico l'armeno Vanes, che sa molte lingue e fu altre volte in Persia a prender l'acqua miracolosa contro le cavallette. Egli però fallisce l'impresa, non riuscendo ad attraversare il territorio turco.

MEMBRE', Relazione cit., pp. XXXVIII - XXXIX.

delle "Berrette Verdi" (Tartari del Khorāsan) e di Ismāil. Questi ultimi con formale dichiarazione di guerra. Lo Sciah deplorava l'inattesa aggressione turca dell'anno precedente (battaglia di Caldiran 26 agosto 1514) e l'uso delle artiglierie che aveva determinato la sconfitta persiana ("indicando haver incontro homeni et non pietre et fuoco"). In risposta il sultano Selim fece imprigionare l'ambasciatore e il suo seguito. (Venezia, Archivio di Stato).

65. ALVISE RONCINOTTO, Viaggio di messer Aluigi di Giovanni in India, in Viaggi fatti da Vinetia alla Tana, cit., cc. 97 v - 98. Inizio del primo itinerario (1529), "nel quale narra le mirabili forze, provincie, terre et città del Gran Signore Sophi, et come passó infiniti Spagnoli in soccorso di esso signore contra Turchi". (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

L'autore, veneziano, fattore di Domenico Priuli in Alessandria, "satio già delli molti viaggi fatti in Levante" (vicino Oriente), volle conoscere le scoperte portoghesi in India, e da Rida (Zida, ossia Gedda, porto della Mecca) navigó fino a Calicut. Tornó per via di terra, e fu rimandato in Persia da Sigismondo I re di Polonia con un suo ambasciatore. Dá notizia di un tentativo turco di tagliare l'istmo di Suez. Compí un secondo viaggio, da Lisbona a Sumatra (1532), con Andrea, nipote di Cristoforo Colombo. MEMBRE', Relazione cit., pp. XXI, 105-114, app. B.

schiosa via di Siria, mentre lo Zeno raccomandava di preferire quella di Armenia. Nel luglio 1510 venne infatti intercettata la replica dello Sciah; ne derivò un grave incidente con il soldano, il blocco del commercio veneto, l'arresto dei consoli a Damasco e Alessandria. La questione fu risolta solo nel 1512 grazie all'Ambasciata di Domenico Trevisan al Cairo.

BERCHET, I, pp. 24 - 26; F. LUCCHETTA, "L'affare Zen" in Levante nel primo Cinquecento, in "Studi Veneziani, 10 (1968), pp. 178 - 184, nn. 3 - 4.

63. PAULI IOVII Historiarum sui temporis tomus primus, Parigi, Michele Vascosano, 1553, cc. 136 v - 137. Libro XIII. Guerra turco - persiana; missione persiana a Venezia; oculata risposta del senato, che nelle attuali circostanze, mentre la Repubblica è ingiustamente assalita in Italia, non intende romper la pace giurata con il Turco nel 1503; incidenti in Siria e in Egitto a motivo della temuta collusione veneto - persiana. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, p.25; LUCCHETTA, op. cit., p. 137.

64. 1516, 29 gennaio (1515 "more veneto"). Damasco. Copia di lettera di Andrea Arimondo, console veneziano in Siria, a Donato Marcello, luogotenente in Cipro, unita al dispaccio di quest'ultimo in data 14 febbraio ai Capi del Consiglio di Dieci. Notizie da Costantinopoli, riferite da un oratore del soldano; vi erano alla porta ambasciatori

ria et in altre parti"; da CESARE VECELLIO, Habiti antichi et moderni di tutto il mondo, Venezia, Sessa, 1598. (La prima edizione era del 1590).

Il Vecellio, fratello di Tiziano, disegna un abbigliamento "antico" rispetto al tempo suo. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

62. 1508, 27 Febbraio (recte: gennaio) "more veneto" (1509). Damasco. Dispaccio di Pietro Zeno, console in Siria, al doge e al senato, circa l'arrivo dei messi segreti persiani diretti a Venezia, con un firmano di Sciah Ismāil al doge (lettera "tanto elegante e tersa nel suo stile quanto farsi potesse mai), per ricercare alleanza contro il Turco, come ai tempi di Uzun Hasan. Trattative prudentemente svolte; elogio di Ismāil, recente conquistatore di Bagdad; suoi piani di guerra.

Traduzione del firmano, datato 1508, 25 novembre (914 egira, 28 "rezeb"†). Bagdad. Contiene poetiche espressioni di amicizia, richieste di collaborazione e di mandare persone pratiche di artiglieria, per supplire alle deficienze dell'esercito persiano. Trascrizione nel copiaro dei dispacci dello Zeno, figlio di Caterino, già ambasciatore in Persia. (Venezia. Civico Museo Correr. Fotoriproduzione).

Formulata nel momento piú tragico della guerra di Cambrai, quando l'Europa era coalizzata contro Venezia, la proposta persiana non poté essere accolta. Ebbe però risposta benevola, sempre per la ri-

ta in Caramania per avere notizie intorno a Sciah Ismāil, "inimico capital de la Casa Otumanina". Egli era stato mandato nel giugno precedente tramite il Reggimento di Cipro, essendo la Repubblica in guerra coi Turchi. Copia nei Diari del Sanudo. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp.23, 153 - 157, n.20; MARINO SANUDO, I Diari, IV, Venezia, 1880, coll. 536 - 537.

59. BARTHOLOMEO I PAXI, Tariffa de pexi e mesure, Venezia, Albertino da Lisbona vercellese, 1503, cc. 112 - 113. Manuale ad uso dei mercanti. Trattando delle piazze di Aleppo e Damasco (alla carta precedente) dá notizie relative alle merci persiane ("de Azimia") cioè spezie, sete, perle. La glossa manoscritta spiega dubitativamente "Azimia" (i.e. Ajam "Persia") con "Asia", poi corretto in "Persia". (Venezia, Archivio di Stato).

Mostra 1954, p.19; Mostra 1956, p.14, n.35.

60. Viaggio d'un mercante che andó nella Persia, in RAMUSIO, op. cit., II, cc. 82 v - 83. Descrizione di Tabrīz. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

L'autore, presumibilmente veneziano, dimoró a lungo in Persia tra il 1507 - 1520. In forma semplice ma veritiera, "come si conviene ad un leal mercante", racconta le imprese di Uzun Hasan e di Ismāil.

61. "Ambasciatori et consoli veneziani mandati in Si-

IV. TRAFFICI E GUERRA TURCA NEL SECOLO XVI

56. Giacomo Gastaldi, Carta dell'Asia, parte I, Venezia, 1569. Comprende la Persia ("il paese del Signor Sophí"), segnandone la linea di confine con il Turco. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoreproduzione).
- R. GALLO, Carte geografiche cinquecentesche a stampa della Biblioteca Marciana e della Biblioteca del Museo Correr di Venezia, Venezia, 1954, (Istituto Veneto di Scienze, Lettere ed Arti), pp. 26 - 27, n. 70; Mostra "L'Asia nella cartografia..." cit., pp. 54 - 55, n.49.
57. Carta dell'Impero Turco; da ORTELIUS, op. cit., f. 50. Indica la situazione della Persia rispetto al Turco e le vie del commercio persiano verso la Siria, il Mar Nero, il Mar Caspio. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoreproduzione).
58. 1502, 16 ottobre. Venezia. Seconda relazione (la prima é del 14 ottobre) di Costantino Lascharis, nobile costantinopolitano, circa la missione svol-

dizi di ravvicinamento turco - persiano. Riferisce di un'ambasciata di Uzun Hasan al Gran Signore in Adrianopoli, forse per proporre un'alleanza matrimoniale ovvero un'impresa comune contro il Soldano, pericolosa al commercio veneziano in Egitto e in Siria. (Venezia, Archivio di Stato).

55. FILIPPO BUONACCORSI (CALLIMACO ESPERIENTE), Libellus de his quae a Venetis tentata sunt Persis ac Tartaris contra Turcos movendis, cc. 4 v - 5. Inizio della Prefazione. Lamenta l'inerzia italiana dopo la battaglia di Varna (10 novembre 1444) e la caduta di Costantinopoli, svanito il primo impeto di terrore e di sdegno. Solo Venezia prende le armi (1461) e, poco confidando nelle potenze cristiane, tenta di rivolgersi alla Persia e ai Tartari. Manoscritto sec. XV. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

L'operetta dell'umanista toscano fu composta nel 1487 - 1492 e abbraccia gli avvenimenti fino alla morte del doge Marco Barbarigo (agosto 1486).

VALENTINELLI, op. cit., VI, Venezia, 1873, p.185, cod. 216; (Lat. CL.X, 125 = 3247).

PHILIPPI CALLIMACHI, De his quae a Venetis tentata sunt Persia ac Tartaris contra Turcos movendis, a cura di A. KEMPEI e TH. KOWALEWSKI. Traduzione di M. CYTOWSKA, Varsavia, 1942 (Academia Scientiarum Polona. Institutum studiis classicis promovendis.)

tarini e Barbaro, ritornano con l'esercito persiano da Isfahān a Tabrīz. Ritratto di Uzun Hasan. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

52. 1480, 11 gennaio (1479 "more veneto"). Venezia. Decisione del Senato di non addebitare a Giosafat Barbaro 1.000 ducati di ragione pubblica, rubatigli dai Curdi mentre andava ambasciatore in Persia. Nell'aggressione egli rimase ferito e furono uccisi tre dei suoi e l'ambasciatore persiano con il quale viaggiava. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).
53. 1481, 8 novembre, Venezia. Lettera di Ambrogio Contarini a Benedetto Soranzo in Roma, di congratulazione per uffici ecclesiastici conseguiti e per sollecitare la restituzione del manoscritto del Viaggio in Persia ("quel mio libereto del Viazio de Usonchasan... perché non ne ho copia et molto dexidero di haverlo").⁶ L'operetta sarà stampata qualche anno dopo a Venezia, presso Annibale Fossio Parmense. Originale. (Venezia, Archivio di Stato).

G. DALLA SANTA, Benedetto Soranzo, patrizio veneziano, arcivescovo di Cipro, e Girolamo Riario. Una pagina nuova della guerra di Ferrara degli anni 1482 - 1484, in "Nuovo Archivio Veneto", n.s. 28 (1914), p.323.

54. 1484, 23 ottobre, Costantinopoli. Dispaccio al doge e al Senato (uno dei primi conservati in originale) del bailo Pietro Bembo, con allarmanti in-

49. 1474, 11 febbraio (1473 "more veneto"). Venezia. Commissione del Senato ad Ambrogio Contarini, nuovo ambasciatore ad Uzun Hasan per convincerlo a ricominciare la guerra. Seguono altre Commissioni, segreta e segretissima. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione). Il Contarini andò per via di terra; anche la sua missione fu militarmente senza frutto. Tornò nel 1477, seguendo il cammino di Astrakhān e Mosca, poiché Caffa era stata presa dai Turchi (6 giugno 1475). CORNET, op. cit., pp. 119 - 123, n.98; BERCHET, I, pp. 16 - 17, 139 - 145, n.14; Mostra 1907, p. 70, n. 323.
50. AMBROGIO CONTARINI, Viaggio del magnifico Messer Ambrogio Contarini Ambasciator di Venetia ad Ussuncassan Re di Persia hora chiamato Sophí, in Viaggi fatti da Vinetia alla Tana, in Persia, in India et in Costantinopoli..., Venezia, nelle case de' figliuoli di Aldo, 1545, cc. 58 v - 59. Proemio ed inizio del "Viaggio", (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
51. AMBROGIO CONTARINI, Itinerario del Magnifico et Clarissimo messer Ambrosio Contarini, dignissimo orator della illustrissima Signoria de Venetia, mandado nel anno 1471 ad Ussuncassan Re di Persia, chiamato modernamente Sophí, Venezia, Francesco Bindoni e Mapheo Pasini, 1.ottobre 1524
 Novembre 1474 - Marzo 1475; gli ambasciatori, Con-

(1524), descrivendo pure le imprese del sultano Selim e la conquista turca dell'Egitto (1517).

F. BABINGER, Angiolello Giovan Maria, in Dizionario biografico degli Italiani, 3, Roma, 1961, pp. 275 - 278.

47. CORIOLANO CIPPICO, Delle guerre de' Veneziani nell'Asia dal MCCCCLXX al MCCCCLXXIV, libri tre, a cura di J. MORELLI, Venezia, Palese, 1796.

Opera di un sopracomito (comandante di galea) dell'armata di Pietro Mocenigo, che partecipò alla campagna nella quale vanamente si attese l'unione delle forze veneto-persiane.

Frontespizio con l'allegoria di Venezia.

Alle pagine LIV - LV vi è la descrizione della battaglia di Tarjan, secondo le lettere di Caterino Zeno; la vittoria turca fu dovuta soprattutto alle artiglierie, che terrorizzarono la cavalleria persiana. (Venezia, Archivio di Stato).

48. 1473, 16 ottobre, Caffa. Versione volgare, eseguita per ordine del console veneziano Cristoforo de Calle, di una lettera dell'agosto precedente di Uzun Hasan al doge, portata da Caterino Zeno che ritorna in veste di suo ambasciatore alle potenze occidentali. Lo Sciah dà notizia dei primi successi contro il Turco e quindi della battaglia perduta, dicendosi pronto a riprender la guerra. Registrazione nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp.14-16, 137-139, n.13; PREDELLI, Regesti cit., V, Venezia, 1901, pp.212-213, n.65.

- e nella Persia (1474 - 1478), in "Nuovo Archivio Veneto" n.s., 14 (1914), pp.100 - 102, n.4, (doc.I).
45. 1473, 27 luglio. Dal campo di Uzun Hasan nelle campagne di Erzinjan. Dispaccio di Caterino Zeno al Doge. Parte finale. La ducale del 9 febbraio con la notizia dell'invio del Barbaro, "non é stata lettera, ma fu Spirito Santo" per convincere Uzun Hasan, che già meditava la guerra ai Tartari, a volgersi invece contro il Turco. Lo scontro é imminente. Potenza dello Sciah; descrizione dei suoi stati; elogio dell'ordine e disciplina nel campo persiano, simile ad un santuario. Copia nel codice precedente. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
- BERCHET, I, pp.130 - 135, n.11; VALENTINELLI, op. cit., pp.75 - 76, cod. 103. n.21.
46. GIOVAN MARIA ANGIOLELLO, Breve narratione della vita et fatti del Signor Ussuncassano, in RAMUSIO, Navigazioni et viaggi cit., II, cc. 68 v - 69. Descrizione della battaglia di Tarjan, sull'Eufrate (agosto 1473), vista dal campo turco, dove si trovava l'autore, vicentino, fatto schiavo a Negroponte. Uzun Hasan, superiore nella prima giornata, fu sconfitto dieci giorni dopo. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).
- La Breve narratione (considerata una diversa redazione di parte della Historia Turchesca dello stesso autore) prosegue fino alla morte di Sciah Ismail

44. 1473, 14 luglio. Erzinjan. Relazione di un inviato di Giosafat Barbaro, mandato al campo di Uzun Hasan, con notizie sull'andamento della guerra. Il Barbaro la ricevette a Silifke, sulla costa di Caramania. Parte finale.

1473, 14 giugno, Carpurt, Lettere di Uzun Hasan al doge, agli ambasciatori del papa e del re di Napoli e al Barbaro, esprimenti volontà di combattere.

1473, 14 giugno. Carpurt. Lettera al doge di Pīr Ahmad, signore di Caramania, rifugiatosi presso Uzun Hasan per avere i Turchi occupato il suo territorio.

1473, 14 luglio. Silifke. Lettera di Qāsin-Beg, fratello di Pīr Ahmad, al doge. Inizio.

Carteggi trasmessi al Senato dal Barbaro, quando sembrava prossima a realizzarsi l'azione comune veneto - persiana. Copie in un codice sec. XV. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

E. CORNET, Lettere al Senato Veneto di Giosafatte Barbaro ambasciatore ad Usunhasan di Persia tratte da un codice originale della I.R. Biblioteca di Vienna e annotate, Vienna, 1852; pp.63 - 65 (documenti II - IV dal copiaro dei dispacci del Barbaro; allegati al dispaccio 16 luglio 1473 da Famagosta); VALENTINELLI op. cit., III, Venezia, 1870, p.75, cod. 103. Lat. CL.X,299 (3512);nn.17-20; N.DI LENNA, Giosafat Barbaro (1413 - 1494) e i suoi viaggi nella regione russa (1436 - 1451)

(Nuovo Ramusio).

42. Giosafat Barbaro. Viaggi. CC 27v-28: Ultime righe del Viaggio alla Tana ed inizio del Viaggio in Persia. La data 1471 (erronea) deve leggersi 1472 "more veneto" (1473). (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). Manoscritto, sec. XVI.

La prima edizione nota é in Viaggi fatti da Venetia alla Tana, in Persia, in India ed in Costantinopoli..., Venezia, nelle case de' figliuoli di Aldo, 1543, ripetuta nel 1545.

Catalogo dei manoscritti italiani della Biblioteca Nazionale Marciana di Venezia, Classe VI, a cura di P. ZORZANELLO, Firenze, 1950 (Inventari dei manoscritti delle Biblioteche d'Italia, 67) p. 76, n.210 (=5913).

43. 1473. 5 luglio. Venezia. Ducale al Soldano d'Egitto, per informare che l'avanzata di Uzun Hasan verso il Mediterraneo non é rivolta contro i suoi stati, ma ai danni dell'Ottomano; eventuali atti ostili non sono imputabili a Venezia. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato, Fotocoproduzione).

Alleandosi alla Persia, la Repubblica deve preoccuparsi di non offendere il Soldano d'Egitto, signore dei mercati di Siria. Alla notizia dell'impresa di Uzun Hasan furono incarcerati console e mercanti veneziani a Damasco e confiscati i loro averi.

CORNET, op. cit., p. 97, n.76.

40. 1473. 10 febbraio 1472. "more veneto". Venezia. Ordine del Senato a Giosafat Barbaro, nuovo ambasciatore in Persia, di imbarcarsi entro l'indomani sulla galea Contarina insieme all'oratore persiano Hājji Muhammad. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione). Andavano con il Barbaro ambasciatori del papa e del re di Napoli. Egli doveva proporre un piano di operazioni concomitanti veneto - persiane per terra e per mare, nel tentativo di liberare l'Anatolia, forzare i Dardanelli, conquistare Costantinopoli; portava seco armi da fuoco, artiglierie, truppe specializzate. Dopo una lunga sosta a Cipro e diversioni della flotta in Caramania, giunse però troppo tardi in Persia. Tornò a Venezia nel 1478 - 1479.
41. 1473, 11 febbraio (1472 "more veneto". Venezia. Testamento di Giosafat Barbaro, rimasto incompiuto. Prima di affrontare la difficile impresa, egli dispone circa la famiglia ed i beni. Lo stesso giorno riceve la Commissione segreta, su come regolarsi in caso di negoziati persiani di pace separata, ovvero di attacco al Soldano d'Egitto con pericolo dei mercanti veneziani ad Alessandria e in Siria. (Venezia, Archivio di Stato).
Mostra 1907, p. 70, n.321; GIOSAFAT BARBARO e AMBROGIO CONTARINI, Viaggi in Persia, a cura di L.LOCKHART, R.MOROZZO DELLA ROCCA, M.F.TIEPOLO, in corso di stampa nelle collezioni dell'Ismeo

Lo Zeno, la cui moglie era nipote della "Despina", figlia dell'imperatore di Trebisonda, ebbe la prima Commissione il 18 maggio, ma la sua partenza fu sospesa mentre si svolgevano trattative di pace con il Turco. Seguì lo Sciah in campagna fino alla battaglia di Tarjan (agosto 1473) e rientrò in patria l'anno dopo.

E. CORNET, Le guerre dei Veneti nell'Asia, 1470 - 1474. Documenti cavati dall'Archivio ai Frari in Venezia, Vienna, 1856, pp.28 - 30, n.16; BERCHET, I, pp. 6-7, 111 - 114, n.7; Mostra 1907, p.69, n. 318.

39. NICOLO' ZENO, Commentarii del Viaggio in Persia di Messer Caterino Zeno il Kavalier et delle guerre fatte nell'Imperio Persiano dal tempo di Ussuncassano in qua, Venezia, Marcolini, 1558, cc. 5 v - 6. Inizio del Libro primo. L'autore prende le mosse dal 1450, principio dell'ascesa di Uzun Hasan (la cui grandezza ha paragonato nel Proemio a quella di Dario), in lotta con il fratello Jahāngīr. Il Libro secondo é dedicato alle vicende dei figli di Uzun Hasan e a quelle di Sciah Ismāil. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

E' incerto se Caterino Zeno stendesse personalmente il racconto del "Viaggio" a noi noto attraverso la ricostruzione di un nipote sulla scorta delle lettere di lui.

36. La "scodella di turchina" con motivo di lepri in corsa del Tesoro di San Marco, tradizionalmente ritenuta di turchese (in realtà imitata in pasta vitrea) e dono di Uzun Hasan; si trovava invece nel Tesoro già nel 1325. Sul fondo é inciso in scrittura cufica "Khorāsān": é ora riconosciuta quale oggetto di arte islamica del secolo IX, con montatura bizantina del secolo X. (Fotoriproduzione da Il Tesoro cit., tav. 89).
BERCHET, I, p.8; ISMEO, Mostra d'Arte Iranica, Roma, Palazzo Brancaccio, 1956. Catalogo, Milano, 1956, p.268, n.486.
R. GALLO, Il Tesoro di S. Marco e la sua storia, Venezia - Roma, 1967 (Fondazione Cini. Civiltà Veneziana, Saggi, 16), pp. 206 - 212; Tesoro di S. Marco cit., II, pp.103 - 104, n.117.
37. Calice di vetro verde con motivo di lepri stilizzate del Tesoro di San Marco. Coppa di arte islamica, probabilmente persiana, dell'VIII - IX secolo; montatura bizantina del secolo XI, che la trasforma in calice eucaristico. (Fotoriproduzione da Il Tesoro cit., II, tav. 91).
Il Tesoro cit., II, pp. 104 - 105, n. 118.
38. 1171, 10 settembre. Venezia. Seconda commissione del Senato a Caterino Zeno, mandato ambasciatore a Uzun Hasan per incitarlo ad unirsi alla Crociata aprendo un secondo fronte in Asia Minore. Originale di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

III. GUERRA TURCA NEL SECOLO XV

34. 1486. Erhard Reuwich da Utrecht. Veduta prospettica di Venezia, in BERNHARD VON BREYDENBACH, Sanctarum peregrinationum in montem Syon ad venerandum Christi sepulcrum in Jerusalem... opusculum, Magonza, 11 febbraio 1486. La veduta fu eseguita dal vero durante la sosta dei pellegrini a Venezia nel maggio 1483; non manca però di elementi fantastici, come i tetti azzurri e lo sfondo di montagne irreali. (Riproduzione a stampa da Venetia MCCCCC (La Società Adriatica di Elettricità nel cinquantenario della sua fondazione, 1905 - 1955), Venezia, 1955.

CASSINI, Op. cit., pp.26 - 27, n.2.

35. 1464, 26 settembre. Venezia. Decreto del Senato circa la partenza di "Mametavacach", ambasciatore persiano. Ducale ad Uzun Hasan per incitarlo alla guerra al Turco; Originali di Cancelleria. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

BERCHET, I, pp.3-4; pp.105 - 106, n.4.

dadi in Sciamachi he in Torixe" (partecipazione alle carovane di Shamakhī e Tabrīz), nei quali negozió stoffe affidategli da altri, conguagliando perdite e guadagni. Il documento illumina sui traffici da Trebisonda alla Persia e sugli usi commerciali. Protocollo notarile. (Venezia, Archivio di Stato).

32. 1459. Fra Mauro. Mappamondo. Particolare della Persia. Il planisfero miniato del monaco camaldolese di S. Michele di Murano, "cosmographus incomparabilis", é insigne monumento dell'ultimo Medio Evo e riassume conoscenze e fantasie dei Veneziani in campo geografico. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Riproduzione a stampa da Il Mappamondo di Fra Mauro, a cura di T. GASPARRINI LEPORACE. Presentazione di R. ALMAGIA', Roma, 1956 (Comune di Venezia. Settimo centenario della nascita di Marco Polo, 1254 - 1954), tav. 27.

Il Mappamondo cit.

33. Vittore Carpaccio. Miracolo della Croce. Particolare con il Ponte di Rialto (in legno ed apribile, per consentire il passaggio delle navi), oltre il quale si scorgono le case dove sorgerà il Fondaco dei Tedeschi e piú avanti, secondo la tradizione, quello dei Persiani a San Giovanni Grisostomo, (Venezia, Gallerie dell'Accademia. Fotori-produzione).

Mostra di Vittore Carpaccio cit., pp. 84-95, n.17.

a riprendere i traffici nel suo impero, interrotti dopo la morte di Abū Said Khān, quando la Persia si divise in stati rivali. Garantisce esenzioni fiscali e cammino sicuro. Versione volgare, registrata nei Commemoriali.

1370 (?), 22 agosto. Trebisonda. Cauta risposta del bailo: scenda da Tabrīz una carovana e i Veneziani si metteranno in viaggio, come son pronti a fare da due anni; stanno per arrivare sei galeere di mercanzie. Registrazione nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

THOMAS, op. cit., II, a. 1351 - 1454, Venezia, 1899, (Documenti, 9), pp.158 - 159, nn.92 - 93; PREDELLI, op. cit., III, Venezia, 1883, (Documenti, 7), pp. 81, 86, nn. 495-522; HEYD, op. cit., II, pp. 128 - 129; Mostra 1954, p. 30.

30. 1372 - 1373 (?). Tabrīz. Altra lettera di Uvais Khān al bailo di Trebisonda, per invitare alla ripresa dei traffici. I responsabili di alcuni incidenti sono stati puniti e le strade sono sicure. Versione volgare, registrata nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

PREDELLI, op. cit., III, p.111, n.719; HEYD, op. cit., II, p. 129; THOMAS, op. cit., III, p. 163, n. 97.

31. 1413, 14 ottobre. Trebisonda. Testamento del bailo veneziano Paolo Papacizza. Spiega di aver regolato secondo coscienza la contabilità di due "viazi man-

rianus de Tauresio" e Pietro Cornaro, per la cura di una grave forma di afonia. L'onorario previsto é di 50 ducati d'oro, a guarigione avvenuta. Benet é detto "surianus" in quanto sbarcato a Creta dalla Siria, ma si dichiara la sua provenienza da Tabrīz. I Persiani eccellevano nell'esercizio della medicina. Protocollo notarile. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

G. RIZZI, Contratti medioevali fra Medico e Malati, in "Minerva Medica", A. 38, vol. I, n. 22 (1947, 2 giugno) Estr. pp. 3-4.

27. 1672. Carta del Mar Nero con le regioni adiacenti verso settentrione ed Oriente; da JEAN CHARDIN, Voyages de Mr. le Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient, I, Amsterdam, 1711, tav. I. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

28. 1363, 1 dicembre. Venezia. Testimonianza di Andreolo Dandolo ai Giudici di Petizion, circa l'incontro della sua carovana con quella di Franceschino de Noder sulla via dalla Tana ad Ourgendi nell'ottobre 1362. Il documento conferma che i Veneziani si inoltravano nel cuore dell'Asia. Ad Ourgendi, popoloso mercato, accorrevano merci e negozianti di Persia. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

Mostra 1954, p.25.

29. 1370 (?), maggio. Tabrīz. Lettera di Uvais Khān al bailo di Trebisonda per esortare i Veneziani

23. 1332, 20 giugno. Venezia. Transazione, raggiunta davanti al doge, tra il persiano Hājī Sulaimān Tāibī, che ha diritto di riscuotere un'imposta sulle merci veneziane a Tabrīz, e due di casa Sanudo, circa il risarcimento di un danno da essi subito ad Erzerum. Registrazione nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).
- THOMAS, op. cit., I, p. 222, n.111; PREDELLI, op. cit., II, Venezia, 1878 (Documenti, 3), pp. 43, nn. 254 - 255; HEYD, op. cit., II, p. 128.
24. 1339, 27 gennaio (1338 "more veneto"). Venezia. Testimonianza di Marino Contarini ai Giudici di Petizion in una lite tra mercanti a seguito di incidenti successi a Tabrīz, quando Servodeo di Valore fuggì per debiti e alcuni Veneziani, compreso il teste, furono imprigionati. Se ne ricavano notizie sugli usi della piazza, l'organizzazione delle carovane, le abitudini dei mercanti. Originale. (Venezia, Archivio di Stato, Fotoriproduzione).
- Mostra 1954, p.24.
25. 1339, 19 luglio. Venezia. Terminazione dei Giudici di Petizion, escludente qualsiasi diritto di Perazzo Gradenigo sulle merci che Marco Morosini inviò ad Hormuz e Soutāniè. Originale. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).
- Mostra 1954, p. 25.
26. 1355, 13 e 18 giugno. Candia. Contratto notarile, annullato e poi ripetuto, tra "Benet, medicus su-

pp. 72 e segg.; ripubblicato in ID, Traité de paix et de commerce et documents divers concernant les relations des Chrétiens avec les Arabes de l'Afrique Septentrionale au Moyen Age. Supplément et tables, Paris, 1872, pp. 10-30, n.5; G.M. THOMAS, Diplomatarium Veneto - Levantinum sive acta et diplomata res venetas, graecas atque Levantis illustrantia, I, a.1300 - 1350, Venezia, 1880 (R. Deputazione Veneta di Storia Patria. Monumenti storici, s.I, Documenti, 5), pp. 173 - 176, n.85; HEYD, op. cit., II, pp. 124 - 127, con rinvio alla sua precedente opera Colonie commerciali degli Italiani in Oriente nel Medio Evo, II, 1868, p.82; Mostra 1954, p.30; Mostra 1907, p.55 n. 202.

22. 1324, 6 giugno. Tabrīz. Dispaccio al doge Giovanni Soranzo del console veneziano a Tabrīz Marco Molin, posto a capo di una colonia veneziana numerosa e irrequieta. Deplora risse e pericolosi disordini tra mercanti veneziani che, sprezzando l'autorità del console, osano farsi giustizia sommaria e ricorrono alla madre del Khān. Registrazione nei Commemoriali. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoreproduzione).

R. PREDELLI, I libri Commemoriali della Repubblica di Venezia, Regesti, I, Venezia, 1876 (Deputazione Veneta di Storia Patria, Monumenti storici, s.I, Documenti 1., pp. 256 - 257, 400; THOMAS, op. cit., I, pp. 192 - 194, n.93; HEYD, op.cit., II, pp. 127 - 128; Mostra 1954,

canti cristiani diretti in India, "cum multi sint qui iam iverunt et redierunt", Il Sanudo non considera le strade dalla Persia al Mar Nero.

ANTONIUS MARIA ZANETTI, Latina et italica D, Marci Bibliotheca codicum manuscriptorum per titulos digesta, Venezia, Occhi, 1741, p.216, n.547 (= 1924); VALENTINELLI, op. cit. V, Venezia, 1872, pp.222 - 223, n.23; A. MAGNACAVALLLO, I codici del "Liber secretorum fidelium Crucis di Marin Sanudo il Vecchio, in "Rendiconti del R. Istituto Lombardo di Scienze e Lettere", s. II, 31 (1898), estr. pp.15; ID, Marin Sanudo il Vecchio cit. passim.

21. 1320, 22 dicembre. Testo Veneziano del Pactum Taurisii, trattato con Abū Saīd Khān, concluso a Tabriz dall'Ambasciatore Michele Dolfin. Concede ai Veneziani garanzie e privilegi, l'apertura di un consolato, facoltà di eriger monasteri. Se ne desumono notizie sulla struttura fiscale e amministrativa dello stato mongolo e sulle misure in atto per la sicurezza delle carovane. Registrazione nel Liber Albus. (Venezia, Archivio di Stato, Fotoproduzione).

C.A. MARIN, Storia civile e politica del commercio de' Veneziani, IV, Venezia, 1800, pp.286 - 288, che lo ritiene un trattato con "Monsuyth Re di Tunisi"; L. DE MAS LATRIE, Privilège commercial accordé en 1320 à la République de Venise par un roi de Perse, faussement attribué à un roi de Tunis, in "Bibliothèque de l'école des Chartes", 31 (1870)

raneamente ad un privilegio del Khān Uljāitū a Venezia) e il 1309, sono una redazione preliminare del primo libro dei Secreta Fidelium Crucis. In preparazione alla Crociata il Sanudo giudica necessario stroncare l'economia dei Saraceni, isolando e boicottando l'Egitto, sí da privarlo delle essenziali materie prime importate (ferro, legname), degli schiavi e dei diritti doganali sulle merci in uscita. Il commercio indiano dev'essere dirottato per via di Persia e di Siria. Oltre a indebolire gli infedeli, conseguenza sottintesa di questa politica, sará il prevalere dei Veneziani sulla via delle spezie dal Golfo Persico alle coste siriane, ora frequentata dai Genovesi; ciò in attesa di poter conquistare l'Egitto. La Crociata diviene cosí occasione di prosperitá veneziana.

cc. 5 v - 6. (Fotoriproduzione). Cap. I. Spiegazione del piano del Sanudo é descrizione degli itinerari delle mercantorie, imbarcate a Malabar o Cambeth: attraverso l'Egitto, da Aden al Nilo con le carovane e per via fluviale al Cairo (Nuova Babilonia) e Alessandria; attraverso la Persia, da Hormuz, allora in terraferma, oppure da Kis a Tabriz (dato l'alto costo, era la strada delle merci preziose e leggiere), ovvero lungo l'Eufrate dalla foce a Bagdad (l'Antica Babilonia), e di lá toccando via terra il Mediterraneo. Si aggiunga che, a differenza del Soldano, il Khān di Persia concede libero transito per i suoi stati ai mer-

una lettera dell'ottobre di Ghāzān al re di Cipro per chiedere l'invio di truppe in Siria; collaborazione fallita, come altre volte in passato. Copia in un codice del Chronicon Venetum di Andrea Dandolo. Manoscritto secolo XVI. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

Nello stesso mese di marzo fu decisa un'ambasciata veneziana "ad Tartarum, a Ghāzān, come risulta dalla rubrica dei Misti perduti (Le Deliberazioni del Consiglio dei Rogati. Serie "Mixtorum", I, libri I - XIV (1293 - 1331), a cura di R. CESSI e P. SAMBIN, Venezia, 1960 (Deputazione Veneta di Storia Patria. Monumenti, n.s., 15, p.5, n. 31. J. VALENTINELLI, Bibliotheca manuscripta ad S. Marci Venetiarum, Codices Miss. Latini, VI, Venezia, 1873, p.159, n.186 (= 3584); RR.II.SS., ed. Palatina, XII, Milano 1728, ANDREAE DANDULI Venetorum ducis Chronicon Venetum, pp. 513-514; A. MAGNACAVALLLO, Marin Sanudo il Vecchio e il suo progetto di Crociata, Bergamo, 1901, p. 66; RR.II.SS., nuova ed., XII, parte I, Bologna, 1938 - 1958, ANDREAE DANDULI DUCIS VENETIARUM Chronica, a cura di E. PASTORELLO, pp. 396-398.

20. MARIN SANUDO TORSELLO, MARINI SANUTI Conditio- nes Terrae Sanctae, cc. 3 v - 4. Fine del proemio e inizio dell'operetta.

Manoscritto secolo XIV. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

Le Conditiones, composte tra il 1306 (contempo-

16. MARCO POLO, Marco Polo da Veniesia de le maravigliose cose del Mondo, Venezia, Melchiorre Sessa, 1508, cc.nn. 10v - 11, capp. XVII - XX. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana). Descrizione geografica della Persia, "Provincia nobile e de gran valore già fo al tempo al tempo antigo"
E' questa una delle prime edizioni veneziane, che riproduce un compendio della redazione volgare del testo poliano.
17. Carta della Persia secondo Marco Polo, con indicazione dei suoi percorsi; da S. FRANCHI, L'itinerario di Marco Polo in Persia, Torino, 1941. (Venezia, Archivio di Stato).
18. Marco Polo in costume tartaro, come lo immaginava nel Settecento il pittore fiammingo Giovanni Grevembroch. Da G. GREVEMBROCH, Gli abiti de' Veneziani di quasi ogni età con diligenza raccolti e dipinti nel secolo XVIII, I, (1754), c. 101, manoscritto.
19. 1300, 19 marzo. Venezia. Ducale di Pietro Gradonigo a papa Bonifacio VIII, per informarlo della vittoria conseguita in dicembre, tra Aleppo e Damasco, da Ghāzān il Khān di Persia, in unione ai re di Armenia e Georgia sul soldano d'Egitto, ora prigioniero in Armenia, e della conquista mongola di Damasco; si presume che il Khān intenda passare il deserto per assalire il Cairo (Babilonia nuova). Il momento é favorevole alla Crociata, auspicata da Venezia. Riporta, in versione latina,

Leipzig, 1886 (ristampa anastatica Amsterdam, 1967), pp. 110 - 111; Mostra 1954, p. 23; Mostra 1956, pp. 14 - 15, n. 36; R. GALLO, Nuovi documenti riguardanti Marco Polo e la sua famiglia, in "Atti dell'Istituto Veneto di Scienze, Lettere ed Arti", 116 (1957-1958), pp. 312-315, che nota l'assonanza tra "Vilion" e "Milion"; A. STUSSI, Un testamento volgare scritto in Persia nel 1263, in "L'Italia dialettale", n. 25 (n.s., 2), (1962), pp. 23 - 37.

15. MARCO POLO, Marco Polo gentiluomo Venetiano, Delle cose de' Tartari et delle Indie Orientali, con la vita et costumi di que' popoli, descrizione di que' paesi et molte altre cose notabili et maravigliose in tre libri descritte, non prima che hora così interi et copiosi publicati, in G.B. RAMUSIO, Navigazioni et viaggi, II, Venezia, Giunti, 1559, cc. l v - 2. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).

"Proemio secondo" (traduzione del proemio latino di Fra Francesco Pipino Bolognese, 1320) e inizio del libro primo. 1250 deve intendersi come epoca del soggiorno di Nicoló e Maffeo a Costantinopoli, intervallato da ritorni a Venezia (Marco nacque nel 1254); la partenza per il primo viaggio avvenne verso il 1260. I due fratelli dimorano un anno presso il Khān dell'Orda d'Oro; tre presso quello di Ciagatai; poi si incamminano con un ambasciatore di Hūlāgū, Khan di Persia, verso il Cataio.

II. RELAZIONI COMMERCIALI NEI SECOLI XIII - XV

13. 1634. Carta della Persia di Guglielmo Blaeu, da GUGLIELMUS ET IOHANNES BLAEU, Theatrum orbis terrarum, Amsterdam, 1635.
(Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana).
Mostra L'Asia nella cartografia cit., p. 67, n. 63.
14. 1263, 10 dicembre. Tabriz. Testamento di Pietro Viglione, primo documento d'archivio su Veneziani in Persia (1263 e non 1264). Dispone che le mercanzie, in parte affidategli da soci rimasti in patria, siano rimesse al bailo veneziano di Acri (Siria); tra esse prevalgono gioie e lussuosi oggetti di cristallo di rocca, lavori europei e veneziani tradizionalmente graditi alle Corti d'Oriente.
Pergamena sciolta non corroborata da notaio. (Venezia, Archivio di Stato).
- B. CECCHETTI, Testamento di Pietro Vioni veneziano, fatto a Tauris (Persia) MCCLIV, X dicembre, in "Archivio Veneto", 26 (1883), pp. 161-165; W. HEYD, Histoire du commerce du Levant au Moyen Age, II,

(Fotoriproduzione).

G. Lorenzetti, Venezia e il suo estuario. Guida storico-artistica, Milano, 1944, p.158.

11. "Urna di Artaserse". Vaso di diorite egiziana screziata di bianco e grigio scuro del Tesoro di San Marco, proveniente forse da Persepoli e dedicato ad "Artaserse Grande Re" (si ritiene sia Artaserse I, 465 - 425 a. C.), come da un'iscrizione incisa in persiano antico, elamita, babilonese, egiziano. (Fotoriproduzione dal volume Il tesoro di San Marco, opera diretta da H.R. HAHNLOSER, II, Il Tesoro e il Museo, Firenze, 1971 (sotto gli auspici della Fondazione Cini), tav. I).

Il Tesoro cit., II, p.5, n.1 - Berchet, II, p.61.

12. Piatto di cristallo di rocca, di arte iranica o egiziana sotto influenza iranica, appartenente al Tesoro di S. Marco. X secolo.

(Fotoriproduzione dal volume Il Tesoro cit., tavv. IX, X, CII).

Il Tesoro cit., II, pp. 115 - 116, n.126.

La Persia é situata in posizione chiave e guarda verso tre mondi: il centro dell'Asia, il Mediterraneo e l'Oceano Indiano.

6. Carta della Persia; da ORTELIUS, op. cit., f. 49. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana, Fotoriproduzione). Si noti la scala in parasanghe persiane.

Mostra "L'Asia nella cartografia degli Occidentali".

Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana, 1954,

Catalogo, a cura di T. GASPARRINI LEPORACE, Venezia, 1954. (Comune di Venezia. VII centenario della nascita di Marco Polo), p. 57, n. 51.

7. Figure dei Parti e dei Medi; particolare del "Mosaico dei popoli" nella Cupola della Pentecoste in San Marco. (Fotoriproduzione).

La cupola narra la diffusione del Cristianesimo tra le genti del mondo antico, ma vuole anche significare l'ampiezza dei traffici veneziani. Qui sono rappresentati gli abitanti della Persia.

8. "Darius rex Persarum"; particolare del "Capitello degli Imperatori" nella loggia a pian terreno di Palazzo Ducale. (Fotoriproduzione).

9. Volto del Persiano antico; particolare del "Capitello dei popoli" nella loggia a pian terreno di Palazzo Ducale. (Fotoriproduzione).

10. Il Leone di S. Marco su una delle colonne della Piazzetta; probabile scultura persiana del periodo sassanide, trasformata, mediante l'aggiunta di ali, nel simbolo dell'Evangelista "in figura di leone".

to di Lido. (Venezia, Palazzo Ducale. Fotoriproduzione).

San Marco in figura di leone é protettore e simbolo della Serenissima, ma i Persiani vi scorgevano l'immagine di Ali; la comune devozione al mitico essere alato era motivo di reciproca simpatia ed amicizia.

Mostra di Vittore Carpaccio. Venezia, Palazzo Ducale, 1963. Catalogo a cura di P. ZAMPETTI, Venezia, 1963, pp.269 - 271, n.60.

3. 1542, 5 luglio. Relazione di Michele Membré andato in Persia. Identificazione di San Marco con Ali nel simbolo del leone. (Venezia, Archivio di Stato. Fotoriproduzione).

MICHELE MEMBRE', Relazione di Persia (1542), a cura di G. R. CARDONA, F. CASTRO, A.M.PIEMONTESE. Presentazione di G.R. SCARCIA, Napoli, 1969. (Istituto Universitario Orientale. Studi e materiali sulla conoscenza dell'Oriente in Italia, 1), pp. 44 - 45.

4. Carta dell'Europa; da ABRAHAM ORTELIUS, Theatrum orbis terrarum, Anversa, 1570, f.5. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione). Il commercio veneziano domina il Mediterraneo, dall'Inghilterra al Mar d'Azov, raccogliendo e distribuendo le merci dell'Europa, dell'Asia, dell'Africa.
5. Carta dell'Asia; da ORTELIUS, op. cit., f. 3. (Venezia, Biblioteca Nazionale Marciana. Fotoriproduzione).

L' AMBIENTE

1. Jacopo de' Barbari, Pianta prospettica di Venezia, pubblicata da Antonio Kolb, Venezia, 1500; da G. MAZZARIOL - T. PIGNATTI, La pianta prospettica di Venezia del 1500 disegnata da Jacopo de' Barbari, Venezia, 1962 (Venezia, Archivio di Stato).

In questa, come in altre vedute, l'Arsenale e i navigli che si affollano intorno alla città esprimono l'intensità dei traffici marittimi, rappresentati dalle divinità classiche del commercio e del mare. Secondo le scritte dei cartigli, Nettuno risiede nel porto, Mercurio rende illustre sopra ogni altro l'emporio realtino.

Riproduzione a stampa in MAZZARIOL - PIGNATTI op. cit.; G. CASSINI, Piante e vedute prospettiche di Venezia (1479 - 1855), Venezia, 1971, pp. 30 - 32 n. 5.

2. 1516. Vittore Carpaccio. Il Leone di San Marco. Nello sfondo il Palazzo Ducale, cuore della città ed un convoglio che entra a vele spiegate dal por-

tivi alla storia , all'archeologia, alla numi -
smatica", s. I, I (1866), pp. 5-62.

Mostra 1907 C. MALAGOLA, Catalogo della Mostra Geografi-
ca nell'Archivio di Stato di Venezia, in: MO
STRE ordinate in occasione del VI Congresso
Geografico Italiano. Venezia, 26-31 maggio ;
1907. Catalogo. Venezia, 1907, pp.29-79.

Mostra 1954 Archivio di Stato. Venezia. Mostra " Il com
mercio veneziano e l'Oriente". Catalogo. Ve-
nezia, 1954 (Comune di Venezia, VII Centena-
rio della nascita di Marco Polo).

Mostra 1956 UFFICIO CENTRALE DEGLI ARCHIVI DI STATO. Vi-
ta mercantile italiana. Rassegna di documenti
degli Archivi di Stato d'Italia (in occasione
del terzo Congresso Internazionale degli Archi-
vi: Firenze, 25-29 settembre 1956), Roma, 1956
(Ministero dell'Interno. Pubblicazioni degli
Archivi di Stato, 24).

muz, muore a Bassorah nel 1605.

- (13) Viaggio del magnifico Messer Ambrogio Contarini, Ambasciator di Venetia ad Ussuncassan Re di Persia hora chiamato sophi, in Viaggi fatti da Vinetia alla Tana, cit. c.72.
- (14) Theodoro SPANDUGINO, Vita di sach Ismael et Tamas Re di Persia chiamati soffi, in FRANCESCO SANSONO, Historia universale dell'origine, guerre et impero de Turchi, Venezia, 1654, c. 138V.
- (15) BERCHET I, II.
- (16) Mostra 1907; Mostra 1954; Mostra 1956.

Abbreviazioni usate (oltre a quelle correnti):

ALBERI Relazioni degli ambasciatori veneti al Senato raccolto, annotate ed edite da E. ALBERI, voll. 15, Firenze, 1839-1863.

BERCHET, I G. BERCHET, La Repubblica di Venezia e la Persia, Torino, 1865.

BERCHET, II G. BERCHET, La Repubblica di Venezia e la Persia. Nuovi documenti e registi, in "Raccolta Veneta. Collezione di documenti rela-

- (9) Viaggi fatti da Vinetia alla Tana, in Persia, in India et in Costantinopoli...., Venezia, nelle case de' figliuoli di Aldo, 1545, c.2.
- (10) Histoire générale des Voyages ou nouvelle collection de toutes les relations de voyages par mer et par terre...., XIII. La Haye, de Hondt, 1755, pp. 114-115. W. IRVINE, London, 1907-1908, II, p.418.
- (11) JEAN BAPTISTE TAVERNIER, Les voyages en Turquie, en Perse et aux Indes, I, Paris, 1679, pp.551-552. Sull' afflusso di zecchini veneziani in India dalla costa persiana, NICCOLAO MANUCCI, Storia do Mogor or Mogul India 1653-1708, translated with introduction and notes by (12) 1609, 2 settembre. Aleppo; Berchet, I, p.202, n.37
- (12) Notizie intorno ai Veneziani che sullo scorcio dei secoli XVI-XVII continuamente percorrono le vie di Aleppo, Bagdad, Bassorah, Hormuz, la Persia, l'INDIE, si desumono da U. Tucci, Mercanti veneziani in India alla fine del secolo XVI, in Studi in onore di A. Saponi, II, Milano, 1957, pp. 1089 - 1111; R. ALMAGIA', Giovan Battista e Gerolamo Vecchietti viaggiatori in Oriente, in Accademia Nazionale dei Lincei, Rendiconti della classe di Scienze morali, Storiche e filologiche, s. VIII, II (1956), fasc. 11-12, pp. 313-350; tra essi Gerolamo Bontempelli, nel 1580-1582 agente di Troilo e Sertorio Altan a Hor-

que Levantis illustrantia, I, a.1300.1350, Venezia 1880 (R. Deputazione Veneta di Storia Patria. Monumenti storici, s. I, Documenti, 5), pp. 47-48, n.26.

(4) DOMENICO MALIPIERO, Annali veneti dall'anno 1457 al 1500 ordinati e abbreviati da FRANCESCO LONGO con prefazione e annotazioni di A. SAGREDO, in "Archivio storico italiano", VII (1843), parte I, p.25.

(5) 1535, 16 luglio, 9 ottobre, 23 febbraio "More veneto", Senato Secreti, reg. 56, cc.110-110V, 169-169V.

(6) GIO.TOMMASO MINADOI, Historia della guerra fra Turchi e Persiani, Venezia, 1588, p. I.

(7) La relazione di G.B. Vecchietti, andato in Persia nel 1585 per conto del papa e del re di Spagna, è allegata in copia al dispaccio 16 gennaio 1588 "more veneto" (1589) dell'ambasciatore a Madrid (H.F. BROWN, A report on the condition of Persia in the year 1586, in "The English Historical Review", 7 (1892), pp. 314-321; U.TUCCI, Una relazione di Gio. Battista Vecchietti sulla Persia e sul Regno di Hormuz (1587), in "Oriente moderno", 35 (1955), pp. 149-160).

(8) MARINO SANUDO, I Diari, VII, Venezia, 1882, coll. 534-535.

- (1) 1298, 8 e 9 novembre; Mostra 1954, pp. 24 e 25. I due atti furono scoperti in occasione del centenario poliano e citati in alcuni studi, tra i quali: R. MOROZZO DELLA ROCCA, sulle orme dei Polo, in "L' Italia che scrive" , 37, (1954), p.120; G. AVON CAFFI, da "Lidi e Lagune" a "Il Commercio veneziano e l'Oriente", in "Bollettino del Civico Istituto Colombiano" , Genova, 2 (1954), fasc. 2, p.42; R. S. LOPEZ, Venezia e le grandi linee dell'espansione commerciale nel secolo XIII, in La civiltà veneziana del secolo di Marco Polo, Firenze, Sansoni, 1955 (Fondazione Cini), p.51; L. PETECH, Les marchands italiens dan l'empire Mongol, in "Journal Asiatique", 1962, p.562.
- (2) La congettura è di R. MOROZZO DELLA ROCCA, op. cit. p.121, che interpreta così "Petrus de Lucalongo" (Fratr^{is} IOHANNIS DE MONTE CORVINO Epistulae, in A. VAN DEN WYNGAERT, Sinica Franciscana, I, Itineraria et relationes Fratrum Minorum saeculi XIII XIV, Quaracchi - Firenze, 1929, pp.337. 352-353).
- (3) R. PREDELLI, I Libri Commemoriali della Repubblica di Venezia, Regesti, I, Venezia, 1876 (Deputazione Veneta di Storia Patria, Monumenti Storici s. I, Documenti, 1), pp. 54,66, nn.252, 289; G.M. THOMAS, Diplomatarium Veneto - Levantinum sive acta e diplomata res venetas, graecas at-

pubblico piú numeroso, capace di apprezzare la festa delle miniature, l'eleganza dei firmani, la vivace rappresentazione di mappe, vedute o disegni, il fascino delle carte antiche, ed é un omaggio al Paese amico che ha voluto ospitarle e un invito a piú frequenti legami, come in passato con la Serenissima, sul piano economico, culturale ed umano.

Tra quanti mi hanno in varia guisa aiutato, mi é caro ricordare almeno i colleghi ed amici Dott. Giustignano Colasanti e Dott. Irma Paola Tascini dell'Archivio di Stato di Venezia e Dott. Francomario Colasanti della Biblioteca Nazionale Marciana, entusiasti e validi collaboratori, insieme a Michele D'Adderio della Sezione di Fotoriproduzione e Restauro di detto Archivio di Stato. Ringrazio il Prof. Angelo M. Piemontese dell'Is.M.E.O. per aver gentilmente provveduto, servendosi di fotografie, alla ricognizione dei firmani persiani - la cui presumibile data é ricostruita criticamente sulla scorta dei documenti veneziani relativi a ciascuno di essi - ed alla revisione orientalistica di molti nomi e toponimi del Catalogo.

Le fotoriproduzioni sono state curate dalla Sezione di foto-documentazione e restauro dell'Archivio di Stato di Venezia, salvo quelle a colori e quelle eseguite presso il Civico Museo Correr, affidate alla Ditta Ferruzzi, ed alcune altre cortesemente fornite dagli Istituti interessati.

Maria Francesca Tiepolo

Il tema proposto non era nuovo ed in passato era stato oggetto di indagine, a cominciare dai fondamentali lavori di Guglielmo Berchet (17), che oltre un secolo fa ricercó e mise in luce gran parte dei documenti qui esposti, alcuni dei quali apparvero già in altre Mostre (18). Ripercorrendo la strada da altri tracciata, con l'ausilio di nuova bibliografia e di altre ricerche, si é procurato di offrire uno sguardo d'insieme sulle plurisecolari relazioni veneto-persiane, aspetto non trascurabile, sebbene da non sopravvalutare, della storia dei due Paesi e dei legami tra Venezia e l'Oriente, tra la Persia e l'Europa. Il riesame del materiale, cui si aggiunge qualche nuovo documento, pur senza modificare le linee essenziali del quadro, ha suggerito qua e lá precisazioni, accostamenti e ripensamenti, forse non inutili.

Il catalogo si limita ad elencare e brevemente illustrare i pezzi, disposti secondo lo schema di un discorso, che accetta di massima la sequenza cronologica. Sono taciute le collocazioni, note alla Direzione dell'Archivio di Stato di Venezia. La bibliografia, anche a corredo di queste note, essendo compilata da un'archivista, non vuol essere impeccabile né esauriente, anzi si restringe alle edizioni dei documenti ed alle principali opere che li riguardano, lasciando spesso alla letteratura piú recente, che viene citata, il compito di informare su quella anteriore.

Al di lá del suo intento scientifico, quale riepilogo e approfondimento di cognizioni acquisite e stimolo ad altri studi, la Mostra si rivolge però ad un

to concerne il piano amministrazione, finanze, economia. La presenza veneziana risulta pur sempre incisiva sui mercati mediterranei, sebbene non paragonabile allo splendore di un tempo, come rileva, con cognizione di causa, l'ultimo console, Gio. Antonio Maria Morana, dopo il 1797 funzionario austriaco.

La Mostra deriva da quella, piú modesta, allestita in sede dall'Archivio di Stato di Venezia nell'ottobre 1971 per il XXV centenario di Ciro il Grande (16). Questa nuova e piú ampia edizione non si sarebbe però realizzata senza la cordiale adesione di altri Istituti veneziani, in primo luogo la Biblioteca Nazionale Marciana, che vi ha contribuito in misura determinante con i suoi codici latini, italiani, orientali e con opere a stampa; sarebbe anzi doveroso parlare di iniziativa concorde, sviluppata in spirito di collaborazione ed amichevole intesa. Il Civico Museo Correr ha consentito alla «fotografie di manoscritti, materiale iconografico, oggetti d'arte iraniana; la Sovrintendenza ai Monumenti, il Palazzo Ducale, la Fondazione Giorgio Cini, l'Istituto Ellenico di Studi Bizantini e post-Bizantini hanno messo a disposizione riproduzioni di quadri, cimeli, miniature. Un particolare ringraziamento é dovuto ai rev. di Padri Armeni Mechitaristi di S. Lazzaro, per aver permesso di fotografare preziosi manoscritti miniati della loro biblioteca e oggetti del Museo. Anche così il materiale esposto rappresenta tuttavia soltanto una cernita di quanto Venezia può offrire sull'argomento agli studiosi.

Vale nuovamente nei rapporti veneto - persiani. Superato il ristagno causato dalle guerre, riprendono vigorosi i traffici con i porti di Siria, favoriti dalla condizione di neutralità veneziana, dai Trattati con i Cantoni Barbareschi e dalla migliorata situazione interna nelle regioni iraniche, già tormentate da lotte tra principi. Dopo un lungo periodo di sospensione - durante il quale la sede consolare era unificata a Cipro - viene ripristinato il consolato di Aleppo, Siria e Palestina, sebbene con una significativa variante, che denota la mutata mentalità veneziana: non è più infatti prerogativa patrizia, ma lo si affida ad un mercante capace, che non occorre nemmeno sia suddito veneto. Sono numerose le ditte ebrae ed è forte la concorrenza "ponentina", francese, inglese, olandese, toscana; invano i consoli esortano i Veneziani a commerciare direttamente, anziché rimettersi alla gestione straniera.

Il volume dei negozi rimane notevole, alimentato in gran parte dalle carovane di Bassorah e Bagdad, che possono enumerare 10.000 cammelli e portano merci indiane e persiane, ripartendo con materie prime e manifatture veneziane o importate dai Veneziani, conterie, specchi, stoffe, carta, ferro; espressione di una vita economicamente ancor fervida, a Venezia come sulle coste di Siria. A questo riguardo la Mostra può dire forse qualcosa di nuovo, contribuendo ad attenuare, sulla traccia della più moderna storiografia, l'impressione di assoluta e generale decadenza negli ultimi decenni della Repubblica, almeno per quan-

ni molto costumati et gentileschi" diceva Ambrogio Contarini (14), e lo Spandugino, testimone indiretto, soggiunge che il forestiero vi é accolto come angelo di Dio (15). Immancabile é infatti presso viaggiatori e geografi l'elogio alla cortesia persiana.

Al tempo della guerra di Candia (1645 - 1669), nell'assillo di cercar soccorsi, si ripropone il programma di alleanza con la Persia per impegnare il nemico alle spalle in Asia. Da Venezia non partono, come in passato, ambasciatori o segretari, bensí messaggieri occasionali, religiosi - solito tramite delle relazioni con l'Oriente - oscuri personaggi, talora neppure cittadini, né sudditi, quasi bastasse provocare inquietudine a Costantinopoli, senza confidare in miglior risultato delle trattative, difficilmente ottenibile essendo la Persia vincolata al Turco dal Trattato del 1639. Allo scadere della tregua turco-persiana, quando lo Sciah potrebbe aiutare la Repubblica, l'isola di Creta é perduta.

La guerra deprime il commercio per via di Siria con la Persia e l'India, a beneficio della rotta atlantica. In alternativa si tentano altre strade, attraverso la Russia solcando il Mar Caspio da Darband ad Astrakan e risalendo il Volga (come fece al ritorno il Contarini); ovvero, secondo la preferenza veneziana, via terra da Costantinopoli a Spalato. I due itinerari sono illustrati in Collegio da missionari domenicani nell'estate 1673.

Alla metà del secolo XVIII il motivo economico pre-

polio regio e presentano sontuosi doni, omaggio regale e insieme mezzo di propaganda delle piú eleganti manifatture persiane. I Savi alla Mercanzia studiano il modo di favorire il "negozio delle sete persiane" mediante esenzioni doganali ed altre facilitazioni, nello sforzo di difendere le antiche linee mediterranee contro la concorrenza oceanica.

Questi contatti giovano alla diffusione del mito di Venezia in Oriente. Thomas Rohe descrive un'ambasciata persiana che nel 1616 porta in dono all'imperatore Moghul un velluto a figure con "i ritratti del re e della regina di Venezia" (10). Piú realisticamente gli zecchini veneziani corrono su quei mercati, grazie al titolo di oro fino e sono imitati anche in India: un comandante olandese di Hormuz si sbriga dell'annuo presente ad Abbas il Grande con una preziosa coppa cinese, ricolma appunto di 2.000 zecchini, come narra il Tavernier. In seguito i dignitari persiani offrono al re per Capodanno "qualche bella rarità o almeno scudi d'oro di Vinecia" (12).

La Maestá sua, avverte Gio. Francesco Sagredo console in Siria, "é tanto inclinata al nome venetiano, che qualunque de' nostri il quale si transferisca alla sua corte, ancorché di bassissima conditione, tratta seco con tanta familiarità et riceve tanti commodi et cortesie, che non é possibile a credere" (13). Gli esempi non mancano, poiché Veneziani trafficano con la Persia e vi pongon dimora a loro agio, insieme a tanti altri "Franchi"; "Persiani sono huomi-

tinopoli e Aleppo, sede normale del consolato di Siria, qualificato maggiore e riservato ai patrizi. Ne derivano narrazioni ufficiali e officiose delle guerre condotte dai sovrani safavidi; " dappoi Xerxe e Dario - scrive al padre da Damasco nel 1507 Zuane Morosini a proposito di Ismāil - mai é sta' re di Persia né tanto adorato, né amato da li suo', né che sii sta' piú belicoso, né che sia sta' cum tanto exercito, né che sii sta' si fortunato" (8). Alla trasmissione delle notizie collaborano i mercanti, a fini di previsione economica e con umanistico piacere di conoscenza; loro dobbiamo gratitudine, sottolinea il Manuzio, come a distributori di beni, ma ancor piú " per la cognitione che tutto giorno di nuovo s'acquista di molti luoghi et paesi mediante la loro peregrinatione" (9).

Durante il lungo e glorioso regno, Abbās il Grande rinsalda i legami con le nazioni europee e con Venezia, nel quadro di una politica intesa a dare respiro economico alla Persia, dopo averne ottenuta con le armi l'unificazione, spalancandole i mercati occidentali per via di Siria come di Hormuz e di altri porti sul Golfo Persico. Al tempo stesso egli indulge ai prodotti europei, archibugi, armature, tessuti, quadri, specchi; i viaggiatori ammirano l'appartamento rivestito di specchi veneziani, vanto della reggia di Isfahan.

Approdano a Venezia frequenti ambascerie di carattere economico-politico, spesso composte da Armeni, detentori della maggior parte del commercio estero persiano, che hanno incarico di vendere sete di mono-

la Repubblica repentinamente conclude la pace con la Porta.

Fino alla conquista ottomana del 1517 Venezia non può deteriorare i rapporti con il Soldano d'Egitto, signore degli empori siriani, centro vitale dei suoi traffici. La scoperta della via marittima delle Indie, lunga, rischiosa e temibile, non segna infatti il subitaneo declino dei mercati mediterranei, che dopo il primo sgomento godono ancora periodi di fiorente ripresa, poiché solo lentamente le merci si abituano a preferire le nuove rotte alle tradizionali piste carovaniere, collaudate da millenni.

In questa cornice ogni insorgenza di guerra turco-persiana ("molto commoda et molto opportuna alla Repubblica christiana", osserva il Minadoi (6)) è appresa con sollievo, in quanto serve ad alleggerire la pressione su altre frontiere, ma insieme paventata, ove le operazioni belliche possano impedire il regolare movimento delle carovane. Qualunque notizia al riguardo è raccolta, vagliata e ritrasmessa dai pubblici rappresentanti veneziani (con soli, baili, rettori e "capi da mar") e rimbalza attraverso le corti d'Europa. Gli ambasciatori informano il senato intorno ai rapporti diplomatici dello Stato ospitante con lo Sciah (7); nelle relazioni finali, illustrando da quella specifica angolatura la situazione internazionale, non tralasciano di parlar della Persia, la cui importanza si accresce quando la penisola indiana diviene teatro di rivalità europee.

I punti di osservazione più sensibili sono Costan-

Malgrado l'inconsistenza sul piano bellico, questi maneggi non mancavano tuttavia di valore politico e destavano preoccupazione a Costantinopoli; il progetto di guerra comune risorge perciò, come ricorrente miraggio, ad ogni aggressione turca ai domini veneziani; altre volte l'appello proviene dallo Sciah (anzi dal soffi, come qui si diceva) e la Repubblica tergiversa, per non mettere a repentaglio la pace con il Turco, immediato avversario lungo i confini e sul mare, ed elemento essenziale dell'economia mediterranea. A parte la difficoltà di concreto accordo a tanta distanza e nel mutar degli eventi, il punto d'intesa veneto - persiano, rappresentato da interessi commerciali e lotta alla preponderanza ottomana, era solo un aspetto della complessa situazione generale in Europa ed in Asia, nel Mediterraneo e nell'Oceano Indiano, che poteva determinare esigenze contrastanti.

Così nel 1509 - 1510 son lasciate cadere proposte di alleanza di Sciah Ismāil, formulate nel momento più tragico della storia veneziana, poiché la Repubblica, minacciata in Italia, deve evitare complicazioni in Oriente; ne derivano tuttavia incidenti con l'Egitto. E nel 1535, all'annuncio delle vittorie conseguite l'anno prima in Persia da Solimano il Magnifico, il senato con più ducali se ne compiace, "essendoli et volendoli esser veri et perpetui amici" (5). Indicativa è la vicenda del 1539 - 1540, quando Sciah Tahmāsp è incline a scendere in campo a fianco di Venezia, in risposta alle sollecitazioni di Michele Membré, e

le relazioni tra Venezia e la Persia.

Ad un privilegio di Uljiāitū (1306), che accenna a mercanti veneziani in Persia "pro temporibus retroactis" (3), fa seguito il minuzioso trattato discusso nel 1320 da Michele Dolfìn con Abū Saīd; la colonia veneziana a Tabrīz, governata da un console, diviene subito numerosa. Da Trebisonda e la Tana il commercio si sviluppa, con alterne vicende, in direzione della Persia e dell'Asia Centrale, fino ad essere travolto dall'avanzata ottomana.

Nel 1453 la caduta di Costantinopoli suscita in Europa la "grande paura" e vani propositi di Crociata; si cercano alleati in Oriente per aprire un secondo fronte in Asia. Questo desiderio coincide con l'impulso verso l'Europa del Turcomanno Uz'un Hasan, "molto valente e savio, ... de bellissimo corpo, liberal, cortese e benigno" (come afferma l'annalista Malipiero) (4), che ha riunito sotto di sé gran parte delle terre iraniche. Il tema della guerra turca prevale nei rapporti veneto-persiani allorché la Repubblica si trova sola nella lotta (1461 - 1479) e dopo la perdita di Negroponte (1470). Si susseguono scambievoli ambascerie; quelle di Caterino Zeno, nipote della despina principessa di Trebisonda, Giosafat Barbaro, Ambrogio Contarini sono celebri per il racconto dei viaggi. Nella primavera del 1473 sembra per un momento che l'azione congiunta per terra e per mare possa aver luogo in Cilicia e proseguire verso il Bosforo; ma l'illusione é dissolta dalla sconfitta subita da Uzun Hasan, nell'agosto, a Tarjan sull'Eufrate.

nisce dinanzi ai tribunali veneziani (1289) (1), con loro disappunto e per nostra fortuna, poiché possiamo in tal modo raccogliere, attraverso atti giudiziari e protocolli notarili, qualche pietruzza di un mosaico perduto, del quale ci é dato solo intuire il disegno senza abbracciarne la vastità. Anche Pietro Longo figlio di Luca (secondo una felice intuizione) (2) "fidelis christianus et magnus mercator", trasferitosi nel 1291 con fra Giovanni da Montecorvino da Tabriz a Pechino (Cambaluc), poteva essere veneziano.

L'Ilkhān Arghūn, amico dell'Occidente e i suoi immediati successori puntano lo sguardo alle sponde mediterranee e scrivono al papa, al re di Francia, al re d'Inghilterra, per invitarli alla liberazione dei Luoghi Santi; comincia così l'altalena di sterili tentativi di collaborazione militare tra l'Europa e la Persia, come più tardi contro i Turchi. Da parte veneziana si presta vigile attenzione ai progressi dei Mongoli contro il soldano, conquistatore di S. Giovanni d'Acri nel 1291, inaugurando la funzione di raccolta e smistamento di notizie che diverrá tipica della Repubblica. Al principio del Trecento, Marin Sanudo Torsello⁹ studia il modo di boicottare l'Egitto e far divergere le correnti di traffico indiane per via di Persia e lungo l'Eufrate verso le coste di Siria, allo scopo di impoverire gli infedeli e a tutto vantaggio dei Veneziani. La mentalità mercantile si intreccia al fervore della Crociata, e già si scorgono i motivi fondamentali, economico e politico-militare, del-

nella Pala d'Oro; altri oggetti del Tesoro di San Marco. Finché perdurò l'impero greco e poi quello latino d'Oriente, la posizione di privilegio goduta dai Veneziani escludeva l'urgenza di una loro penetrazione nell'entroterra asiatico, dove li precedettero mercanti di città e nazioni meno favorite e specialmente genovesi. Ma dopo i Trattati di Ninfedo (1261), quando tale preminenza si incrina, anch'essi si addentrano lungo le vie carovaniere, sollecitati da spirito di avventura e amor di guadagno. Come altre volte, l'iniziativa privata anticipa l'azione dello Stato, che interviene a regolare in sede diplomatica i risultati raggiunti.

Poco prima della crisi, Maffeo e Nicolò Polo intraprendono la grande avventura e sostano presso i Tartari del Ciagatai. Nel 1623 Pietro Viglione con i suoi famigli sono forse gli unici Veneziani a Tabrīz, ma egli può far testamento quasi fosse nei paraggi di casa, assistito da altri "Franchi", e gli sembra ovvio far recapitare i suoi averi all'autorità veneziana più prossima, il bailo di Acri.

Incoraggiato da missionari e mercanti, il khanato di Persia si schiude all'influsso europeo. Alla corte di Arghūn, cui i Polo dovevano condurre dal Cataio la sposa o le spose, giungono altri Veneziani, quali Lorenzo Viadro e Simone Aventurado, che gli recano "una zoia vocata castellum", forse in cristallo di rocca, mercanzia occidentale e veneziana tradizionalmente gradita alle corti d'Oriente. Non ne ricevono contraccambio, preteso dai soci rimasti in patria, sicché l'affare fi-

INTRODUZIONE

Nella cupola della Pentecoste in S. Marco le figure dei Medi e dei Parti rappresentano le antiche genti iraniche, mentre sui capitelli di Palazzo Ducale sono scolpiti il volto dell'antico Persiano e l'immagine di Dario nelle vesti di un sovrano trecentesco; richiami ad un paese orientale forse in relazione con Venezia piú strettamente di altri che dall'interno dell'Asia gravitano sul Mediterraneo, anche perché la Persia (come preferiamo dire, sulla scorta dei documenti qui esposti e della tradizione occidentale) era passo di transito verso l'India e il Cataio, per via di terra o dal porto di Hormuz.

I primi contatti, sul piano commerciale ed artistico, avvennero a Bisanzio e negli scali di Siria e del Mar Nero, punto d'arrivo delle carovane di "merci sottili", sete, spezie, gemme. Di lá giunsero alle Lagune la chimera Sassanide, innalzata, quale emblema dell'Evangelista, sulla colonna della Piazzetta; l'anfora di "Artaserse grande re"; i quattro piccoli smalti di ispirazione iranica, unici a soggetto profano

ed al Dott. Iraj Afshar, Direttore della Biblioteca Centrale dell'Università, che con entusiasmo e competenza si é adoperato alla realizzazione della Mostra.

Giuseppe Tucci

La dimostrazione dei rapporti tra Venezia e l'Iran é ad ogni modo testimoniata dall'esposizione che il catalogo qui illustra e che espone soltanto alcuni dei documenti piú preziosi e significativi, perché é viva in me la speranza che piú approfondite ricerche altre ne possano scoprire. Sono tutte testimonianze che, con mirabile accortezza o ventura, l'uomo e il tempo hanno conservato per dimostrare agli uomini d'oggi, se ce ne fosse bisogno, che i vincoli di amicizia ben saldi e validi tra Italia e Iran hanno una lunga storia, una storia che é nostro dovere e compito ricostruire e ricordare anche nei minuti particolari.

Ma per terminare il lungo discorso é d'obbligo che io ringrazi tutti coloro che hanno cooperato all'attuazione di questa mostra che é un messaggio di stima e di amicizia. Al Dott. Luigi Lanfranchi, direttore dell'Archivio di Stato di Venezia, va la nostra riconoscenza per avere ideato, voluto ed organizzato questa esposizione, con la preziosa collaborazione della Dott.ssa Maria Francesca Tiepolo alla quale si deve, tra l'altro, il testo di alto valore scientifico del presente catalogo. Mi é particolarmente grato rivolgere il mio deferente ringraziamento a S.E. Houshang Nahavandi, Magnifico Rettore dell'Universitá di Teheran, che con la sua ben nota sensibilitá di uomo di cultura ha voluto che il rinnovato incontro tra Venezia e la Persia avesse luogo in questa prestigiosa Universitá

Contarini, Giovanni Dario, Vincenzo Alessandri e molti altri di minor nome, una schiera di uomini di temperamento e di carattere eccezionale, ambasciatori e guerrieri abili nel parlare e provati nell'agire, che portarono ovunque il prestigio di Venezia, mantengono tra l'Occidente e l'Iran una continuità di rapporti che oltre l'effimera contingenza politica avvicinano e conciliano due civiltà remote e diverse. A quel tempo gli scambi di persone, di documenti e di cose tra Venezia e l'Iran furono frequentissimi: le cronache li registrano e l'arte qualche volta ne perpetua il ricordo come in quel quadro di Gabriele Icallari che raffigura l'arrivo e il ricevimento della missione persiana guidata da Fateh Bey.

A Venezia affluivano quasi giornalmente notizie sugli avvenimenti della Persia e si registravano le fortune e le vicende degli uomini che di volta in volta li guidassero. Per un lungo periodo, che va dal 1496 al 1533, giorno per giorno esse venivano raccolte e commentate con cura scrupolosa da Marin Sanudo il giovane, nel suo diario, che è specchio fedele del mondo visto con gli occhi di Venezia. Il Babinger in uno studio magistrale ha mostrato quanta luce possa venire dall'uso accorto di queste fonti per ricostruire le vicende talvolta oscure ed incerte che condussero al formarsi della dinastia dei Safavidi. Ed è appunto per questo che da molti anni s'è maturato in me il proposito di preparare un indice ragionato di questa opera monumentale.

nell'Iran, egli vedeva l'unico alleato che, minacciando alle spalle il comune nemico, potesse indebolirne le forze.

Gran studio pongono i viaggiatori del tempo, dal Vecchietti a Vincenzo Maria di Santa Caterina, agli Ambasciatori Veneti, per farsi una idea esatta della potenza militare dei Persiani. Da questo motivo é ispirata l'operetta dello stesso Pietro della Valle "Delle condizioni di Abbas, re di Persia", dedicata al cardinale Barberini e stampata a Venezia nel 1628.

In questo intrico di forze opposte, Venezia si trovó sola perché la gelosia e il sospetto dei suoi rivali, in Italia e fuori, non stimolarono l'Occidente a una difesa solidale. Più s'affermava la potenza Ottomana e più Venezia s'affaticava a stringere amicizia con la Persia. Per quasi due secoli vi fu un continuo scambio di ambascerie tra la Serenissima e l'Iran e si proposero e rinnovarono tentativi di collaborazione armata che mai tuttavia condussero ad un'azione concorde, sia per la distanza interposta, sia per la difficoltà di comunicare prontamente e trarre insieme vantaggio dagli sviluppi di impreviste situazioni. Né al tempo delle rivendicazioni guerrèsche di Usun Hassan, sollecitato dall'ambasceria di Caterino Zeno che per via di matrimonio gli era parente, e di Josafat Barbaro, né sotto il regno di Shah Abbas e neppure quando brilló la gloria di Lepanto, ci fu contemporaneitá di azione. Oltre i già detti, Ambrogio

morte di Arghun posero fine.

Arghun imbastì rapporti di vario genere con le potenze europee per sottrarsi ai diritti doganali pretesi dal Sultano e Niccoló IV inviò due Francescani, Guglielmo e Matteo, entrambi di Chieti, con lettere di raccomandazione per i figli di Arghun e il Vescovo Bar Sauma. Oljaitu seguì la stessa politica di Arghun e inviò presso Clemente V, Tommaso Idulchi di Siena, che si recó anche in Inghilterra.

Ma il maggiore e piú intenso incontro tra l'Iran e l'Italia avvenne al tempo di Shah Abbas il Grande. Fu allora che Pietro della Valle giunse a Isfahan e scrisse la sua mirabile opera, ora pubblicata dall'Is.M.E.O. in edizione critica con le note del Prof. Lockhart. Il primo volume é stato tradotto in Farsí da Shoaaddin Shafa.

Pietro della Valle possedeva tutte le virtú e i requisiti per viaggiare con profitto: aveva educazione, ingegno, danaro, apparteneva ad una delle piú nobili famiglie di Roma, conosceva un poco l'arabo, bene il turco e il persiano. Aveva l'irrequietezza dell'uomo avventuroso, ambiguo tra le armi e gli studi. Fu poeta e musicista. Il suo temperamento non si placó neppure al ritorno, pronto sempre ad adoperare la penna o la spada. Egli seguì Shah Abbas nelle sue guerre e nelle sue scorribande. La politica di Shah Abbas lo interessava piú di ogni altra cosa, perché i pensieri suoi, come di gran parte dell'Occidente, erano allora rivolti contro l'Impero Ottomano; in Shah Abbas e quindi

PREFAZIONE

In un libro scritto nel 1949 (Italia ed Oriente), che non mi sembra il corso degli anni abbia reso inutile e superato, parlai a lungo dei rapporti antichi e recenti tra Italia e Iran. Se passiamo sotto silenzio i tempi di Roma, durante i quali le vicende furono alterne - ora amichevoli, ora violente, ma anche nelle guerre i popoli hanno modo di conoscersi -, con il fiorire delle Repubbliche Marinare l'Iran, sulla via dell'India, ebbe contatti frequenti con l'Italia. Al tempo degli Ilkhani, insieme con tanti altri il cui nome resta negli archivi delle nostre biblioteche, Buscarello da Genova, mercante della famiglia dei Ghisulfi, si stabilì in Iran e venne più volte inviato in Europa dalle Autorità Iraniane con incarico di emissario o ambasciatore. La colonia genovese, di cui Buscarello forse fu la persona di maggior rilievo, prosperava nell'Iran protetta dagli Ilkhani e fu così fiduciosa nell'appoggio di Arghun che pensò, costruendo una flotta ad Ormuz, di controllare il commercio tra l'Europa e l'Iran: sogno ardimentoso cui le discordie scoppiate alla

LA PERSIA
e
LA REPUBBLICA DI VENEZIA

**Mostra di Documenti dell'Archivio di Stato e della
Biblioteca Marciana di Venezia**

A cura dell' Università di Tehran, dell' IsMEO
(Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente)
e dell' Istituto Italiano di Cultura di Tehran.

Biblioteca Centrale dell' Università di Tehran

Tehran^٢, 26 Aprile 1973

**Introduzione e catalogo a cura di
Maria Francesca Tiepolo**

Traduzione di

Iraj Anvar e Gh. Rowshani



Price : \$ 2

Tehran - Iran

1973

pacum cum adonsait jmpatōe tūnsij p̄ archidacē delphyno abar
tūc rēncē celebratum.

Questo sic lo Exemplo
deli comandamenti
te monfayt Imperador ha
budi per lo nobel homo
misier a Michiel dolphyno
ambatador per misier lo
dote et per lo comun de ve
netia. facti corando. a Nille
Cientento e xx. del mese
de decembre die. xxij ex
scando :

Impunia che tuti li uenicia
ni et deli nostri nesuna for
ca li sia facta. Et che nesuno
pedago nesun tan tanlago
nesuna Tomaga oltia usan
ca antigha no sia preso ne
lachi per nesuna chaxone.

Item che nesuna Citade o
luogo del nostro Imperio
li nostri ueniciani no pos
sa esse contheti a conuagar
ne uender le soe chose senza
soa uoluntade no sia regnu
di li Tomagaci de quella
citade o luogo quando lo
nostro ueniciani sen uora
andar cum la soa Roba o
mandarla a lora. A quello co

ta ueniciani se debia da
conas ala soa uoluntade

Item che tatali Chara
Epoclageri del chanun
bia prender dali nostri
tiani sola mentre el se
tolial mentre senza al
forca far aquelli .

Item che intute parte
nostro Imperio la Roba
sua ueniciani uendra
Roba dela signoria E
mogaci de quello luogo
sia regnudi aquelli de
valer et andar Et simel
tre de far de intregar
sia satisfato de quello
mese uenendo

Item che in tute parte
nostro Imperio la Roba
charauane passera. Et
o dampno alguno li
facto dela signoria
uili Charauili e cente
lo luogo o sia de quell
tade sia regnudi de
lo dito furto o damp
intrega mentre troua
do ello li fosse deuon

